

گفت و گو با علیرضا مختارپور، دبیر مجموعه «اندیشمندان ایران و اسلام»

دورنمایی روشن برای مخاطب جوان



ما هر چه در عرصه کتاب و کتابخوانی کار کنیم، جای کار بیشتری در این عرصه وجود دارد؛ چراکه با این کار به سرمایه‌های معنوی و فرهنگی کشور خواهیم افزود. هیچ ملتی با کتاب نخواندن و پژوهش نکردن به جایی نرسیده است و اگر راهی برای پیشرفت کردن می‌توان متصور شد از مسیر کتاب خواندن است. بنابراین تا می‌شود باید به این کارها توجه کرد و این مسیری است که با استعانت از نقد مشفقانه می‌توان به مراحل بالاتر رسید. به همین دلیل، انتشار این مجموعه را کام کوچکی در این مسیر می‌دانم.

۱۱

کتابخانه

شنبه ۱۴ شهریور ۱۳۸۸
۱۵ رمضان ۱۴۳۰، ۵ سپتامبر ۲۰۰۹
شماره ۱۹۷، پیاپی ۸۴۸
صفحه ۲۰۰، تومان

ISSN:1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه
خواججه نصیر، پلاک ۲، طبقه چهارم
تلفن: ۶۶۹۶۱۵۱-۴
سازمان آگهی‌ها: ۲۲۵۵۲۴۶
چاپ: ایرانچاپ

www.ketabehafteh.ir



انفجار دو گانه
در عرصه
ادبیات مکتوب
۲۳



روشنفکر، در
تعریف خود نیز
سردرگم است
۱۸



اینجا
یار مهربان از همه
مهربان تر است
۱۲

سراغاز

ورق‌های این سیاهه دل

رمضان به نیمه رسید و هنوز در تورق برگ‌های اول کتاب پالایش جانمان مانده‌ایم، هنوز به فصل تویه نرسیده‌ایم و قلم استغفار را در جوهر ندامت فرو نبرده‌ایم تا بر آنچه در صفحه دل‌مان به گناه نوشته‌ایم، خط بطلان کشیم.

خدای من، دل به مهر تو بسته‌ایم و در انتظار شب‌های قدر نشسته، که ورق‌های این سیاهه دل را به زلال بخشایش توبشویم و دیگر بار، از نو بنگاریم مهر تو را. چه سعادت! امروز ولادت دومین پیشوای شیعیان است، همان که کریم اهل بیت (ع) است؛ «یامحسن به حق الحسن». دوروشنایی روز و دو تاریکی شب تا آستانه قدر فاصله داریم. کاش قدر شناس باشیم که گفته‌اند: «شب قدر است، اگر قدرش بدانی». ولیکن به گفته شیخ اجل که «از دست و زبان که برآید، کز عهده شکرش به درآید» پس نیک سخنی است که گویم: الها از تقصیر خویش، عذر به درگاه تو آورده‌ام. «مولای ممولای»، قسم به نجوای سوزناک علی (ع)، نور قرآنت را در جانمان جاری ساز و جان کلامت را بر اعمالمان حاکم فرما. آمین یا کریم الکاتبین.

نویسنده‌ای که وبلاگش را بست تا بهتر بنویسد

ژوزه ساراماگو از «قابیل» رمان نوشت

سال ۱۹۹۲ به انتشار این رمان اعتراض کرد و در واکنش به اعتراضات، به دستور وزیر کشور پرتغال نام او از فهرست نامزد های جایزه اروپا حذف شد اما او چند سال بعد به جایزه نوبل ادبیات دست یافت.



«قابیل» که یک سال پس از رمان قبلی ساراماگو به نام «سفر یک فیل» نوشته شده، ۱۷ اکتبر سال جاری میلادی در پرتغال در دسترس عموم قرار می‌گیرد اما پیش از آن قرار است «قابیل» برای نخستین بار در نمایشگاه کتاب فرانکفورت (۱۴ تا ۱۸ اکتبر) به بازار کتاب عرضه شود.

ژوزه ساراماگو (Jose de Sousa Saramago) نویسنده پرتغالی و برنده جایزه نوبل ادبیات در سال ۱۹۹۸ است. شهرت ساراماگو در ایران با ترجمه فارسی کتاب «کوری» معروف‌ترین رمان این نویسنده در سال ۱۳۷۸ خورشیدی آغاز شد و تاکنون بیش از سه ترجمه مختلف از کوری صورت گرفته است.

این نویسنده اکنون در خانه‌ای در جزایر قناری اسپانیا زندگی می‌کند. وی با وجود سن بالا، در نویسندگی بسیار فعال است و تنها از سال ۲۰۰۰ تاکنون، هفت کتاب نوشته است. علاوه بر این، او از پارسال تاکنون وبلاگ خود را با مطالب مختلفی از اوضاع زمانه و مسائلی چون فقر در آفریقا و مسائل بهداشتی در آمریکا به روز می‌کند.

ژوزه ساراماگو برنده نوبل ادبیات که جدیدترین اثرش به زودی به نام «قابیل» منتشر می‌شود، برای تمرکز در نوشتن رمان دیگری، وبلاگش را تعطیل کرد.

این نویسنده ۸۷ ساله، پارسال وبلاگی در اینترنت راه‌اندازی کرد تا افکار و عقایدش را منتشر کند اما در آخرین یادداشت وبلاگش نوشته است: «برای خدا حافظی همواره بهترین راه، سادگی است. پس تا روزی دیگر خدا حافظ. کتاب دیگری را شروع کرده‌ام و می‌خواهم تمام وقت خود را به آن پردازم.»

«قابیل» جدیدترین رمان ساراماگو، پاییز امسال به بازار کتاب عرضه می‌شود. وی در این رمان از داستان «هابیل و قابیل» نوشته است.

به گزارش خبرگزاری لوسا، ژوزه ساراماگو درباره رمان اخیر خود به نام «قابیل» می‌گوید: «داستان با محوریت شخصیت قابیل شکل می‌گیرد و این اثر جان بخشیدن به مفهوم بدی است که در قابیل که برای نخستین بار دست به کشتن برادرش هابیل زد تجسم یافت.» آن طور که در انجیل، کتاب مقدس مسیحیان آمده است: «قابیل اولین قاتل تاریخ بود که از سر حسادت دستش به خون برادر کوچک‌ترش هابیل آلوده شد.»

ساراماگو پیش‌تر برای نوشتن رمانی به نام «انجیل به روایت عیسی مسیح» مسیحیان را رنجانده است. جامعه کاتولیک در

۲

• تبلیغ نمایشگاه
کتاب تهران
در فرانکفورت

۳

• نادین گوردیمر:
جهان کتاب
در خطر است

۴

• ترجمه کتاب
دیگری از موراوایا

۵

• ضرورت
اجرای طرح جامع
صنعت چاپ

• کتاب‌های پرفروش
هفته گذشته

کتاب، مقوله بسیار مهمی است. البته من به کارهای هنری، تصویری، تلویزیونی، سینما یا از این قبیل چیزها، خیلی اعتقاد دارم اما کتاب نقش مخصوصی دارد. جای کتاب را هیچ چیزی پر نمی کند. کتاب را باید ترویج کرد.

بیانات رهبر معظم انقلاب در مصاحبه با خبرنگار صداوسیما، پس از بازدید از ششمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران ۱۳۷۲/۲/۲۶

کتاب منسوب به امام علی (ع) در نمایشگاه قرآن

مسئول انتشارات مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی از ارائه کتابی منسوب به امیرالمؤمنین (ع) با عنوان «نزه الایصار والمحاسن الاثار» در نمایشگاه قرآن خبر داد و گفت: «این اثر قدمت بیشتری نسبت به کتاب «نهج البلاغه» دارد و نسخه خطی آن از کتابخانه واتیکان به ایران آورده شده است.»

ولی الله نیکی ملکی با بیان این مطلب اظهار کرد: «این اثر نزدیک به یک قرن پیش از «نهج البلاغه» تدوین شده است و فرموده هایی از امیرالمؤمنین (ع) را بیان می کند که برخی از آنها در نهج البلاغه ذکر نشده اند.» وی با بیان این که این اثر با استقبال خوبی از سوی بازدیدکنندگان نمایشگاه بین المللی قرآن کریم و همچنین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران مواجه شد، تصریح کرد: «اثر حاضر، بازبینی و تصحیح نسخه خطی اولیه است، به همین دلیل دقیقاً مانند نسخه اصلی آن ارائه نشده است. این کتاب همچنین می تواند منبع مناسبی برای محققان به شمار آید.»

مسئول انتشارات مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی بیان کرد: «کتاب هایی با موضوع فضایل اهل بیت (ع) از دیدگاه ستیان، رد شبهات و کتاب «تحریف القرآن» که پاسخی است به ادعای وهابیان مبنی بر تحریف قرآن توسط شیعیان و همچنین عرضه مقالات ارائه شده در کنفرانس های وحدت اسلامی در قالب کتاب از دیگر آثار مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در نمایشگاه بین المللی قرآن به شمار می آیند.»

هفدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم تا ۲۳ شهریورماه از ساعت ۱۶ تا ۲۳ و روزهای تعطیل از ساعت ۱۴ تا ۲۳ در مصالای امام خمینی (ره) پذیرای علاقه مندان است.

مجموعه ۲۲ جلدی «فرهنگ قرآن»

ایکتا- ۲۲ جلد از مجموعه ۳۳ جلدی «فرهنگ قرآن» به همت مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم در هفدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن ارائه شده است.

مجموعه ۳۳ جلدی فرهنگ قرآن که تاکنون ۲۲ جلد آن منتشر شده جامع ترین فرهنگ موضوعی قرآن کریم است که در سه هزار موضوع اصلی و با برخورداری از نظام ارجاعات در عناوین مترادف و پیوسته منتشر شده است. این اثر، معجم معنایی معارف و مفاهیم قرآن کریم است که به صورت الفبایی - موضوعی تهیه و علاوه بر هزاران مدخل با موضوعات متفاوت در ارتباط با قرآن کریم و اطلاع رسانی در زمینه معارف کلام و وحی، به صورت نوعی تفسیر موضوعی تهیه و تنظیم شده است. این مجموعه با هدف دستیابی تمامی موضوعات و مفاهیم قرآنی در هفدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن ارائه شده است. حجت الاسلام والمسلمین محمد صادق یوسفی مقدم رئیس مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم با اعلام این خبر گفت: «جلد های ۲۲ تا ۲۸ این مجموعه نیز آماده چاپ اند و به زودی با همکاری ناشر منتشر می شوند.»

مجموعه ۳۳ جلدی «فرهنگ قرآن» به سرپرستی آیت الله علی اکبر هاشمی رفسنجانی و کوشش جمعی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم تدوین شده که تا پایان سال جاری ۳۳ جلد آن منتشر خواهد شد.

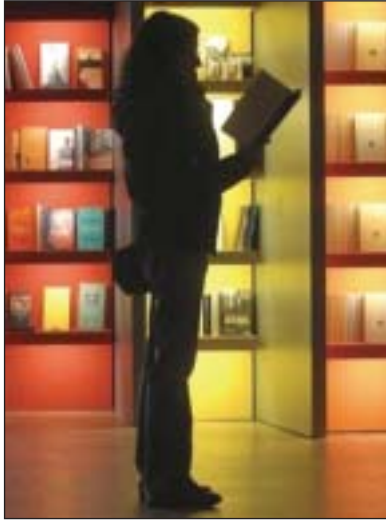
تبلیغ نمایشگاه کتاب تهران در فرانکفورت

معاون اداره کل مجامع، تشکل ها و فعالیت های فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین، تاکید کرد: «هدف اصلی اداره ما از حضور در نمایشگاه فرانکفورت با توجه به فاصله هشت ماهه با نمایشگاه کتاب تهران، اطلاع رسانی کامل درباره مقررات نمایشگاه کتاب تهران خواهد بود تا ناشران بین المللی با برنامه ریزی کامل در این نمایشگاه فرهنگی شرکت کنند.»

به گفته علیپور، غرفه متمرکز و ملی ایران در نمایشگاه فرانکفورت به ارائه تازه ترین آثار ایرانی خواهد پرداخت. وی حضور آثار ایرانی مربوط به کودک و نوجوان را در این نمایشگاه «چشمگیر» پیش بینی کرد.

معاون بخش بین الملل بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران درباره دستورالعمل های تازه بخش بین الملل این نمایشگاه گفت: «در دو ماه گذشته با تشکیل جلسات کارشناسی، دو شیوه نامه جدید را برای بیست و سومین دوره پیش بینی کرده ایم که یکی از آنها درباره شیوه نامه شرکت کنندگان در بخش ریالی نمایشگاه است و دیگری به موضوع اطلاع رسانی اختصاصی بخش بین الملل می پردازد.»

به گفته علیپور، شیوه نامه تازه ای نیز در حال بررسی است که درباره نحوه ارزیابی تخلفات شرکت کنندگان بین المللی در نمایشگاه کتاب تهران است و همه ابعاد را در بر خواهد گرفت.



خواهد بود.

علیپور با اشاره به اهمیت و تاثیرگذاری نمایشگاه کتاب فرانکفورت در میان ناشران جهان، افزود: «این نمایشگاه در واقع مرجع نمایشگاه های کتاب در جهان به شمار می آید و بیشتر کشورهای صاحب نشر در آن حضور دارند و این فرصت مناسبی برای اطلاع رسانی قوانین این دوره از نمایشگاه کتاب تهران در بخش بین الملل خواهد بود.»

سایت نمایشگاه بین المللی قرآن کریم تکمیل شد

مدیر پایگاه اطلاع رسانی مرکز توسعه و ترویج فعالیت های قرآنی کشور از تکمیل سایت هفدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم خبر داد و گفت: «علاقه مندان برای مشاهده پخش زنده برنامه ها و مراسم گوناگون این نمایشگاه می توانند به این سایت مراجعه کنند.»

سایت اینترنتی نمایشگاه قرآن به نشانی www.qia.ir به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی طراحی شده و قابل استفاده است.

سید حمید هاشمی در گفت و گو با خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) ضمن بیان این خبر عنوان کرد: «راه اندازی موتور جست و جوی کتاب، نرم افزار و ارائه آخرین اطلاعات نشست ها و برنامه های نمایشگاه که تاکنون با مشکلاتی روبه رو بود، اکنون به صورت کامل در سایت نمایشگاه قرآن کریم قرار دارد.»

وی خاطر نشان کرد: «تمامی اطلاعات مربوط به کتاب ها و نرم افزارهای موجود نظیر اطلاعات غرفه، ناشر و کتاب های موجود در نمایشگاه از طریق موتور جست و جوی این سایت قابل دسترسی اند. سایت اینترنتی نمایشگاه قرآن به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی طراحی شده و قابل استفاده است.»

هاشمی درباره دیگر قابلیت های این سایت اعلام کرد: «تمامی بازدیدهای مسوولان و اشخاص مختلف از نمایشگاه به صورت گزارش تصویری و تشریحی همه روزه در سایت قرار می گیرد.»

مدیر پایگاه اطلاع رسانی مرکز توسعه و ترویج فعالیت های قرآنی کشور با بیان این که از تمامی سالن های نمایشگاه به صورت زنده توسط دوربین ها فیلمبرداری می شود، یادآور شد: «پخش زنده از برنامه این سالن ها و برنامه های مهم نمایشگاه قرآن نظیر برنامه های افتتاحیه و اختتامیه در این سایت قرار می گیرند.»

کارنامه معاونت فرهنگی وزارت ارشاد، مکتوب می شود

حمید قبادی، مشاور معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: «معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در چهار سال فعالیت خود، برنامه های گسترده ای در حوزه ادبیات دفاع مقدس و ایثار و شهادت داشته است که مشروح این فعالیت ها به زودی در قالب کتاب منتشر خواهد شد.»

قبادی با بیان این مطلب به خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) گفت: «فعالیت های معاونت فرهنگی وزارت ارشاد در طول سال های اخیر به اندازه ای بوده که حوزه ایثار و شهادت وزارتخانه از محسن پرویز به خاطر تلاش های فراوان وی در این زمینه تقدیر و تشکر کرده است.»

به گفته قبادی، برنامه های تازه ای در این حوزه پیش بینی شده که در مرحله جمع بندی است و به زودی درباره آنها اطلاع رسانی خواهد شد.

قبادی همچنین در پایان گفت: «دبیر علمی جوایز ادبی به لحاظ اهمیت توانایی و تخصص لازم و صلاحیت مسؤولیت، از میان چند گزینه ای که مطرح اند، پس از بررسی های لازم به زودی انتخاب

اسناد تاریخی قشون جنگی دوره قاجار به کتاب می شود

مدیریت امور اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی از انتشار بیش از ۸۰۰۰ سند تاریخی متعلق به قشون پیاده نظام و سواره نظام مناطق مختلف ایران در دوره قاجار به خبر داد و گفت: «اسناد تاریخی ارزش بسیاری برای تاریخ پژوهان ایران دارند و باید در قالب کتاب برای پژوهشگران ارائه شوند.»

مدیر امور اسناد و مطبوعات سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی با بیان این مطلب گفت: «مجموعه این اسناد متعلق به فوج های نظامی شامل پیاده نظام و سواره نظام مناطق مختلف ایران مانند آذربایجان، خراسان، اصفهان و نواحی مرکزی ایران در دوره حکومت ناصرالدین شاه قاجار است.»

منصور سلطان محمدی خاطر نشان کرد: «در میان این اسناد تاریخی فرامین و احکامی وجود دارند که به فرماندهان ارشد که در جنگ ها توفیق داشته اند نشان طلا و نقره اعطا شده است.»

وی افزود: «این اسناد معرف بخشی از تشکیلات اداری و مالی دوره صفویه است که تا اواخر دوره قاجار ادامه داشته و به عنوان نماد اداری ایران مطرح بوده و برای محققان تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی دارای اهمیت فراوان است.»

تجلیل از م. مؤید در جشنواره «اخلاق و نیایش»



چهارمین جشنواره «اخلاق و نیایش در آینه هنر و پژوهش» امسال در حوزه ادبیات از م. مؤید، شاعر، تقدیر می کند.

این جشنواره هر سال پانزدهم ماه مبارک رمضان همزمان با ولادت حضرت امام حسن مجتبی (ع) توسط موزه قرآن برگزار می شود، که امسال در حوزه ادبیات قرار است از حسین مهدوی (م. مؤید)، شاعر و نویسنده، تجلیل کند. در سال های گذشته در این زمینه از قیصر امین پور، طاهره صفارزاده و عبدالرضا رضایی نیا تجلیل شده بود.

مجموعه های شعر «حسین علی، درود خداوند بر او»، «مگر با لایخنده ماه»، «گلی، اما آفتابگردان»، «تو کجاست؟»، «پروانه بی خویشی من»، «نرگس هنوز» و «بی خوانش پرندگان» همراه شعر بلند «سیماب های سیمین» آثار شعری منتشر شده از م. مؤیدند. «حسین علی، درود خداوند بر او» نیز دیگر کتاب منتشر شده اوست.

گوردیمر: جهان کتاب در خطر است



تحدودی انتقادی بنویسیم. مادر کشورمان مشکلاتی داریم ولی به شکل واقعی از آزادی مطبوعات برخورداریم»

وی که در یک مراسم کتابخوانی در برلین، پایتخت آلمان سخن می گفت، ادامه داد: «ولی با وجود این آزادی، نویسندگان و بنگاه های انتشاراتی اندک جدیدی در این کشور وجود دارند و متأسفانه بسیاری

نادین گوردیمر، برنده آفریقایی نوبل ادبیات، از کاهش نقش مطالعه در زندگی انسان ها و کم شدن تعداد افرادی که کتاب مطالعه می کنند، به شدت انتقاد و از این بابت ابراز تأسف کرد. گوردیمر خواستار اقدام نویسندگان در این رابطه شد.

به گزارش آسوشیتدپرس، این نویسنده «این که هر چه می گذرد انسان ها کمتر مطالعه می کنند» را یک مشکل جدی دانست و گفت: «کم شدن مطالعه باید محور همه جمع ها و کنگره های نویسندگان جهان باشد».

مهم ترین علت کاهش مطالعه به باور او، گران بودن کتاب است. وی در این باره گفت: در آفریقای جنوبی کودکان در مدرسه تنها خواندن و نوشتن را آموخته اند و در خانه فقط در حد نیاز به خواندن می پردازند. دلیل این امر آن است که قیمت کتاب در این کشور بسیار گران است از این رومی توان باتاسیس کتابخانه های کارآمد در مدارس و گنجاندن کتاب هایی با داستان های حقیقی و افسانه ای در آن، تا حدودی این مشکل را رفع کرد.

«گوردیمر» ۸۶ ساله در مجموع پیشرفت نویسندگان کشورش (آفریقای جنوبی) را پس از پایان حکومت آپارتاید تا امروز مثبت ارزیابی کرد و افزود: «ما از گذشته خیلی آزادتریم، چرا که می دانیم دیگر کتاب های ما ممنوع نمی شوند و ما می توانیم

پرفروش ترین رمان ایزابل آئنده تئاتر شد



رمان «خانه ارواح» اثر ایزابل آئنده، نویسنده شیلیایی توسط یک گروه آمریکایی به تئاتر تبدیل شد. این رمان پرفروش ترین اثر این نویسنده آمریکایی لاتین است.

این نمایش که از روز پنج شنبه در شهر هیوستون آمریکا به صحنه تئاتر می رود توسط کارپاد زویچ و ربه کار ادون کارگردانی شده است. نامه هایی که آئنده برای پدر بزرگش می نوشته، دستمایه الهام او برای خلق رمان «خانه ارواح» با سبک رئالیسم جادویی شده است. این رمان که برخی از منتقدان آن را رمانی در سطح «صد سال تنهایی» اثر گابریل گارسیا مارکز دانسته اند، در سال ۱۹۸۲ میلادی منتشر شده است. تئاتر «خانه ارواح» به زبان انگلیسی ساخته شده و به مدت یک ماه اجرا می شود. همزمان اقتباس دیگری از این رمان در شهر نیویورک و به زبان اسپانیایی در حال اجراست.

از نویسندگان با استعداد، پیشرفت کاری خود را در عرصه تئاتر و تلویزیون می جویند.»

شهر برلین به زودی و از ۹ سپتامبر میزبان فستیوال بین المللی ادبیات برلین است. این فستیوال تا ۲۰ سپتامبر ادامه می یابد اما «گوردیمر» به خاطر محدودیت زمانی، در این جشنواره حضور نخواهد داشت.

گوردیمر در جریان حضورش در برلین، یکی از کتاب های خود را با عنوان «بتوون یک شانزدهم سیاه بود» روخوانی می کند. این کتاب مجموعه ای از داستان های کوتاه است.

نادین گوردیمر که حدود ۷۰ سال از انتشار نخستین اثرش می گذرد، موضوع داستان هایش را بر مبنای مسائل مختلف اجتماعی برگزیده و بیش از هر چیز به هویت و ثبات شخصیت آدم ها نظر داشته است. به عنوان مثال، در یکی از داستان های ۱۳ گانه آخرین کتاب با زنی بیوهر و به رومی شویم که در جست و جوی اطلاعات بیشتر برای شناخت دقیق تر همسر در گذشته خود است. در داستان کوتاه دیگری، یک زن جوان که از کودکی در خانواده ای به فرزندی پذیرفته شده، پس از سال ها زندگی با والدینش در جست و جوی پدر واقعی اش برمی آید.

پیش تر آثاری چون «خانواده جولای»، «داستان پسر» و «آثاری از نویسندگان آفریقای جنوبی» از این نویسنده به فارسی ترجمه و در ایران منتشر شده اند.

«خوشبختی در ویتترین» موراویا به ایران می رسد

مجموعه داستان «خوشبختی در ویتترین» اثر آلبرتو موراویا، نویسنده ایتالیایی به فارسی ترجمه شده و در ایران منتشر می شود. این مجموعه شامل برخی داستان های طنز و تعدادی از داستان های سوررئالیستی (فراواقع گرایانه) موراویا است.

داستان های این کتاب مشترکاً توسط اعظم رسولی، هاله ناظمی و مژگان مهرگان از ایتالیایی به فارسی ترجمه شده اند که ترجمه این سه مترجم از «خوشبختی در ویتترین» توسط نشر کتاب خورشید روانه بازار کتاب ایران می شود. این مجموعه شامل برخی داستان های طنز و تعدادی از داستان های سوررئالیستی (فراواقع گرایانه) موراویا است. مترجمان، داستان های این کتاب را از مجموعه «Racconti surrealisti e satirici» اثر این نویسنده ایتالیایی انتخاب کرده اند.

پیش تر ۲۲ داستان از همین مجموعه توسط رضا فیضیه و هاله ناظمی به فارسی ترجمه و به نام «گوساله دریایی» توسط نشر کتاب خورشید در ایران منتشر شده است.

این انتشارات در چاپ و نشر ترجمه فارسی از آثار نویسندگان معاصر ایتالیایی فعالیت می کند و تاکنون چند جلد دیگر از آثار آلبرتو موراویا، از جمله مجموعه داستان «داستان های رومی» این نویسنده را در ایران چاپ کرده است. اخیراً نیز کتاب «یک روز یک ناظر انتخاباتی» اثر ایتالو کالیونو، برنده ایتالیایی نوبل ادبیات توسط این انتشارات به چاپ رسیده است. مترجمان همکار انتشارات کتاب خورشید آثار نویسندگان معاصر ایتالیایی را از زبان ایتالیایی (و نه از زبان واسطه) به فارسی ترجمه می کنند.

آلبرتو موراویا (با نام اصلی آلبرتو پینکرله) در ۲۸ نوامبر ۱۹۰۷ میلادی در شهر رم زاده شد. او طی ۸۳ سال عمر خود، بیش از ۳۷ رمان، مجموعه داستان کوتاه و نمایشنامه منتشر کرده است. «زن سرخ پوش»، «دنباله رو»، «بی تفاوت ها» و «داستان های رومی» از جمله آثار مطرح این نویسنده اند.

وی در داستان هایش به مسائل اجتماعی توجه خاصی نشان داده. موراویا را به عنوان بزرگ ترین نویسنده قرن بیستم ادبیات ایتالیا می شناسند و پازولینی (شاعر، کارگردان و منتقد ایتالیایی) او را فرهیخته ترین نویسنده تاریخ ایتالیا دانسته است. این نویسنده در آثار خود به موضوعاتی چون بیگانگی، وجودگرایی و مسائل اجتماعی می پرداخت. وی روایتگری خاص خودش را دارد. رمان ها و داستان های بلند او همواره با رویکردی تراژیک نوشته شده اند اما داستان های رومی جنبه هایی از طنز را در خود دارد که باعث شده این کتاب اثری متفاوت از سایر آثار این نویسنده باشد. او همچنین داستان هایی را در سبک سوررئالیسم (فراواقع گرایانه) خلق کرده است. ترجمه فارسی مجموعه داستان «خوشبختی در ویتترین» در ۱۶۸ صفحه چاپی، روانه بازار کتاب ایران می شود.

«ترجیع گرسنگی» آخرین رمان برنده فرانسوی نوبل دوباره ترجمه شد

لوکلزیو دارد؛ به شکلی که برخی منتقدان اعتقاد دارند نویسنده در این رمان زندگی مادرش را دستمایه رمان قرار داده یا دست کم از آن الهام گرفته است. این کتاب آخرین اثر این نویسنده فرانسوی محسوب می شود و نسخه اصلی آن در سال ۲۰۰۸ میلادی در فرانسه به چاپ رسیده است.

این نویسنده ۱۸ مهر پارسل، به عنوان برنده جایزه نوبل ادبیات سال ۲۰۰۸ معرفی شد. آکادمی نوبل این جایزه را برای آنچه ابداع روش های جدید در یافتن موضوع، ماجراجویی شاعرانه، هیجانانگیزی و جست و جوی انسانیت خوانده شده، به این نویسنده اهدا کرده است. ترجمه بحرینی با عنوان «ترجیع گرسنگی» در ۲۲۳ صفحه چاپی منتشر می شود. ترجمه خانم صبوری هم از این کتاب، حجمی در همین حدود (۲۴۰ صفحه چاپی) را دربر گرفته است.

رمان «آوای گرسنگی»، آخرین نوشته ژان ماری گوستاو لوکلزیو، برنده فرانسوی نوبل ادبیات سال ۲۰۰۸ برای دومین بار به فارسی ترجمه شد و با نام «ترجیع گرسنگی» در ایران منتشر می شود.

دومین ترجمه فارسی این رمان توسط مهستی بحرینی انجام شده و ترجمه او توسط موسسه انتشاراتی نیلوفر روانه بازار کتاب ایران می شود. مترجم دیگری با نام مهتاب صبوری، دی ماه سال گذشته (۱۳۸۷) ترجمه فارسی این رمان را با نام «آوای گرسنگی» به پایان رسانده است. لوکلزیو در این رمان ماجرای زن جوانی به نام اتل در پاریس در سال ۱۹۳۰ میلادی را تعریف می کند. زندگی این شخصیت داستانی که مجبور است مخارج خودش و پدر و مادرش را به دوش بکشد، شباهت های زیادی به زندگی مادر

در «ایبنا» بخوانید

بامراجعه به سایت خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، به نشانی اینترنتی «www.ibna.ir»، به این مطالب دسترسی خواهید داشت. امکان «جستجو» و «جستجوی پیشرفته» در وب سایت «ایبنا» به شما امکان دستیابی به مطالب بیشتر را هم می دهد.

کتاب هایی که مجوز گرفتند

فهرست آخرین گروه از کتاب هایی که از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز انتشار دریافت کرده اند، در خبرگزاری کتاب ایران منتشر شد. در این فهرست ۱۶۰ صفحه ای، جدولی شامل اطلاعات کتاب هایی که از ۲۱ اردیبهشت تا پنجم مرداد امسال مجوز انتشار گرفته اند، درج شده است. در این فهرست نام کتاب، نام نویسنده، پدید آور یا مترجم آن و ناشری که کتاب را برای اخذ مجوز به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ارائه کرده، ذکر شده است.

«ایبنا» همواره فهرست کامل کتاب هایی که مجوز انتشار دریافت می کنند و کتاب هایی که توسط هیأت خرید کتاب وزارت ارشاد از ناشران خریداری می شوند را منتشر می کند.

نقد بخوانید

بخش «یادداشت روز» خبرگزاری کتاب که روزانه یادداشتی از اهالی کتاب و قلم منتشر می کند هفته گذشته یادداشت هایی را از رضانجفی، منتقد ادبی و مترجم زبان آلمانی و نجمه شمس، خبرنگار ایبنا منتشر کرد. نجفی در یادداشت خود از ضرورت انتشار مجموعه های نقد سخن گفته و این عمل را موجب رونق کتابخوانی در کشور دانسته است. وی نوشته: وقتی تاریخ ادبیات را می خوانم به راستی از خود می پرسم آیا اگر آن منتقدان نبودند، امروزه ما داستایفسکی، چخوف و ... را می شناختیم؟ یا حتی خود ایشان کار خود را جدی می گرفتند؟

گفت و گوهای تئاتری

دو مصاحبه تئاتری هفته گذشته در ایبنا منتشر شد. قطب الدین صادقی، کارگردان تئاتر و مدرس دانشگاه که این روزها نمایش «باغ شکرپاره» به کارگردانی او روی صحنه تالار اصلی تئاتر شهر تهران اجرا می شود، به خبرنگار ایبنا درباره این نمایش توضیح داده و آن را نمایشی روحی خوانده و گفته است: «در چارچوب هدف گروه تئاتر هنر که رسیدن به یک تئاتر ملی است، نمایش روحی «باغ شکرپاره» را روی صحنه آوردیم. روحی یکی گونه نمایش مردمی، خنده دار و مبتنی بر بداهه سازی است.» به گفته صادقی نمایشنامه «باغ شکرپاره» به زودی توسط انتشارات روشنگران و مطالعات زنان منتشر می شود. دیگر گفت و گوی تئاتری ایبنا، مصاحبه با محمود صابری، معاون مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری است. وی در این مصاحبه از کمبود متون دینی برای تولید نمایش های دینی سخن گفته و از جشنواره هایی خبر داده است که حوزه هنری برای گسترش تئاتر دینی برگزار خواهد کرد.

اخبار ایران در دید جهانیان

صفحه انگلیسی خبرگزاری کتاب ایران، هفته گذشته تحولات کتابی و اخبار آمار انتشار کتاب در حوزه های مختلف در ایران، مهم ترین عناوین مربوط به کتاب در نشریات فارسی زبان، گزارش نشست های سرای دائمی اهل قلم و انتشار تازه ترین کتاب های ترجمه شده به فارسی از نویسندگان غیرایرانی را به گوش جهان انگلیسی زبان رساند. گذشته از آن گروه بین المللی «ایبنا» خبرهایی از کتاب در فراسوی مرزها را به دید مخاطبان خود گذاشت.

روزنامه حزب خراب پرفروش شد

دو کتاب «روزنامه حزب خراب» اثر سید فرید قاسمی و «انسان در عصر توحش» اثر اولین رید به گفته مسوولان فروش کتابفروشی های زمان و هاشمی، از آثاری بودند که با استقبال بیشتری از سوی خوانندگان مواجه شدند.

«روزنامه حزب خراب» که چاپ نخست آن از سوی نشر امرو و منتشر شده است، به معرفی حزب خراب و نوع فعالیت این حزب در سال هایی از دهه های ۲۰، ۳۰ و ۴۰ خورشیدی پرداخته است. مولف این کتاب در بخشی از مقدمه کتاب آورده است: «این حزب، درستی و راستی و پاکی را مزیت می دانست و آدم، کسی بود که فاقد این خصلت ها باشد به همین دلیل هر کسی که می خواست عضو حزب خراب شود، باید سند خیریت ارائه می داد یعنی این که در زندگی چه کارهای نیک انجام داده است.» دیگر آثار پرفروش کتابفروشی زمان در هفته گذشته عبارت بودند از: «من گنجشک نیستم» اثر مصطفی مستور، «شنبه پس از انتخابات» اثر محمد سعید کاوه از انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، «سنگر و قمقمه های خالی» اثر بهرام صادقی و «هزار توها» اثر خورشید لوتی با ترجمه احمد میرعلایی از نشر زمان. «انسان در عصر توحش» اثر اولین رید با ترجمه محمود عنایت از انتشارات هاشمی نیز از آثار پرفروش هفته گذشته بود. نویسنده در این کتاب ۷۰۰ صفحه ای به بررسی نقش و سهم زنان در پیدایش جامعه، فرهنگ و تمدن انسان پرداخته و با استناد به هزاران پژوهش باستان شناسی، انسان شناسی و تاریخی، نشان می دهد که در جامعه عصر انسان بدوی زنان از نظر خلاقیت و نوآوری سهم زیادی در پیدایش شیوه های زندگی بشر داشته اند. کتابفروشی هاشمی دیگر آثار پرفروش خود را در هفته گذشته به ترتیب زیر اعلام کرد: «حکایت آن اژدها» اثر نادر ابراهیمی نویسنده فقید از انتشارات هاشمی، «تو و جاده هم دستید» مجموعه شعر کیوان مهرگان از نشر پایان، «تنهایی پریها» اثر بهومیل هرابال با ترجمه پرویز دوی از انتشارات کتاب روشن، مجموعه داستان «آستین های رنگی» اثر تایماز افسری از نشر نی، «خدا حافظ گری کوپر» اثر رومن گاری با ترجمه سروش حبیبی از نشر اختران، «به خاطر یک فیلم بلند لعنتی» اثر داریوش مهرجویی از نشر قطره، «۱۹۸۴» و «مزرعه حیوانات» اثر جورج اورول با ترجمه صالح حسینی از نشر نیلوفر و «عطر سنبل عطر کاج» اثر فیروزه جزایری دوما با ترجمه محمد سلیمانی نیا از نشر قصه.

برنامه های سرای اهل قلم

برنامه های این هفته سرای دائمی اهل قلم از سوی خانه کتاب اعلام شد. امروز، شنبه، جلسه دیگری از سلسله نشست های مولوی پژوهی با حضور دکتر پرویز عباسی داکانی برگزار می شود. جلسه فردا، یکشنبه نیز به نقد و بررسی کتاب «افسانه نهال و خورشید» از مجموعه صد داستان صد نویسنده - طرح تکا - اثر سمیرا اصلانپور و با حضور نویسنده اثر و احمد شاکری، علی الله سلیمی و کامران پارسی نژاد اختصاص دارد. آخرین نشست این هفته نیز روز سه شنبه به نقد و بررسی ترجمه اشعار ویلیام بلیک، به قلم هوشنگ رهنما، اختصاص دارد که با حضور دکتر پرویز عباسی داکانی و احسان عباسلو برگزار می شود. تمامی نشست های این هفته از ساعت ۱۵:۳۰ تا ۱۷:۳۰ در سرای دائمی اهل قلم به نشانی خیابان انقلاب، خیابان فلسطین جنوبی، کوچه خواجه نصیر، شماره ۲ برگزار می شود و حضور در این نشست ها برای عموم آزاد است.

ضرورت اجرای طرح جامع صنعت چاپ

ذکایی درباره وابستگی ایران به کاغذ و مقوای وارداتی نیز گفت: «با وجود تولید کاغذ روزنامه و مقوای مصرفی، تولید کارت، کاغذ های سفید تحریر و گلاسه و مقوا کاملاً وارداتی است و سالانه بیش از یک میلیارد دلار کاغذ و مقوا وارد کشور می شود.»

وی خاطر نشان کرد: «برای تولید کاغذ و مقوای سفید و مرغوب باید حمایت لازم از سوی وزارت صنایع و معادن صورت بگیرد.»

مدیرکل دفتر امور چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین درباره نقش تشکل های صنفی در پویایی این صنعت اظهار داشت: «تشکل های صنفی موجود در پیله های کهنه و قدیمی خود مانده اند و گویا نمی خواهند که با تحولات روز همگام شوند، هر چند نشانه هایی از نوزایی و تحول و تغییر در این بخش به چشم می خورد.»

وی تصریح کرد: «تشکل های موجود هنوز با انتظارات واحد های چاپ، نسل جدید متخصصان و مدیران تحصیل کرده و دست اندرکاران فاصله بسیاری دارند که امیدوارم این شکاف هر چه زودتر ترمیم و برطرف شود و تشکل هایی با معیارهای جهانی، فعال، اثر گذار، خلاق، پاسخگو و مطلع داشته باشیم.»

به گزارش اینستا، در پایان این نشست، از اشرف زاد افشار، مهدی گلستانیان، ناصر عبدالرزاق و جواد رفوگران به عنوان چهار تن از پیشکسوتان حوزه چاپ تجلیل شد.

تقدیر از سید مصطفی روح الامینی به عنوان کارشناس نمونه اداره چاپ استان اصفهان، محمد علی حق بین، کارآفرین برتر حوزه چاپ، سعید بهنام جو، به عنوان کارآفرین نمونه این صنعت و حسین محمدی به عنوان مدیر نمونه صنعت چاپ نیز از دیگر برنامه های روز صنعت چاپ بود.



افزایش پنج برابری ترخیص و نصب ماشین آلات از ۲۹۲ مورد در سال ۸۴ به یک هزار و ۵۰۶ مورد در سال گذشته است.»

ذکایی به تجهیز چاپخانه ها مراکز چاپی فعال به جدیدترین دستگاه ها هم اشاره کرد و گفت: «ماشین های پیشرفته ای نیز در بخش چاپ افست ورقی و رول و چاپ بسته بندی در چاپخانه ها نصب شده اند؛ ماشین هایی که اکنون در کشورهای پیشرفته نیز در حال کارند. با این حال، تیراژ روزنامه ها و کتاب هادر کشور، متناسب با این تجهیزات نیست.»

وی تصریح کرد: «این ماشین های پیشرفته برای چنین تیراژ هایی ساخته نشده اند، در نتیجه از ظرفیت کامل این چاپخانه ها بهره برداری نمی شود و برای بهره گیری مناسب از این تجهیزات باید به سوی بازار های جهانی و جذب سفارش های بین المللی روی آورد.»

معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی عصر سه شنبه ۱۰ شهریور ماه در مراسم روز صنعت چاپ با اشاره به کاستی های بخش صنعت، گفت: دولت دهم باید یکی از اولویت های کار خود را در سر و سامان دادن به وضعیت صنعت چاپ کشور متمرکز کند تا به نقطه مطلوب برسد. محسن پرویز همچنین گفت: «در روزهای آغازین دولت نهم، بی برنامه گی، سردرگمی و روزمرگی صنعت چاپ کشور، در کنار نبود بانک اطلاعاتی مناسب از فعالان این صنعت، به خوبی مشهود بود.»

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) در این مراسم که با حضور علی اکبر اشعری، مشاور فرهنگی رئیس جمهور و رئیس کتابخانه ملی، حسن غفوری فرد، عضو هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی، جمعی از نمایندگان عضو کمیسیون فرهنگی مجلس و فعالان حوزه چاپ در تالار وحدت تهران برپا شد، محسن پرویز با بیان این مطلب افزود: «در دولت جدید طرح جامع صنعت چاپ باید به صورت عملی و علمی با حمایت ارگان های دولتی و فرهنگی کشور پیگیری شود تا بودجه کافی به این حوزه اختصاص یابد.»

پرویز با بیان این که تهیه و تکمیل بانک اطلاعاتی صنعت چاپ یکی از اقدامات موثر و مهم این معاونت در چهار سال اخیر به شمار می آید، اظهار داشت: «تا پیش از این بانک، اطلاعاتی چون تعداد دستگاه های چاپ در کشور، ظرفیت های چاپی هر استان و نیروی کار ماهر در پیچ و خم کارها فراموش شده بود.»

وی در بخش دیگری از سخنان خود به درخواست برخی از اعضای صنف چاپ مبنی بر ممانعت از صدور مجوز های جدید به فعالان این حوزه اشاره کرد و گفت: «در ابتدای کار دولت نهم، درخواست های بسیاری از سوی دست اندرکاران به دفتر چاپ می رسید که مخالف زیاد شدن تعداد چاپخانه داران بودند، این اقدام در دست بررسی قرار گرفت و در روزهای اولیه رد شد. اگر این اتفاق روی می داد، تمام طرح ها و برنامه ها به تعدادی افراد محدود می شد که اجازه ورود افراد جدید را به این حوزه نمی دادند، در مقابل نیز ما هر روز شاهد ورود ماشین آلات چاپ جدید به کشور بودیم که با این تعداد محدود همخوانی نداشت.»

پرویز از خرید نقدی دستگاه های خارجی به عنوان یکی از آفت های این صنعت نام برد و افزود: «برخی فعالان این حوزه توان خرید دستگاه های نو و به روز را ندارند و با وام هایی که از بانک های داخلی می گیرند، نسبت به خرید دستگاه از دیگر کشورها اقدام می کنند که معتقدم در این شیوه باید تغییراتی ایجاد شود.»

وی در ادامه سخنان خود به نمایندگان فروش برخی از شرکت های ماشین آلات چاپ اشاره کرد و اظهار داشت: «این نمایندگی ها می توانند به صورت نظام مند و قانونی شرایطی فراهم کنند که دستگاه ها و ماشین آلات به صورت اقساط در اختیار دست اندرکاران این حوزه قرار گیرد.»

پرویز همچنین به پایین بودن بودجه دولتی صنعت چاپ اشاره و عنوان کرد: «در دولت جدید، لازم است طرح جامع صنعت چاپ، آماده و اجرایی شود و در آن نقش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت صنایع و همه ارگان های دولتی پیش بینی شود تا بودجه کافی برای این صنعت به تصویب برسد.»

تحولی نوین در صنعت چاپ

در ادامه این مراسم، مدیرکل دفتر امور چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در سخنانی با اشاره به چهار سال فعالیت خود در اداره چاپ گفت: «در روزهای آغازین فعالیت، روحیه ناامیدی و یأس در فضا موج می زد و زمزمه ورشکستگی اقتصادی چاپخانه داران شنیده می شد که به مرور با همکاری و همراهی دولت و صنف به ترمیم آن اقدام کردیم.»

وی با اشاره به بخشی از اقدامات انجام شده در این چهار سال اظهار داشت: «امروز در مقایسه با سال ۸۴ آمار سرمایه گذاری در زمینه تجهیزات و ماشین آلات جهش بزرگی را تجربه کرده است و شاهد این مدعا نیز

باسمه تعالی

نخستین مسابقه نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران

در آستانه دهه چهارم انقلاب اسلامی شکوهمند ملت بزرگ ایران و به منظور نکوداشت سی سال آزادی و بیداری، بهسرفرت و عدالت، بهمنیت و آزادی و با هدف ثبت آن همه حماسه آفرینی های شور انگیز در حافظه تاریخی بشری، نخستین مسابقه نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران برگزار می شود. این مسابقه فرصتی است برای همه صاحبان ایده و نظر و دیدگاه های خلاق، هنرمندانی که خود را در تاریخ و سرنوشت سبلی نشان شریک و دخیل می دانند و اهمیت روشنگری و بازشناسی حقایق و وقایع را برای فرزندان امروز و فردا فریادند. مناسب با موضوع روزیاد انقلاب اسلامی برای انسان معاصر و روش های تربیتی، آرمان های ملی و آزادی خواهی، نظم ستیزی و عدالت طلبی، حماسه سازی، ایثار و سایر تأثیرات تمدنی آن در جهان کنونی، آثار مدادگار و شایسته ای را به گنجینه ای دیادمان نمایشی کشور خواهند افزود.

به مشارک مورد نیاز

۱. فرم پر شده تقاضای حضور در مسابقه برای هر نمایشنامه پر کردن یک فرم جداگانه الزامی است. محدودیتی بر تعداد آثار وجود ندارد.
۲. سه نسخه تایپ شده از نمایشنامه به همراه فایل آن در محیط word بر روی لوح فشرده.
۳. یک نسخه عکس پرسنلی نویسنده.

■ جوایز مسابقه

به منظور حمایت و پشتیبانی معنوی، آثار برگزیده در قالب کتاب مستقل منتشر خواهند شد. همچنین جوایزی به رسم یادبود به ده اثر برگزیده به شرح زیر اعاده می شود:

۱. سه اثر برگزیده نخست، هر یک ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال، معادل دو میلیون تومان.
۲. سه اثر برگزیده دوم، هر یک ۱۵۰۰۰۰۰۰ ریال، معادل یک میلیون و پانصد هزار تومان.
۳. چهار اثر برگزیده سوم، هر یک ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال، معادل یک میلیون تومان.

■ گاه شمار:

۱. ارسال آثار از طریق پست، بهنشانی تا تاریخ ۲۰/۸/۸۸
۲. اعلام نتایج و اهدای جوایز تا تاریخ ۲۰/۹/۸۸

فرم تقاضای حضور در نخستین مسابقه سرسری نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران

عنوان نمایشنامه: _____ نویسنده: _____

میزان تحصیلات (با ذکر رشته و گرایش): _____ شماره تماس (شماره همراه): _____

نشانی دقیق پستی: _____

اینجانب: _____ با اطلاع کامل از مفاد فراخوان نخستین مسابقه سرسری نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران، مشارک فوق را در صحت و درستی ارائه می دهم.

تاریخ و امضاء: _____

آدرس: خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان فلسطین و صیاد جنوبی، ساختمان شماره ۲۱۹۰، طبقه دوم، رولت عبوسی صندوق پستی ۲۲۱۵۰-۲۱۳ شماره تماس: ۰۲۱-۶۶۶۶۲۱۲-۶۶۶۱۵۲۱



تب آثار فیلسوفان غربی در بازار کتاب و مطالعه

گمنامی ما و شهرت آنها



دارد، ناقص است.»

علت گرایش جوانان به فلسفه غربی، سوال دیگری است که اعرانی در پاسخ به آن می گوید: «یکی از علل گرایش دانشجویان ما به فلسفه غرب، این است که دانشجوی وقتی متوجه می شود با نظام آموزشی موجود در دانشگاه ها، می تواند در نهایت در یکی از حوزه های فکری یا در موضوع یک فیلسوف نظیر هگل، نیچه، کانت، لویاس و دریدا متخصص شود و لازم نیست کل سیر فلسفه را از بدو تا ختم پیاموزد، سراغ فلسفه می رود. از طرفی، ورود موضوعات متنوع مربوط به زندگی روزمره به عرصه تفکر و فلسفه در غرب، سبب شده این نوع فلسفه برای جوانان جذاب شود.» حکمت نیز در این مورد با نظر دکتر اعرانی موافق است و می گوید: «فیلسوفان اسلامی مسائلی را مطرح کرده اند که بین خواننده و آثارشان کیلومترها فاصله است، در حالی که فیلسوفان غربی به جای پرداختن به مسائل عمیق فلسفی، دغدغه ها و مسائل روز را مطرح کرده اند، لذا خواننده هنگام خواندن اثر، یک نوع حس همدلی و همراهی دارد و احساس می کند نویسنده به نیازهایش پاسخ داده است. البته باز هم تکرار می کنم که فیلسوفان اسلامی نیز چنین آثاری دارند اما متأسفانه معرفی و شناخته نشده اند و اگر به درستی به آثارشان پردازیم، چه بسا روزی جای فیلسوفان غربی را بگیرند.»

این مدرس دانشگاه، بخشی از تقصیر بی توجهی به فلسفه اسلامی را به گردن دانشگاه ها می اندازد و می گوید: «به نظرم باید گروهی از صاحب نظران و کارشناسان این حوزه گرد هم جمع شوند و برخی از کتاب ها و واحدهای درسی این رشته را دوباره تدوین کنند تا دانشجوی عصر حاضر، بتواند با آنها ارتباط برقرار کند. اکنون چند ترم است که من دیگر کتاب بدایه الحکمه را تدریس نمی کنم چرا که دانشجوی نمی تواند با این متن ارتباط برقرار کند.»

تمام نظرات و پیشنهادهایی که در این گزارش به صورت اجمالی ارائه شدند، مسائلی اند که شاید بارها و بارها به زبان دیگری یا در قالب های متفاوتی بیان شده اند اما این که این ایده ها چه زمانی قرار است جامه عمل بپوشند، مساله ای است که گویی باید همچنان منتظرش بمانیم!

مثلا اگر کتاب اصیلی منتشر شود، بدون نیاز به تشویق بیرونی و برخلاف هر تبلیغ منفی احتمالی، در نهایت مورد توجه جامعه علمی قرار می گیرد و اگر متخصصان کمبودی ببینند، به مرور آن را رفع می کنند. به هر حال معرفت، خودش راه خودش را پیدا می کند. نه حمایت مأمون از نهضت ترجمه علت ایجاد تاریخ پررونق فلسفه اسلامی بوده و نه حقارت محمود مانعی برای بزرگی فردوسی شده است. معارف مختلف هم مکمل همدیگرند و جا برای فعالیت همه آنها وجود دارد.»

مینایی، ایرادات جدی ای را که در نظام آموزش کشورمان به ویژه در رشته فلسفه وجود دارد پذیرد. او معتقد است: «پیشنهادهایی برای رفع مشکلات در این حوزه وجود دارد که با اعمال آنها می توان این مشکلات را تا حدودی رفع کرد. به عنوان مثال، با این که به نظر می رسد عناوین واحدهای درسی کم و بیش خوبند، اما شاید تغییر در روش تدریس سطوح پایین تر، مفید باشد. وجود متون مقدماتی به فارسی، فرهنگ تخصصی اصطلاحات فلسفه اسلامی که اصطلاحات خاص هر فیلسوف را توضیح داده باشد و وجود تک نگاری های فیلسوفان برجسته اسلامی، به ویژه در دوره کارشناسی، از جمله مواردی اند که می توانند وضعیت فلسفه را در دانشگاه ها بهبود بخشند.»

نصرالله حکمت، مولف و مدرس فلسفه در دانشگاه شهید بهشتی، گرایش بیشتر به فلسفه غرب را تأیید اما آن را از فلسفه معاصر و جدید تفکیک می کند. وی معتقد است: «فلسفه غرب طیف وسیعی را شامل می شود که از قرون وسطی آغاز شده اما فلسفه جدید، مربوط به یک دوره ۳۰۰ تا ۴۰۰ ساله است که شامل قرن شانزدهم به بعد می شود و در نهایت، فلسفه معاصر همان فلسفه پست مدرن است.»

این روزها در پیشخان کتابفروشی ها شاهد تعداد زیادی اثر در حوزه فلسفه غرب هستیم، اما در مقابل، آثار اندکی در حوزه فلسفه اسلامی به چشم می خورد. حکمت در این باره می گوید: «این امر دلایل زیادی دارد اما مهم ترین دلیل، ناقص معرفی شدن فیلسوفان اسلامی است. زمانی که یک فیلسوف اسلامی به درستی معرفی نشده، مخاطب به ویژه طیف جوان ما، چگونه سراغ آثار این حوزه برود؟ در حالی که فیلسوفان اسلامی مباحث های جالبی دارند که امروزه بسیار به کار می آیند اما از آن جایی که درست معرفی و تبلیغ نشده اند، مورد غفلت قرار گرفته اند. از طرفی، چون اکثر متون فلسفه اسلامی به زبان عربی اند و ترجمه از این زبان نادر است، معرفی افراد و آرا و عقایدشان کم انجام شده و مقداری هم که وجود

فلسفی است؟ خوش بینانه ترین حالت ممکن این است که در کنکور، رشته فلسفه را انتخاب کند و وارد دانشگاه شود.

وجود ایرادات جدی به نظام دانشگاهی و آموزشی کشورمان به ویژه در رشته فلسفه، موضوعی است که صاحب نظران در این گزارش آن را می پذیرند و هر یک هم پیشنهادهایی برای بهبود این وضعیت، ارائه می کنند.

اعوانی در این باره می گوید: «در مرحله اول این سوال مطرح است که برنامه آموزشی فلسفه که در دانشگاه ها اجرا می شود، تا چه حد پاسخگویی این عطش است؟ آیا برنامه مصوب، حداقل هر پنج سال یک بار به روز می شود؟ در فلسفه اسلامی درس هایی در تاریخ فلسفه، الهیات از منظر فلاسفه و... خوانده می شود که پرداختن به آنها بدون بررسی متون کلاسیک آن، ابتر است. حال سوال این است که در دانشگاه ها تا چه اندازه دانشجویان را با متون درگیر می کنیم؟ دانشجویان ما اگر درسی با عنوان «الهیات شفا» می گذرانند، چند صفحه آن را به طور دقیق و عمیق فرامی گیرند؟ در چنین وضعیتی، شاید بهتر بود نظام فلسفه اسلامی را در قالب دانشگاهی اجرا نمی کردیم و تعلیم و تعلم این رشته را به حوزه می سپردیم تا از این طریق گسترش یابد.

اما فاطمه مینایی، دانشجوی دوره دکترای فلسفه و از مترجمان حوزه فلسفه، معتقد است: «در صورتی که گرایش به فلسفه غرب نسبت به فلسفه اسلامی بیشتر باشد، به این معنا نیست که فلسفه اسلامی مورد کم توجهی قرار گرفته است. بعضی متخصصان و محققان فلسفه - تا حدی به صورت طبیعی - تنها در یک حوزه کاری کنند، اما توجه اندیشمندان ما معمولاً به تعامل و مقایسه میان دو منبع فکری است. به طور مثال، آثار دکتر داوری اردکانی یا دکتر طباطبایی درباره اندیشه سیاسی متفکران گذشته، حاکی از این توجه است، حتی استادانی نظیر دکتر مجتهدی و دکتر جهانگیری هم تحقیقاتی جدی در هر دو حوزه دارند.»

مینایی، با اشاره به فعالیت هایی که تاکنون در حوزه فلسفه اسلامی انجام شده است، می گوید: «در ایران، کشورهای اسلامی و در گروه های اسلام شناسی سایر کشورها، مقالات تحقیقی جدی در مجلات، نشریات و دایره المعارف ها، نشست ها و همایش های متعدد به چشم می خورد. علاوه بر این، شاهد فعالیت ناشران تخصصی، گروه های دانشگاهی، حوزوی، سخنرانی ها و گفت و گوهای به نسبت زیادی حتی در رسانه های عمومی ایران هستیم. بنابراین باید گفت قواعد فعالیت علمی ساده است.

بازار فلسفه غرب، این روزها حسابی داغ است و در دوران رکود نسبی حوزه اندیشه، اگر قرار باشد کتابی تالیف، ترجمه یا حتی نقد و بررسی شود، مربوط به این حوزه است و به تبع این اتفاقات، تعداد مخاطبان حوزه فلسفه و اندیشه به این شاخه از فلسفه بیشتر است تا فلسفه اسلامی.

این که چرا باید در ایران، به عنوان یکی از برجسته ترین کشورها در شاخه فلسفه در بین کشورهای اسلامی و کشوری که تفکر فلسفی در تاریخ، فرهنگ و ادبیاتش ریشه دارد، فلسفه اسلامی این گونه مورد غفلت واقع شود، مساله ای است که در این گزارش از صاحب نظران این حوزه جویا شدیم.

در کشور ما، فلسفه به دو شاخه اسلامی و غرب تقسیم می شود که فلسفه و حکمت اسلامی به عنوان یکی از پنج گرایش رشته الهیات و معارف اسلامی در دانشگاه ها آموزش داده می شود، اما فلسفه غربی یا به عبارت بهتر، فلسفه جدید و معاصر، رشته ای از فلسفه است که در تعامل با تغییرات زمانه بوده و بیشتر به دغدغه های فلسفی و انسان امروز می پردازد تا به مسائل عمیق فلسفی.

تفاوت های آموزش فلسفه در ایران و غرب از ابتدای آموزش تا دانشگاه ها، بیان مسائل فلسفی روز و دغدغه های انسان امروز توسط فیلسوفان غربی و صحیح معرفی نشدن فیلسوفان اسلامی و آثارشان، از مهم ترین دلایل گرایش به فلسفه غربی در عصر امروز است.

دکتر شهین اعوانی، معاون پژوهشی انجمن حکمت و فلسفه ایران، درباره وضعیت فلسفه غرب در کشورهای غربی معتقد است: «یک غربی کمتر می تواند به چنین سوالی پاسخ دهد که فلسفه باید از چه سنی آغاز شود! زیرا فلسفه به طور غیرمستقیم در کتاب های داستانی، ادبی، تاریخی، اجتماعی و درسی مقاطع ابتدایی اکثر کشورهای غربی نهادینه می شود و سوالات فلسفی در ذهن فرد علاقه مند به فلسفه شکل می گیرد و به عبارتی او فلسفه را برمی گزیند.» در غرب، ورود به حیطه و حوزه فلسفه در نظام ورودی دانشگاه نیز مانند کشورمان نیست. فردگزینش خود را در دانشگاه انجام می دهد و نظام آموزشی زمینه تبلور آن را در دانشگاه فراهم می سازد. البته ممکن است در میانه راه متوجه شود که توان ادامه راه را ندارد، بنابراین گرایش دیگری را «انتخاب» می کند...

خلاصه این که او «فلسفه را انتخاب می کند» اما در کشور ما فردی که رشته علوم انسانی را انتخاب می کند، تا چه حد علاقه مند به مسائل و سوالات

انتشارات دلیل ما
گزارش لحظه به لحظه از شهادت امیر المومنین (ع)

محمد رضا انصاری
قیمت: ۱۴۵۰۰ ریال
چاپ: اول ۱۳۸۸

۷۷۳۳۴۱۳ - ۷۷۴۴۹۸۸ (۰۲۵۱) قم
۶۶۴۶۴۱۴ - ۶۶۴۶۴۱۴ تهران
۲۲۳۷۱۱۳ - ۵۱۱ مشهد

انتشارات دلیل ما

مصائب علی (ع)
محمد مسعودی
قیمت: ۱۴۰۰۰ ریال
چاپ: اول ۱۳۸۸

۷۷۳۳۴۱۳ - ۷۷۴۴۹۸۸ (۰۲۵۱) قم
۶۶۴۶۴۱۴ - ۶۶۴۶۴۱۴ تهران
۲۲۳۷۱۱۳ - ۵۱۱ مشهد

خانه کتاب منتشر کرد

خیابان انقلاب بین فلسطین و صبا
جنوبی شماره ۱۱۷۸

مرکز پژوهشی

ایران، تهران، تهران، تهران
میرزا یونس ابراهیمی
دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

تلفن مرکز پخش: ۲۲۲۷۹۷۸۹



نگاهی به منابع و کتاب‌های تاریخ دیکتاتوری دوره پهلوی اول

مدارک تاریخی سخن می‌گویند

می‌توان دید. همچنین اسناد دیگری در این باره در کتاب «خشونت و فرهنگ (اسناد محرمانه کشف حجاب ۱۳۲۲ - ۱۳۱۳)» از انتشارات مدیریت پژوهش انتشارات آموزش آورده شده است.

اسناد، خاطرات و سفرنامه‌ها

برای تحقیق و مطالعه رویداد کودتا که منجر به آغاز اقتدارگرایی رضاخان سردار سپه شد، اسناد مهمی در کتاب حسن مرسلوند به نام «اسناد کابینه کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹» (نشر تاریخ ایران) به چاپ رسیده است. ماجرای مقدمات خلع احمد شاه و فعالیت آزادیخواهان برای جلوگیری از تسلط رضاخان در سفرنامه «اسرار سقوط احمد شاه رحیم زاده صفوی» (به کوشش بهمن دهگان) آورده شده است، اما باید مهم‌ترین کتاب را «خاطرات و سفرنامه ژنرال آبرون سایه» دانست که طراح و عامل کودتای رضاخان و برسرکار آوردن او بود. این خاطرات که با ترجمه بهروز قزوینی چاپ شده است، ضمیمه‌ای درباره اسناد و مکاتب سیاسی وزارت خارجه انگلیس دارد. درباره وقایع شهریور ۱۳۲۰ و اشغال ایران نیز کتاب محمد ترکمان به نام «اسناد نقض بی طرفی ایران در شهریور ۱۳۲۰» با عنوان دیگر «سیاست خارجی در آستانه اشغال» (انتشارات کویر) از منابع اصلی محسوب می‌شود.

رجال سیاسی

درباره رجال سیاسی آن روزگار و نقش آنها در تحولات و جریان‌های سیاسی و اجتماعی عصر پهلوی اول، تحقیقاتی منتشر شده است که در آن میان، دو کتاب از اهمیت بیشتری برخوردارند. نخست «صعود و سقوط تیمور تاش به روایت اسناد محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس» نوشته و تحقیق دکتر جواد شیخ الاسلامی است. تیمور تاش از مردان مقتدر و از رجال درجه اول دوران پادشاهی رضاخان بود. چهره با نفوذ تیمور تاش از او شخصیتی ساخته بود که عملاً پس از شاه، اداره کشور را بر عهده داشت اما سرنگونی و مرگ او از وقایع مهم آن روزگار است. شیخ الاسلامی در کتاب خود به جزئیات با ارزشی اشاره می‌کند که پیش‌تر بدان پرداخته نشده بود.

همچنین باقر عاقلی در کتاب «ذکاءالملک فروغی و شهریور ۱۳۲۰» درباره حادثه‌ای که منجر به سرنگونی و تبعید رضاخان و اشغال ایران شد، مطلب ارزنده‌ای در اختیار پژوهندگان قرار داده است.

تجدد خواهی و ناسیونالیسم گرای

مسئله گرایش‌های تجدد خواهانه و ملی‌گرایانه پهلوی اول و تقابل آن با سنت و فرهنگ، موضوعی است که نمی‌تواند از نگاه پژوهندگان تاریخ معاصر ایران دور بماند. در این باره کتاب‌ها و تحقیقاتی انجام شده است که از ارزش علمی بایسته‌ای برخوردارند. کتاب «چالش سنت و مدرنیته در ایران (از مشروطه تا ۱۳۲۰)» نوشته محمد سالار کسرابی، بررسی مبانی تجدد مغرب‌زمین و بازتاب آن در ایران است.

در این راستا کتاب «نقد و بررسی ناسیونالیسم تجدد خواه در عصر رضاشاه» نوشته مصطفی فیض به کوشش مرکز اسناد انقلاب اسلامی را نیز باید در نظر گرفت. جنگ زدن به ایدئولوژی ناسیونالیسم، مهم‌ترین هدف رضاخان برای دستیابی به اهداف خود بود و دستگاه‌های حکومتی نیز در خدمت آن اهداف بودند. مولف ضمن بررسی مسائل آن دوره، به مباحثی همانند ایدئولوژی و مفهوم آن و مسئله ناسیونالیسم می‌پردازد و در فصل پایانی زمینه تاریخی شکل‌گیری ناسیونالیسم تجدد خواه را بررسی می‌کند.

کتاب «تجدد آمرانه، جامعه و دولت در عصر رضاشاه» تالیف ایرج اتابکی با ترجمه مهدی حقیقت خواه



ایران (از مشروطه تا سقوط رضاشاه)» به کوشش مرکز اسناد انقلاب اسلامی است. نویسنده در تحقیق خود اشاره می‌کند که در دوره رضاخان، نظام قضایی در مسیر عرفی شدن قرار گرفت و حاکمیت قضایی و تصویب قوانین مورد نیاز، تحت تاثیر فضای سیاسی تغییرات گسترده‌ای یافت.

در این کتاب به روش تاریخی و با نگاهی حقوقی، سیاسی به تصویر نظام قضایی در فاصله بین مشروطیت و دوره رضاخان پرداخته شده است. بخش پایانی کتاب نیز به نظام قضایی در دوره رضاخان اختصاص دارد. در این بخش به انحلال عدلیه و ایجاد دادگستری نوین، ساختار دادگستری عصر پهلوی اول، مشخصات نظام قضایی در آن دوره و عوامل تضعیف دادگستری توجه شده است.

برای تحلیل جامع مسائل اجتماعی، کتاب فرحناز حسام به نام «دولت و نیروهای اجتماعی در عصر پهلوی اول» تحقیق و تخصص درخور اعتنایی است، اما بی‌شک یکی از نهادهای موثر دوره پهلوی اول، سازمانی است موسوم به «پرورش افکار». بایک در بیکی در کتاب پژوهشی «سازمان پرورش افکار» به اهداف رضاخان برای تأسیس این سازمان و سعی او در هدایت و تغییر افکار عمومی برای پذیرش خواسته‌های او پرداخته است. در این کتاب با تکیه بر اسناد باقیمانده، اهداف و ساختار و عملکرد سازمان پرورش افکار بررسی شده‌اند.

مسئله کشف حجاب و پیامدهای آن را در دو کتاب «نوگرایی و حجاب» حسام‌الدین آشنا و «واقعه کشف حجاب، اسناد منتشر نشده از واقعه کشف حجاب در عصر رضاخان» به کوشش سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی و موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی

در سالیان اخیر، شمار بسیاری از اسناد و مدارک مرتبط با دوره پهلوی اول در دسترس پژوهندگان تاریخ معاصر ایران قرار گرفته که انتشار آنها کمک بزرگی برای شناخت و تحلیل رویدادهای آن دوره است

انگلیس در ایران و برسرکار آمدن رضاخان، کتاب هوشنگ صباحی «سیاست انگلیس و پادشاهی رضاخان» نیز مأخذی است که نباید نادیده گرفته شود. این کتاب که به انگلیسی نوشته شده، با ترجمه پروانه ستاری در اختیار پژوهندگان تاریخ قرار گرفته است.

در میان رجال آن دوره که خاطراتی از آنها به جای مانده است، مهدی قلی خان هدایت، چهره برجسته‌ای است. هر چند او تا نخست وزیری پهلوی اول رسید، اما هیچ‌گاه مهره‌ای موثر و بانفوذ نبود. کتاب او «خاطرات و خطرات» در هر حال مفید است و تصویری از اوضاع سیاسی ایران در آستانه زوال قاجاریه و برآمدن رضاخان ارائه می‌کند.

کتاب «استقرار دیکتاتوری رضاخان در ایران» نوشته «ا.س. ملیکف» محقق اهل شوروی سابق از نگاهی حزبی و ایدئولوژیک به تشریح جریان‌های سیاسی آن دوره می‌پردازد. آن کتاب به دور از گرایش‌های جهت‌دارانه نیست و لازم است که محتوای آن با منابع دیگر سنجیده شوند. کتاب ملیکف را سیروس ایزدی به فارسی ترجمه کرده است.

از سوی دیگر، پیتر آوری تحلیلی جامع‌تر و بی‌طرفانه‌تر عرضه کرده که مراجعه به آن برای محقق آن دوره از تاریخ ایران ضرورت دارد. «تاریخ معاصر» وی با ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی به بازار کتاب عرضه شده است.

یاد کردن از دو کتاب دیگر نیز خالی از لطف نیست؛ نخست، تحقیق مشترک حمدالله آصفی راهم‌مزی و غلامرضا وطن دوست به نام «سردار سپه و فروپاشی دودمان قاجار» که در دو بخش نوشته شده است. نویسندگان در بخش نخست به شناسه‌ای از رضاخان و اقدامات آغازین او پرداخته و در بخش دوم، به تکاپوی او برای به قدرت رسیدن اشاره کرده‌اند، به ویژه تکیه و استفاده روشمندان آنها از اسناد انتشار نیافته وزارت خارجه انگلستان بر اهمیت تحقیقی کتاب افزوده است.

کتاب دیگر که به روزهای پایانی پادشاهی رضاخان می‌پردازد، رویدادنگاری تحلیلی از حوادث جنگ جهانی دوم و زمینه‌های اشغال ایران توسط نیروهای متفقین است. این کتاب «در آخرین روزهای رضاشاه، تهاجم روس و انگلیس به ایران در شهریور ۱۳۲۰» نام دارد و نوشته ریچارد استوارت است. کتاب استوارت را عبدالرضا هوشنگ مهدوی و کاوه بیات ترجمه کرده‌اند.

نهاد‌های اجتماعی و سیاسی

برای بررسی وضعیت نهاد‌های اجتماعی و سیاسی عصر پهلوی اول، کتاب‌ها و تحقیقاتی در دست‌اند که متضمن تحلیل‌ها و بررسی‌های جامع و دقیقی‌اند که از ابهام وقایع و مسائل سیاسی و اجتماعی آن دوره می‌کاهند. تحقیق علیرضا ملایی توانی در کتاب «مجلس شورای ملی و تحکیم دیکتاتوری رضاشاه» به کوشش مرکز اسناد انقلاب اسلامی، نگاهی است به موانع تحقق نظام پارلمانی در ایران که توجه به پیشینه سیاسی رضاخان و بررسی مناسبات و برخوردهای او با مجلس شورای ملی، ارزیابی مجلس‌های چهارم و پنجم و چگونگی اثرگذاری رضاخان بر تصمیمات مجلس، از مباحث پایه‌ای این کتاب به حساب می‌آیند. کتاب مذکور در پنج فصل تدوین شده و در هر فصل به رویدادهای سیاسی‌ای که با تصمیمات و مصوبات مجلس پیوند داشته‌اند، توجه شده است.

بررسی نظام دادگستری پهلوی اول نیز موضوع تحقیق محمد زرنگ در کتاب «تحول نظام قضایی در

شناخت تحولات و دگرگونی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران در روزگار دیکتاتوری و تسلط رضاخان مستلزم توجه به رویدادهایی است که به کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و پیامدهای آن منجر شد. آن وقایع در نهایت به شکل‌گیری جریان‌های اقتدارگرا توسط رضاخان میرپنج انجامید که بنا بر اسناد و مدارک تاریخی، از سوی بیگانگان حمایت می‌شد. نقش دولت انگلیس در پدیدار شدن چهره‌ای مانند رضاخان و تشکیل سلسله‌ای که در خدمت اهداف و مقاصد استعماری آنان بود، غیرقابل انکار است.

منابع اصلی و تحقیقات جدید تاریخی که بر پایه اسناد و مدارک بازمانده از آن دوره صورت گرفته‌اند، تردیدی به جای نمی‌گذارند که سیاست انگلیس در هدایت و سازماندهی آنچه تجدد خواهی و گرایش‌های نوگرایانه رضاشاهی نامیده می‌شد، دخالت مستقیم داشته است. زوال نظام اقتصادی کشور بر اثر سوءاستفاده‌های فراوان مالی، گرایش‌های ضد مذهبی و الگو برداری صرف از غرب، دخالت روزافزون بیگانگان در مسائل ایران و اشتباه جبران‌ناپذیر پهلوی اول و دولت‌مردان روزگار او در گرایش به سوی آلمان‌های نازی و سوق دادن ایران به سویی که در نهایت به اشغال کشور توسط نیروهای متفقین انجامید، از پیامدهای استقرار و سلطنت پهلوی اول در ایران بود.

در سالیان اخیر، شمار بسیاری از اسناد و مدارک مرتبط با آن دوره در دسترس پژوهندگان تاریخ معاصر ایران قرار گرفته‌اند که انتشار آنها کمک بزرگی برای شناخت و تحلیل رویدادهای دوره رضاشاه است. در کنار انتشار اسناد، پژوهش‌های انجام شده توسط محققان ایرانی نیز پرتوهایی بر حوادث ایران در زمان دیکتاتوری شاه پهلوی می‌افکنند. در این گزارش، سعی شده به شماری از آن تحقیقات و کتاب‌های مربوط به آن دوره در هشت بخش رویدادهای سیاسی، نهاد‌های اجتماعی و سیاسی، اسناد، خاطرات و سفرنامه‌ها، رجال سیاسی، تجدد خواهی و ناسیونالیسم، مسائل اقتصادی و روابط و سیاست خارجی و پیامدهای داخلی و خارجی اشاره و در پایان نیز به منابع و کتاب‌هایی که در زمینه اشغال ایران توسط متفقین و نیروهای بیگانه و تبعید رضاخان به رشته تحریر درآمده، پرداخته شود. پیداست که این گزارش دربردارنده همه کتاب‌هایی نیست که خواننده را برای شناخت تاریخ ایران در فاصله کودتای رضاخان تا تبعید او، یاری کند.

رویدادهای سیاسی

یکی از شناخته‌شده‌ترین منابع برای رویدادنگاری انقراض قاجاریه و استقرار دیکتاتوری رضاشاه، کتاب «تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران» نوشته محمد تقی بهار است. به ویژه برای بررسی کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹، نخست وزیری رضاخان و مقدمات عزل احمد شاه قاجار و تشکیل سلسله پهلوی، کتاب بهار روشنگر جزئیات مهمی است.

در کتاب سیروس غنی «ایران، برآمدن رضاخان، برافتادن قاجار و نقش انگلیس» نیز تحلیلی تاریخی و روشمندانانه ارائه شده است. غنی در کتاب خود به بررسی قرارداد ۱۹۱۹ میان ایران، انگلیس و کودتای سوم اسفند می‌پردازد و آنگاه تحلیل جنبش جمهوری خواهی رضاخان و زمینه‌های عزل قاجاریه را مورد تحقیق قرار می‌دهد و در انتها جوانب سیاسی و اجتماعی عصر پهلوی را تجزیه و تحلیل می‌کند. این کتاب که در اصل به زبان انگلیسی است، توسط حسن کامشاد به فارسی ترجمه شده است. برای بررسی میزان دخالت‌های دولت استعماری

از چهارشنبه تا سه شنبه با برنامه های سرای اهل قلم

عشق و عاشق و معشوق همراه با ضعف مولف!

که با آن آشنا شوند؛ زیرا نکته های فلسفی بسیاری دارد و از لحاظ ظاهری نیز شبیه کتاب «گاز زده» منتشر شده است. این کتاب با یک جمله از فیلسوفان نام آشنا آغاز شده که اگر قرار است چیزی را بخوری، بهتر است بهترین چیز را بخوری.

احسان عباسلو، دبیر نشست: نویسنده کتاب «داستان های فلسفی جهان» ارادت خاصی به فلسفه شرق دارد. این کتاب شامل ۵۷ داستان است که برخلاف نام کتاب تنها دربردارنده داستان نیست؛ زیرا ما شعر روایی داریم که در قالب داستان گنجانده شده است.

نکات اخلاقی برای چینی ها بسیار مهم است و نکته های آموزشی و اخلاقی را در قالب داستان های کوتاه می آورند. در برخی از داستان های این کتاب منبع ارائه نشده و نظر هایی که به عنوان توضیحات اخلاقی آمده، بسیار ضعیف اند. همچنین دانش

می داند و در جایی نیز عشق را راکب و روح را مرکب قلمداد می کند. ظهور عشق در این عالم به حسن و زیبایی است و همه حیات انسان این است که این روح به این عالم، با عشق مسافرت می کند. حقیقت عشق، روح است که در انسان ها وجود دارد.

عاشق برای وصال به معشوق موانعی می بیند که یکی خلق و دیگری خود اوست. او در نهایت به جایی می رسد که می بیند معشوق هم مانعی برای رسیدن به عشق است.

ضعف نویسنده حتی درباره مولانا!

نشست نقد و بررسی کتاب «داستان های فلسفی جهان» با حضور ترانه وفایی، استاد ادبیات تطبیقی دانشگاه، احسان عباسلو دبیر نشست و پرویز عباسی داکانی استاد ادبیات دانشگاه در سرای اهل قلم خانه کتاب برگزار شد.



عمومی نویسنده کتاب نیز پایین است و اطلاعاتی که از داستان های مولوی می دهد، وی را تنها بنیان گذار رقص سماع معرفی می کند!

پرویز عباسی داکانی، استاد ادبیات دانشگاه: نویسنده این کتاب می توانست صورت های کهن حکایت را به قصه جدید تبدیل و با ویژگی های جدید آن را باز نویسی کند. این کار شدنی بود، ولی پیکمال تنها به جمع آوری قصه و داستان پرداخته است.

میان اسطوره و داستان تفاوت های بسیاری است؛ زیرا بزرگانی در حوزه دین شناسی، روان شناسی و باور شناسی درباره اسطوره بحث می کنند؛ اسطوره هایی نظیر ایلیاد، اودیسه و ... اما ادبای ما نظیر عطار و مولانا، سنایی و ... داستان فلسفی نگفته اند بلکه به حکمت تمثیلی روی آورده اند.

حکمت تمثیلی تعادل گراست. در حکمت تمثیلی مجموعه ای داریم با عناصری که بناست این مجموعه با عناصر داخل مجموعه دیگر ارتباط داشته باشد. مجموعه نخست محسوس و مجموعه دوم معتدل است. آن امر معتدل قابل نمایش نیست. در امر محسوس و روابط درون آن می توانیم پلی بزنیم به درک معتدل.

نثر ترجمه، گزارشی است نه ادبی در حالی که اگر ما با طیف نوجوان سر و کار داریم، باید نثر حالت ادبی داشته باشد.

ترانه وفایی استاد ادبیات تطبیقی دانشگاه: میشل پیکمال نویسنده کتاب باور دارد که شرق، مهد حکایت، روایت، فلسفه و عرفان است و برای گردآوری این کتاب گرایش خاصی به فلسفه شرق داشته است. کتاب «داستان های فلسفی جهان» شامل ۵۷ داستان است که برخلاف نام کتاب تنها دربردارنده داستان نیست.

آنچه می توانیم در ادبیات نوجوان از نگاه پیکمال بگوییم، این است که نویسنده کتاب نقطه شروع را فلسفه نوجوان و ادبیات نوجوان می گذارد و در این زمینه به ادبیات شرق علاقه مند است و تحقیقات بسیاری را در زمینه ادبیات شرق انجام داده و بارها به هند سفر کرده است.

نویسنده در این کتاب باور دارد که فضای فلسفه غرب را فراموش نمی کند زیرا در آن فضا داستان بسیار کم گفته شده و این داستان های کم نیز به نوجوانان ارائه نمی شوند.

وی سال ها تلاش کرده و با تحقیقاتی که در زمینه ادبیات شرق انجام داده، توانسته است در این ژانر موفقیت هایی را به دست آورد و داستان های فلسفی جهان را با باز نویسی مجدد، به کودکان و نوجوانان سرزمین خود ارائه دهد.

داستان «رتوی» که به تازگی توسط انتشارات «او» با ترجمه خود منتشر شده، کتاب بسیار مفیدی است و معتقدم که کودکان و نوجوانان بهتر است

سعید سعیدی: سرای اهل قلم خانه کتاب با برگزاری نشست های کارشناسی در حوزه های نقد، بررسی و معرفی کتاب و همچنین ایجاد فضایی مناسب برای گفت و گو و تبادل نظر اهالی قلم، زمینه رشد و اعتلای فرهنگی کشور را فراهم می کند.

در دو نشستی که طی چند روز اخیر در سرای اهل قلم برگزار شد، کارشناسان و منتقدان حوزه های مولوی پژوهی و ادبیات داستانی در جلساتی جداگانه به بحث و گفت و گو نشستند.

خدا عشق است و عاشق است و معشوق

نشست مولوی پژوهی سرای اهل قلم با موضوع زیبایی شناسی در عرفان با حضور پرویز عباسی داکانی و دکتر صابری برگزار شد.

عباسی داکانی، نویسنده: ما از یک سو زیبایی را از حواس و از سویی دیگر از عقل می گیریم. انسان، بسیاری از خلاقیت ها را از درون خود می گیرد، ولی در عرفان، درون انسان به خدا وصل است.

این عربی و ملاصدرا می گویند خیال، شبیه ترین موجود به خداست. انسان با خدا نسبتی دارد که این نسبت در هیچ موجود دیگری پیدا نمی شود.

مولانا و عرفا می گویند جمال فقط در آفاق نیست بلکه در انفس هم هست. آنان ما را به زیبایی دعوت می کنند. وجود در عرفان ما، به خدا اطلاق می شود و الباقی ظهور است و وجود در ظهور خودش مراتبی دارد.

در عرفان و حکمت ما زیبایی شناسی در رابطه مقید و مطلق بیان می شود. خدا زیبایی مطلق است و درک مطلق هم دارد. درک زیبایی مطلق، لذت مطلق را به وجود می آورد.

خداوند زیبایی مطلق و خیر مطلق است و درک مطلق از زیبایی مطلق است و خودش عاشق خودش است؛ پس خدا عشق است و عاشق است و معشوق.

دکتر صابری، عرفان پژوه: بحث زیبایی شناسی و عشق، از بحث های مهم بین حکما، ادبا و روان شناسان است که نیاز به پژوهش های نظری و عملی دارد. اهمیت بحث زیبایی شناسی آن است که یک بحث مشترک است. این مسأله در بین فلاسفه راز و برای عارفان یک حقیقت محسوب می شود. زیبایی شناسی، افعی است که اگر گشوده شود باعث رشد و کمال می شود و زمینه تفکر و تعمق انسان را فراهم می کند. البته نه تامل بیرونی، بلکه تامل درونی.

افلاطون درباره زیبایی شناسی مطالب زیادی دارد. او در رساله «سمپوزیوم» به حقیقت مراتب زیبایی پرداخته و در آن بحث عشق را مطرح می کند و از زیبایی های زمینی و بازاری سخن می گوید. به اعتقاد او، این زیبایی در همه جانداران وجود دارد. افلاطون می گوید یک درجه از زیبایی در همین عالم و درجه دوم، در سیرت است، نه در صورت و این را موضوع اخلاق می داند که یکی از معانی آن همان حسن است.

مراتب دیگر زیبایی شناسی نزد افلاطون در علم و دانش و معرفت است و زیبایی نهایی نزد او، حقیقت حسن یا جمال مطلق است که می خواهد ظهور یابد و در مرتبه واحد یا صانع ظهور می کند. افلاطون مطرح می کند که چگونه می توان به حقیقت زیبایی رسید و در نهایت معتقد است که با عشق می توان به حقیقت زیبایی رسید.

عشق امری درونی در همه موجودات است که با وجود حقیقی عجین شده. حسن نیز نزد افلاطون و سهروردی، معنای خیر و زیبایی دارد که در آن هیچ نقصانی نمی توان دید. نمی توان سوسک و آهو را با هم مقایسه کرد؛ چرا که هر دو خیر و زیبایی اند.

احمد غزالی در این کتاب عشق را مرکب روح

(انتشارات ققنوس) نیز کندوکاو و ریشه یابی مسأله تجدد و مدرنیته از بالاست. در سرآغاز کتاب به جامعه و دولت رضاخان توجه و برخورد ترکیه نوین با مسأله تجدد و تاثیر آن بر سیاست های رضاخان، ارزیابی شده است. تجدد خواهی در جامعه، مقررات لباس پوشیدن و اصلاح زبان از مباحث دیگر کتابند.

کتاب «چالش روحانیت با رضاشاه» نوشته داوود امینی (نشر سپاس) بررسی علل چالش های سنت گرا با سیاست مخرب رضاخان از کودتای ۱۲۹۹ تا دوران پس از تبعید شاه است. این کتاب از دو بخش کلی تشکیل شده و هر بخش شامل سه فصل است. در فصل های کتاب به ریشه های شکل گیری و ماهیت حکومت رضاخان و مقاومت علما و مراجع در برابر حکومت و چالش ها بر سر طرح های تجدد خواهانه پرداخته می شود. کتاب های «توسعه و نوسازی ایران در دوره رضاشاه» نوشته محمدرضا خلیلی خواه (جهاد دانشگاهی شهید بهشتی) و «جنسیت، ناسیونالیسم و تجدد در ایران (دوره پهلوی اول)» تحقیق فاطمه صادقی (انتشارات قصیده سرا) نیز با ارزش و دربردارنده نکات مهمی اند.

مسائل و مشکلات اقتصادی

در دوره دیکتاتوری رضاخان، منابع اقتصادی به جای آن که در مسیر نیازهای همگانی صرف شود، در انحصار و تملک دولت قرار داشت. بودجه عمومی نیز در راستای خواسته های رضاخان و تامین منافع بیگانگان هزینه می شد در نتیجه زمینه سوء استفاده های مالی گسترده ای فراهم می شد.

محمدرضا نیکبخت در کتاب «اصلاحات اقتصادی رضاخان و تاثیر عوامل خارجی» به این موضوع می پردازد و نشان می دهد که چگونه اقتصاد انحصاری آن روز به توقف چرخه اقتصادی انجامید و اهداف سیاسی اولویت افزون تری یافت.

تحقیق نمونه و برجسته دیگر برای بررسی وضعیت اقتصادی عصر پهلوی اول را باید «اقتصاد سیاسی ایران، از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی» نوشته محمد علی همایون کاتوزیان دانست. این کتاب را محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی به کوشش نشر مرکز به فارسی ترجمه کرده اند.

سیاست خارجی و پیامدهای آن

در زمینه روابط و سیاست خارجی دو کتاب برجستگی بیشتری دارند؛ نخست کتابی به زبان انگلیسی به نام «تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضاشاه» تألیف علی اصغر زرگر است که کاوه بیات آن را به فارسی برگردانده (انتشارات پروین) و دیگری کتابی است که مرکز اسناد انقلاب اسلامی با عنوان «روابط سیاسی و اقتصادی ایران و آلمان بین دو جنگ جهانی» منتشر کرده است. در این اثر مراحل مختلف روابط ایران و آلمان در فاصله دو جنگ جهانی، میزان و کیفیت حضور آلمان ها در ایران و پیامدهای داخلی و خارجی آن مورد کنکاش قرار می گیرد.

رویدادهای تاریخی در شهریور ۱۳۲۰

هنگامی که ایران توسط نیروهای بیگانه اشغال شده بود و دل هر میهن دوستی به دردمی آمد، روزی حسین گل گلاب صحنه درناکی را می بیند که یک هموطن او از سربازی انگلیسی کتک می خورد و فحاشی می شنود و همان سرباز بیگانه به افسری ایرانی نیز که قصد مداخله داشت، سیلی می زند. گل گلاب از دیدن آن حادثه چنان متقلب می شود که با چشمانی اشکبار نزد روح الله خالقی، آهنگساز نامدار ایرانی می رود و با تاجر و اندوه می پرسد: «کار ما به اینجا رسیده که سرباز اجنبی توی گوش نظامی ایرانی بزند؟» خالقی به او می گوید: «ناراحتی تاثیری ندارد، بیا کاری کنیم و سرودی بسازیم.»

همان جا شادروان گل گلاب شروع به زمزمه شعری می کند و خالقی، موسیقی آن را می نویسد. زنده یاد غلامحسین بنان نیز آن را با صدای فراموش نشدنی خود می خواند و در زمانی کوتاه سرود «ای ایران» توسط ارکستر بزرگ ملی ایران ساخته می شود و بر سر زبان ها می افتد: «ای ایران ای مرز پرگهر، ای خاکت سرچشمه هنر، دور از تو اندیشه بدان، پاینده مانی و جاودان.»



بنفشه محمودی

خانم جان سحر، پیرزن کهنسال محله پامنار، حالا دیگر در خانه سالمندان زندگی می‌کند. او راوی قصه‌هایی از تهران قدیم است که هر روز سحر از رادیو تهران پخش می‌شود. ویژه برنامه «چکه چکه های ماه» به تهیه کنندگی حسین حسن تبار امیری، تلاش کرده است تا با نگاهی متفاوت به برنامه‌های ویژه ماه رمضان بپردازد. «قصه‌های خانم جان سحر» یکی از آیت‌های این برنامه است که توسط روزبه حسینی نمایشنامه‌نویس و کارگردان تئاتر نوشته شده است. درباره این آیت‌ها و ویژگی‌های نوشتن برای برنامه‌های ویژه مناسبت‌های خاص با حسینی گفت‌وگویی انجام داده‌ایم. او می‌گوید: «در نوشتن کارهای مناسبتی باید ملاحظاتی را در چپش کلمات در نظر بگیریم که حوصله خواننده سر نرود، حال و هوای مناسبت مورد نظر حفظ شود و به شاعرانگی متن هم لطمه‌ای وارد نشود. این نوع نوشتن، کار سختی است!» حسینی که در نگارش این نمایشنامه‌های کوتاه از منابع مکتوب موجود درباره تهران قدیم بهره برده است، در ماه محرم امسال نمایش «مجنون آن بوسه بریده گلو که لیل را سر به دار کرد» را روی صحنه خواهد برد و نمایشنامه «سه مرثیه هذیان برای بودن و ماندن و رفتن در دیاری که پروانه‌ها به انتظار تو نشستند» را که برگزیده ادبیات نمایشی سال خانه تئاتر است، در نشر افراز زیر چاپ دارد.

روزبه حسینی، نمایشنامه‌نویس:

مخاطب برنامه مذهبی به رهنمون مستقیم نیازی ندارد

رابرای شنونده جذاب کنیم و بعد به صورت غیرمستقیم و در قالب داستان، سنتی را یادآوری یا آنها را به سنتی رهنمون کنیم.

البته باید توجه داشته باشیم که این رهنمون‌ها نباید مستقیماً ارائه شوند. گمان هم نمی‌کنم که قصد ما از این برنامه‌ها، تهییج مردم به ادای فرایض دینی باشد چون مردم ما ۱۴۰۰ سال است که با دین اسلام عجین شده‌اند و نیازی به این نوع یادآوری‌ها ندارند اما می‌توان با به کارگرفتن شیوه‌هایی، لحظات ناب‌ی برای مخاطبان ایجاد کرد تا بتوانند به مناسبت‌های مذهبی نگاهی عارفانه‌تر و عاطفی‌تر داشته باشند.

اصلاً معنای واژه عربی فریضه، تکلیفی است که در آن خاصیت رسیدن به فضیلت وجود دارد. بنابراین به برنامه‌هایی که مناسبت مذهبی‌ای مانند ماه رمضان دارند، نباید با دید فریضه نگاه کنیم و سعی کنیم حال و هوای خوبی برای مخاطبان ایجاد شود.

شاید به همین دلیل باشد که هرچه به زمان اذان صبح نزدیک‌تر می‌شود، از حجم آیت‌های نمایشی برنامه ما کاسته و نیایش جایگزین آن می‌شود و بحث‌های کارشناسی هم به حال و هوای احساس لذت‌آزادای فریضه و مفاهیمی مثل احساس خوشبختی، لذت، عشق و مفاهیم ارزشی نزدیک می‌شود.

عبدالله انصاری با صدای من ضبط شده است که فرازهایی از آن چند دقیقه بعد از اذان صبح اجرا می‌شود. مناجات دیگری هم از امیر آقایی بازیگر و شاعر برای برنامه «چکه چکه های ماه» با صدای خودش ضبط شده است. او این مناجات‌ها را یک روز قبل از ماه رمضان به صورت بداهه نوشت و اجرا کرد که بسیار زیباست. صدای خاص او همراه با حسی که هنگام نوشتن داشت، باعث شده است که این آیت‌ها برای شب‌های قدر مناسب باشند. فکر می‌کنم این بخش‌ها هم در شب‌های قدر گنجانده شوند. خود من هم تلاش می‌کنم به بهترین زبان و رویکرد برای این شب‌ها برسم و شرمند مخاطبان شوم. من عاشق تجربه‌های متفاوت هستم و امیدوارم تجربه امسال تا پایان خوب پیش برود.

فکر می‌کنید برنامه‌های ویژه مناسبت‌های مذهبی باید چه ویژگی‌هایی داشته باشند؟

فکر می‌کنم آیت‌های نمایشی رادیویی نباید رو باشند و توی ذوق بزنند. چون وظیفه اصلی نمایش در رسانه‌هایی مثل رادیو و تلویزیون، سرگرمی و جذب مخاطب است. در رادیو مهم‌ترین ویژگی برنامه‌های نمایشی مناسبتی، این است که در وهله اول بتوانیم توسط کلام، تصویرسازی ذهنی و بازیگری، موضوع



حاتمی بهره برده‌ام.

این را هم بگویم که اجرای آیت‌های این مجموعه با صدای خانم مهین نثری از گویندگان پیشکسوت دهه‌های ۴۰ و ۵۰ رادیو، حال و هوای دیگری به قصه‌های خانم جان سحر داده است و این زبان را خوب جا انداخته است. ایشان در این آیت‌ها به گویندگی صرف نمی‌پردازد و در واقع بازی می‌کند. درباره اجرای متن هم وسواس زیادی دارد و آیت‌ها را از سه روز قبل تحویل می‌گیرد و روی شیوه ادای کلمات کار می‌کند و هر زمانی که لازم باشد با من و آقای حسن تبار در این باره بحث می‌کند.

قصد ندارید این نمایشنامه‌های کوتاه را به صورت کتاب منتشر کنید؟

امیدوارم بتوانم این مجموعه را برای ماه رمضان سال آینده به صورت کتاب صوتی با صدای خانم نثری منتشر کنم. این کتاب صوتی احتمالاً همراه متن نوشتاری آن منتشر خواهد شد.

برای شب‌های قدر و روزهای ضربت خوردن تا شهادت امام علی (ع) چه تصمیمی گرفته شده است؟

در حال حاضر با تهیه‌کننده در حال رایزنی هستیم. آقای حسن تبار معتقد است که قصه‌های خانم جان سحر ادامه پیدا کند و به روایت‌هایی از شب‌های قدر در تهران قدیم و حال و هوای عزاداری مولای علی (ع) بپردازد.

اما من نمایشنامه‌ای با عنوان «حکایت آن سه تن که علی را پرده‌نشین می‌خواستند» درباره خلفای راشدین و علی (ع) نوشته‌ام که در سال گذشته در جشنواره رادیویی کلمه برگزیده شد و احتمالاً توسط انتشارات حوزه هنری به چاپ می‌رسد. در نظر داشتم که برای شب‌های قدر فرازهایی از آن نمایشنامه را اجرا کنم اما هنوز دارم با این مسئله سرو کله می‌زنم. واقعیت این است که همه آیت‌های این قصه‌ها نوشته و ضبط نشده‌اند بلکه آرام آرام پیش رفته است تا حال و هوای این شخصیت جا بیفتد. اگر تا شب‌های قدر، این شخصیت به حال و هوایی برسد که بتواند درباره مراسم عزاداری امیرالمؤمنین و شب‌های قدر قصه بگوید، این آیت‌ها حتماً در آن شب‌ها هم ادامه خواهد یافت. الان به دنبال راهکارهایی برای رسیدن به نوع روایت در شب‌های قدر هستیم. البته برای این شب‌ها بخش‌هایی از مناجات‌نامه خواهد

ایده قصه‌های خانم جان سحر چگونه شکل گرفت؟ فکر و سفارش اولیه این قصه‌های نمایشی، از طرف تهیه‌کننده برنامه چکه چکه‌های ماه به من پیشنهاد شد. آقای حسن تبار می‌خواست یک مادر بزرگ کهنسال داشته باشیم که در لابه‌لای خاطراتش درباره تهران قدیم و ماه رمضان حرف بزند.

این قصه‌ها یک شخصیت به نام خانم جان سحر دارد که یک گذشته ذهنی برای آن ساخته‌ام. او در دوره مشروطه به دنیا آمده و کودکی‌اش را در اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی اول گذرانده است. او متولد محله امامزاده حسن است و حالا که کهنسال شده، از جنوبی‌ترین نقطه تهران قدیم، به یک خانه سالمندان فرضی در منطقه امامزاده داوود آمده است. همچنین این قصه‌ها یک خط فرضی پیوسته دارد که از کودکی تا کهنسالی خانم جان سحر را دربرمی‌گیرد. او در این قصه‌ها تمام خاطرات خود از دوران کودکی، نوجوانی، ازدواج، بچه‌دار شدن، مرگ شوهرش و... را با پس‌زمینه ماه رمضان در تهران قدیم روایت می‌کند.

نام او را سحر انتخاب کرده‌ام تا اشاره‌ای باشد به این که انگار زندگی او با ماه رمضان عجین شده است. **جرقه اولیه‌ای که باعث شد شخصیت این بانوی کهنسال شکل بگیرد چه بود؟**

راستش را بخواهید خلق این شخصیت ادای دینی به علی حاتمی است. اسم شوهر خانم جان سحر، ابوالفتح و شغل او هم صحافی است. با خودم فکر کردم که اگر خانم جان همان «جیران» سریال هزار دستان و مانده باشد تا با شوهرش زندگی کند، چه اتفاقاتی می‌افتد! هر چند خانم جان سحر هم شوهرش را در جریان یکی از کودتاهای تاریخی از دست داده است اما با کد نام ابوالفتح صحاف، قصد داشتم هزار دستان و مرحوم حاتمی را به یاد کسانی بیاورم که هنوز این مجموعه تلویزیونی را به یاد دارند.

زبان این شخصیت را با توجه به چه نکاتی انتخاب کردید؟

او به دلیل این که یک تهرانی قدیمی است، مثل خیلی از کهنسالان تهرانی زبان و گویش خاصی دارد و از اصطلاحات ویژه‌ای استفاده می‌کند. زبان او گاه به شعر نزدیک می‌شود و کلام گوینده - بازیگر آن آهنگین است.

او لهجه تهرانی دارد و از اصطلاحات، کلمات و جملات مقفی برای داستان‌گویی استفاده می‌کند. او گاه کودک می‌شود و صدای کودکی خود را تقلید می‌کند، گاه خود را به جای پدر، مادر، عزیز و آقا جان‌ش می‌گذارد.

در طراحی این زبان و ترسیم فضای تهران قدیم برای شنوندگان رادیو تهران، بیش از هر چیز و امداد علی حاتمی هستم. با این تفاوت که باید در مدیوم صدا کار کنیم و شرایط تهران قدیم را با واکن‌اسبی، درشکه‌ها، ماشین دودی و... در بستر ماه رمضان و لحظات پیش و پس از سحر بازسازی کنیم. فضای معماری خانه‌های قدیمی، هشتی، پاشیر، سرداب، صندوقخانه و... هم باید با کلام و دیالوگ بازسازی می‌شود.

برای زبان و فضای این آیت‌ها از کتاب‌هایی همچون «تهران قدیم» استاد جعفر شهیدی، «تهران قدیم» نوشته محمد رضا بیگی، «عکس و عکاسخانه در ایران» از موزه ملی، «لاله زار در دهه چهل» از موزه سینما، «خاطرات و زندگی من» نوشته مرتضی احمدی و «مجموعه نوشته‌ها و مکتوبات» علی

فراخوان

یست و هفتمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران

یست و هفتمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در بهمن ماه ۱۳۸۸ برگزار می‌شود. بر این اساس دبیرخانه «کتاب سال» از کلیه پدیدآورندگان، مترجمان، صحاح و نشران دعوت می‌کند، آثار خود را برای شرکت در مسابقه کتاب سال ۱۳۸۸ به نشانی دبیرخانه ارسال کنند.

اهداف کتاب سال:

- ارتقای فرهنگ جامعه اسلامی، حفظ استقلال و هویت فرهنگی
- حمایت و ترویج مؤلفان، مترجمان و صحاح و نشران متعهد کشور

شرایط شرکت در کتاب سال:

- آثار ارسالی برای اولین بار در سال ۱۳۸۷ منتشر شده باشند.
- کتاب های درسی و کمک درسی نباشند.

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، بین خیابان صبا و فلسطين جنوبی، شماره ۱۰۸۰، طبقه ۲ -

دبیرخانه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران
تلفن: ۶۶۹۶۶۱۳۹، دورنگار: ۶۶۹۶۶۲۱۸
www.ketabsal.ir



۱۶ شهریور امسال مصادف است با سی امین سالگرد درگذشت آیت الله طالقانی؛ شخصیتی که امام خمینی (ره) از او به عنوان ابوذر زمان یاد کرد و نخستین خطیب نماز جمعه تهران بود. به همین مناسبت با مولف کتاب «زندگینامه سیاسی آیت الله طالقانی» گفت و گویی انجام داده ایم. این کتاب به تازگی توسط نشر نی منتشر شده است و مولف آن دارای آثاری چون «ایران و دولت ملی در جنگ اول جهانی»، «مشروطه و جمهوری»، «مجلس شورای ملی و دیکتاتوری رضاشاه» و «درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ» نیز هست. وی همچنین مقالات متعددی در عرصه تاریخ در نشریات تخصصی منتشر کرده است. ملائی توانی همچنین کتاب پنج جلدی «اسناد جنبش ملی شدن نفت» و کتاب «دگراندیشی دینی در ایران» را نیز در دست نگارش دارد.

در گفت و گو با علیرضا ملائی توانی عنوان شد

خطر افتادن پژوهشگر در ستایش و ستیز با شخصیت تاریخی

داشته باشم، به ویژه آن که در جاهایی حتی نقدهایی را درباره تفکر سیاسی ایشان مطرح کرده ام که به عنوان مثال می توان از فصل ۱۳ کتاب نام برد. مشکل دیگر آن است که برخی پژوهشگران، شخصیت تاریخی را جدای از بستر تاریخی او مورد پژوهش قرار می دهند. اگر شما به دقت نگاه کنید می بینید که خیلی از زندگینامه نویسان، شخصیت تاریخی را در خلاء مورد بررسی قرار داده اند و او را از متن و بافت تاریخی ای که در آن حضور داشته، جدا کرده اند. برخی نیز برعکس این عمل می کنند. یعنی چنان به بافت تاریخی توجه می کنند که شخصیت در آن بافت گم می شود. به نظر من یک زندگینامه نویس باید از این گونه افراط و تفریط ها خودداری کند. به تعبیر دیگر یک زندگینامه نویس باید در عین آن که زندگی فرد را بررسی می کند، او را از بافت تاریخی اش نیز جدا نکند. من نیز سعی کرده ام چنین نگاهی در کتابم داشته باشم و تلاشم این بوده تا در کنار بررسی زندگی آقای طالقانی، شمایی از تحولات تاریخی نیز دیده شود.

شما روایت زندگی آقای طالقانی را بر اساس یک روایت خطی تنظیم کرده اید. آیا این نکته با نگاه تحلیلی شما سازگار است؟

هدف من این بود که سیر دگرگونی اندیشه و تکامل شخصیت طالقانی را به نمایش بگذارم. بسیاری از افراد در نوشتن زندگینامه دچار این خطا می شوند که می خواهند آخرین تصویری را که از فرد موجود است به همه زندگی او تسری دهند یعنی بگویند که این شخصیت در دوران کودکی، نوجوانی، جوانی و میانسالی حامل همین دیدگاه ها، اندیشه ها و تفکرات بوده است. من چنین نگاهی نداشتیم و به همین دلیل زندگی او را از ابتدا بررسی کردم تا ببینم او در هر گذار تحولات تاریخی دچار چه تغییراتی شده است. به همین دلیل این نوع نگاه را برگزیدم، چراکه گمان می کنم در این نوع نگاه می توان شناخت کامل تر و درعین حال بی طرفانه تری به ماجرا داشت.

به عنوان آخرین سوال، شما فکر می کنید که اگر این کتاب دست خود آقای طالقانی می رسید، ایشان چه نظری داشتند؟

پاسخ به این سوال دشوار است، اما من خیلی دوست داشتم که خود ایشان یا نزدیکان وی، این کتاب را می خواندند و بررسی می کردند. من در ابتدای این کتاب و دیگر کتاب هایم نوشته ام و از همه کسانی که این کتاب را می خوانند خواسته ام که آن را بایده گانه نقادانه مورد توجه قرار دهند و ضعف ها و کاستی های آن را روشن کنند. خوشبختانه یکی از دوستان آقای طالقانی که از همسایگان ایشان و در مورد ایشان کارهای زیادی انجام داده بود، جزو نخستین کسانی است که این کتاب را خوانده. وی در حال جمع آوری مجموعه ای است که همه آثاری را که درباره طالقانی نوشته شده، در بر خواهد داشت. او با من تماس گرفت و خیلی بابت تالیف این کتاب تشکر کرد. آقای اسفندیاری هم که کتاب «پیک آفتاب» را نوشته از این کتاب تعریف کرده است. البته ما نباید خیلی شیفته این شخصیت ها بشویم، اما واقعیت این است که خیلی دوست داشتم مرحوم طالقانی این کتاب را می دیدند و ضعف ها و کاستی های آن را نشان می دادند هر چند گمان می کنم با توجه به شناختی که از وی دارم، اگر او این کتاب را می دید، آن را می پسندید.



یعنی در این گفت و گوها همان مسائلی مطرح شد که شما می توانستی در مدارک موجود بیابی. به همین دلیل، ضمن آن که به یک پژوهش میدانی و مبتنی بر مدارک تازه اعتقاد داشتم، اما اصل و اساس کار من بر مبنای همان مدارک موجود بود.

در طول سال های ۷۹ تا ۸۱ که کتاب آماده انتشار شد، چه مشکلاتی بر سر راه پژوهش شما قرار گرفت؟

مشکل اول همانی بود که در ابتدای صحبت هایم به آن اشاره کردم. ما یک اثر مدون و سازمان یافته که دارای چارچوب مشخص پژوهشی باشد، در این عرصه نداشتیم، به جز همان کتاب «طالقانی و تاریخ» که رویکردی وقایع نگارانه داشت و برای آن که سراغ برخی از ابعاد ناشناخته شخصیت طالقانی برویم و برخی زوایای زندگی ایشان را که به آن پرداخته نشده بود، روشن کنیم، مجبور به نوآوری هایی بودیم. این نکات به هر حال دشواری هایی را برای ما فراهم می کرد. علاوه بر این باید دو نکته را اضافه کنم که به نظر من در کار زندگینامه نویسی بسیار دخیل است. معمولاً کسانی که دنبال نوشتن زندگینامه می روند، مدتی طولانی از عمر خود را به نوعی با یک شخصیت تاریخی و فرهنگی می گذرانند و به نوعی با او زندگی می کنند تا تحقیقاتشان کامل شود، از این رو گاهی دچار نوعی شیفتگی نسبت به آن شخصیت می شوند. این نکته معمولاً در زندگینامه ها به چشم می خورد. گاهی اوقات این همیشینی ممکن است به تنفر بینجامد که می توان آن را به نوعی ستایش و ستیز در زندگینامه ها دانست. این خطر همواره پژوهشگر را در معرفی یک شخصیت تاریخی تهدید می کند و او باید از این نکته بپرهیزد...

و شما، به نوعی نگاه بی طرفانه معتقدید؟

دقیقاً همین طور است. او باید نگاهی از بیرون به ماجرا داشته باشد و با گرفتن یک فاصله معرفتی، در موضوع غرق نشود. من نیز با این خطر مواجه بودم، اما تلاشم این بوده که دچار این مشکل نشوم. به هر حال زندگی آیت الله طالقانی جذابیت های زیادی داشت و این جذابیت همواره می توانست این خطر را ایجاد کند که من تنها به ستایشش بپردازم. اما من همواره کوشیدم که نگاهی از بیرون به زندگی او

از انتشار کتاب «پیک آفتاب» نسخه ای از آن را برای من ارسال کرد و در گفت و گویی تلفنی گفت که اثری کامل را در این عرصه نوشته است. من کار ایشان را خواندم و به نظرم وی انصافاً زحمت کشیده و کار را به صورت جامع انجام داده است اما از آنجایی که نگاه من با ایشان متفاوت است، بالطبع نتیجه کار من نیز متفاوت خواهد بود. شاید هر دوی ما به یک نوع از اسناد و مدارک دسترسی داشته ایم، اما زاویه نگاه و رویکرد پژوهشی متفاوت ما سبب شده که اثری متفاوت خلق کنیم. وقتی زاویه نگاه به اسناد و مدارک عوض می شود، شما می توانید جنبه هایی از ماجرا را ببینید که ممکن است دیگران به آن دسترسی نداشته باشند. اعتقاد من این است که هر کس می تواند با نگاهی متفاوت به همین اسناد و مدارک موجود رجوع کند و نتایج متفاوت تری را دریافت کند.

یعنی شما معتقدید که نگاه متفاوت و جست و جوگر در اسناد و مدارک موجود اهمیتی بیشتر از اسناد جدید دارد. این گونه است؟

بله. همین طور است. البته من معتقدم که این دو مورد همدیگر را تکمیل می کنند. گاهی ممکن است در اسناد و مدارک جدید اطلاعاتی یافت شود که شما با هر نوع زاویه جدیدی می توانی آنها را در اسناد گذشته بیابی و کشف کنی. یعنی محقق باید در عین آن که دارای زاویه دید نو و تازه ای باشد، در جست و جوی منابع تازه نیز کوتاهی نکند. او باید در حالی که همه منابع موجود را مورد پژوهش قرار می دهد، خود را در مسیری قرار دهد که منابع تازه را نیز کشف کند تا کارش نو و عالمانه باشد.

شما در انتهای کتاب، نام تعدادی از منابع مکتوب خود را درج کرده اید. آیا برای نوشتن این کتاب از منابع غیر مکتوب، مثلاً گفت و گو با نزدیکان آقای طالقانی نیز بهره برده اید؟

بله. من به تعداد زیادی از اسناد دسترسی داشتم که آنها را - چه در آثاری که پیش از کتاب من منتشر شده اند و چه در آثاری بعد از آن منتشر شده اند - ندیدم. به گمان من این مولفان به این اسناد دسترسی نداشتند. اما این اسناد در شکل دهی کتاب من بسیار مهم بودند. افزون بر این من گفت و گو هایی را نیز در این موضوع با برخی افراد انجام دادم و واقعیت آن است که در این گفت و گوها، هیچ نکته تازه ای نیافتیم.

کتاب «زندگینامه سیاسی آیت الله طالقانی» تقریباً پس از سه دهه از فوت ایشان منتشر می شود. به نظر شما چرا ما در این عرصه کمتر کتابی مستقل داشته ایم؟

با نظر شما خیلی موافق نیستم، چرا که تاکنون چند کتاب در مورد ایشان منتشر شده است. به عنوان مثال کتابی با عنوان «پیک آفتاب» چند سال قبل منتشر شد که زندگی آیت الله طالقانی را بررسی کرده بود. کتابی هم آقایان شیرخانی و حاتمی با عنوان «شورا و آزادی، بحثی در اندیشه سیاسی آیت الله طالقانی» منتشر کردند. یک کتاب هم بلافاصله بعد از فوت آقای طالقانی منتشر شد که آن را می توان کاری وقایع نگارانه دانست. کار من هم داستانی طولانی دارد. این پروژه در سال ۸۱ و بعد از دو سال کار مداوم به پایان رسید، اما به دلایلی انتشار آن به تعویق افتاد. من سعی کردم طی این دو سال از همه منابع موجود استفاده کنم تا کتابی که منتشر می شود کامل باشد. علت عدم انتشار نیز بیش از هر چیز، اختلاف سلیقه بود. به هر حال سبک خاص زندگی آیت الله طالقانی و دیدگاه های خاصی که ایشان داشتند، سبب شده تا دیدگاه های مختلفی در مورد ایشان وجود داشته باشد. به همین دلیل کتاب «زندگی سیاسی آیت الله طالقانی» هفت سال در انتظار چاپ ماند. البته کتاب من خیلی پیش تر از کتاب «پیک آفتاب» نوشته شد، اما بعد از آن چاپ شد.

آیا در طول سال هایی که کتاب آماده چاپ بود تا زمانی که آن را به ناشر فعلی ارائه دادید، تغییری در آن ایجاد کردید؟

در طول سال هایی که من در انتظار چاپ این کتاب بودم، آثاری را که در این عرصه منتشر می شدند، مطالعه می کردم و کم و بیش همه آثاری را که منتشر می شد، می دیدم ولی شاکله اصلی بحث همان است و من لزومی ندیدم که آن را مورد بازنگری مجدد قرار دهم. البته اغلب آثاری که من در طول سال های اخیر دیده ام، نکته تازه ای نداشته اند که پیش از این مورد توجه من نبوده باشد.

اما به هر حال در برخی از موارد دست به یک سری بازنگری هایی زدم، با این توضیح مجدد که حجم این موارد بسیار اندک بوده است. این توضیح هم ضروری است که کتاب پس از پایان یافتن نگارش، توسط چند کارشناس با چند دیدگاه متفاوت خوانده شد و آنها نیز دیدگاه هایی را مطرح کردند که در کتاب لحاظ شد. در مجموع کتاب به نظر خود من قابل قبول است و همه کسانی که آن را خوانده اند نیز پسندیده اند.

شما در مقدمه اول کتاب به نکته ای اشاره کرده اید که در سوال نخست ما مستتر بود. شما از فقر پژوهشی در مورد شخصیت هایی چون آیت الله طالقانی نوشته اید. همچنین در پاسخ به سوال قبل گفتید در آثاری که در سال های اخیر درباره ایشان نوشته شده، نکته تازه ای را مشاهده نکرده اید. آیا زندگی ایشان دیگر نکته تازه ای برای پژوهش ندارد یا پژوهشگران ما خود را محدود به آثار مکتوبی کرده اند که منتشر شده؟

هیچ اثر پژوهشی ای را نمی توان اثری کامل، جامع و تمام شده تلقی کرد. باور من این است که به تعداد پژوهشگران می توان در یک مورد کتاب نوشت، کمالین که دوست پژوهشگرم آقای اسفندیاری بعد

بهروز ثروتیان عنوان کرد
آشنایی با مفاخر فرهنگی
 بهروز ثروتیان یکی از نویسندگان و پژوهشگرانی است که در نوشتن مجموعه «اندیشمندان ایران و اسلام» مشارکت داشته است. وی تاکنون بیش از ۸۰ عنوان کتاب درباره ادبیات کلاسیک و معاصر فارسی منتشر کرده، که از جمله آنها می‌توان به «فن بیان و آفرینش خیال»، «هنر و شعر نیما»، «شرح آثار نظامی گنجهای»، «شرح و تفسیر منظومه صدای پای آب» و «شرح ساده گلشن راز» اشاره کرد. وی همچنین استاد ادبیات فارسی دانشگاه تبریز و دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج نیز بوده است.

مخاطبان این کتاب چه کسانی اند و به نظر شما کتاب‌هایی از این دست، تا چه اندازه در شناخت مفاخر فرهنگی ما تاثیر گذارند؟
 وقتی که من این کتاب را می‌نوشتم، مخاطب جوان را در نظر داشتم، چرا که می‌خواستم مخاطبان ما با این چهره مهم ادبیات و فرهنگ آشنا شوند. زبانی که نظامی در آثارش از آن بهره می‌گیرد، زبانی مبتنی بر ارزش‌های هنری است و به همین دلیل، خوانندگان آن برای غیر متخصصان دشوار است.

شما برای نوشتن بخش نخست کتاب از چه منابعی استفاده کرده‌اید؟

به نظر من اختصاص ۱۵۰ صفحه برای شاعری که شش دفتر مهم شعری دارد، بسیار کم است. یعنی برای آن که این شخصیت مهم شناخته شود، نیاز به فعالیت گسترده‌تری بود. اما من سعی کرده‌ام تا جایی که ممکن است از منابع موجود استفاده کنم تا حرف مهمی از قلم نیفتد. من بیش از سه دهه است که روی شعرهای این شاعر کار کرده‌ام و البته ماخذ اصلی من خود کتاب‌های وی بوده است و همچنان که شما اشاره کردید، در هر بخشی که نکته‌ای آمده، شعر مرتبط با آن موضوع نیز ذکر شده است.

یعنی با استفاده از آثار خود شاعر، زندگینامه‌اش را نوشته‌اید؟
 بله. او بیشترین اشاراتی را که به خود دارد، در کتاب «لیلی و مجنون» آورده است. او در این کتاب به خانواده خود اشاره می‌کند و شرح می‌دهد که چگونه رشد و نمو داشته است. نظامی در دو کتاب «اقبال نامه» و «شرف نامه» درباره زانسان نوشته است. به طور کلی هر آنچه را که من در مورد شاعر نوشته‌ام، با استناد به کتاب‌های خود او است.

این عنوان‌ها و سرفصل‌هایی که در کتاب آمده، انتخاب شما بوده یا دبیر مجموعه در گزینش آنها مشارکت داشته است؟

تنظیم و انتخاب این سرفصل‌ها به انتخاب خودم بود. من شش کتاب نظامی را تقریباً از حفظم و به همین دلیل می‌دانم که باید چگونه او را به خواننده فارسی‌زبان معرفی کرد. مثلاً اگر ده سال پیش می‌خواستم در مورد نظامی بنویسم، قادر نبودم تا او را این قدر کوتاه و مجمل معرفی کنم. از سویی نیز، دبیر مجموعه به دلیل اعتمادی که به من داشت، دستم را باز گذاشت تا آن‌گونه که خود می‌خواهم، به معرفی این شخصیت فرهنگی بپردازم. به نظر من این کتاب برای آشنایی مقدماتی با نظامی کافی است.

شناخت شخصیت‌هایی چون نظامی چه دستاوردی برای زندگی امروز ما دارد؟
 احساس می‌کنم که جوانان ما از فرهنگ و گذشته فرهنگی مان کمتر مطلعند. در صورتی که نویسندگان معاصر اروپایی و آمریکایی را بیشتر می‌شناسند. وقتی جوانان ما صحبت می‌کنند، به حرف‌های فلان فیلسوف فرنگی استناد می‌کنند، حال آن که ممکن است همان مفهوم حتی به شکل بهتری توسط مفاخر فرهنگی ما بیان شده باشد. من سعی کرده‌ام وظیفه‌ام را در مورد شناخت این شخصیت‌های ماندگار و تاثیر گذار انجام دهم.



سجاد صاحبان زند

مجموعه کتاب «اندیشمندان ایران و اسلام» به تازگی توسط انتشارات همشهری و به دبیری علیرضا مختارپور منتشر شده است. در بخش نخست این مجموعه ۵۰ شخصیت فرهنگی و علمی ایران به خوانندگان نسل جوان معرفی شده‌اند که از جمله آنها می‌توان به سعدی، حافظ، فارابی، نظامی گنجه‌ای، جامی، شیخ بهایی، غیاث‌الدین جمشید کاشانی و شیخ صدوق اشاره کرد. یکی از ویژگی‌های این مجموعه، مشارکت پژوهشگران مطرح در تالیف آن است. تاکنون شش کتاب از این مجموعه منتشر شده که نشان از حضور این شخصیت‌ها دارد. در ادامه این متن، گفت‌وگوهای کوتاهی با این پژوهشگران در مورد شکل‌گیری آثارشان خواهد آمد. امیدواریم در فرصت‌هایی نزدیک بتوانیم طی گفت‌وگوهایی مشروح‌تر، به مسائل تخصصی‌تری در این عرصه بپردازیم، با این توضیح که خود مولفان و همچنین دبیر مجموعه، تاکید کرده‌اند که این مجموعه برای آشنایی مخاطبان جوان و عام با شخصیت‌های مهم و تاثیر گذار فرهنگی نوشته شده است. مختارپور که دبیری این مجموعه را برعهده دارد، پیش از این، علاوه بر انتشار آثاری چون «آسمان در آینده»، «چراغ راه دینداری» و «عشق در منظومه شمسی» سابقه مدیریتی در عرصه‌های گوناگون را داشته است که از جمله آنها می‌توان به حضور وی در معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد اشاره کرد.

گفت‌وگو با علیرضا مختارپور، دبیر مجموعه «اندیشمندان ایران و اسلام»

دورنمایی روشن برای مخاطب جوان

پروژه «اندیشمندان ایران و اسلام» چگونه شکل گرفت؟

چون، یکی از الزامات فرهنگی جوانان، شناخت پیشینه فرهنگی ایران است، پیشنهادی را به انتشارات همشهری ارائه کردم تا آثاری در معرفی این شخصیت‌ها تهیه شود. من در این طرح مشخصاتی را برای این کتاب‌ها در نظر گرفته بودم که مهمترین آنها اختصار و ساده بودن کتاب‌ها بود. به نظر من ارائه یک دید کلی از زندگی این بزرگان و تاثیری که در جهان داشته‌اند، از الزاماتی است که یک جوان باید آن را بداند. این پیشنهاد مورد تایید قرار گرفت و بعد از آن، طی جلساتی که با کارشناسان مطرح گذاشته شد، تعدادی از پژوهشگران برای نگارش کتاب‌های مرحله نخست انتخاب شدند. قرار شد ۵۰ نفر در حوزه‌های مختلف ریاضی، طب، فلسفه، فقه، حدیث، کلام و ادبیات به معرفی مفاخر فرهنگی ما بپردازند که در حال حاضر، این ۵۰ کتاب در حال طی کردن مراحل انتشارند.

تاکنون چند عنوان از این کتب منتشر شده است؟

شش عنوان منتشر و عرضه شده‌اند و پنج کتاب در مراحل صحافی است. ما همچنین ۱۱ عنوان را در مرحله چاپ داریم و بقیه کتاب‌ها نیز به ترتیب آماده انتشار خواهند شد. به این ترتیب می‌توانم بگویم که قسمت عمده بخش اول کار به پایان رسیده است. ما برای این آثار، ویرایش‌ها و بازبینی‌های گوناگونی داریم چرا که معتقدیم جنس آثار این شخصیت‌ها متفاوت و گاه دشوار است. مثلاً در میان این شخصیت‌ها، ما فردی چون میرداماد را داریم که حتی مطالعه آثار او برای دانشجویان فلسفه و کلام هم تا حدی دشوار است. به همین دلیل این آثار را بارها بازخوانی می‌کنیم تا برای جوانان قابل فهم باشد. به همین دلیل است که بعد از تالیف کتاب نیز مراحلی باید طی شود تا کتاب به انتشار

برسد و همین نکته، گاه سبب طولانی شدن فرایند انتشار شده است.

یعنی کتاب‌ها ویرایش محتوایی هم می‌شوند.

بله. امانه‌از آن جنبه که بسنجیم کجای کتاب نادرست است و باید اصلاح شد بلکه از آن نگاه که کجای کتاب برای مخاطب جوان قابل درک نیست و نیاز به توضیحی بیشتر دارد. ما مولفان را براساس کار کارشناسی و توان آنها برگزیده‌ایم و از این رو به درستی کار ایشان اعتقاد داریم اما در بازنگری‌ها و ویرایش متن به این نکته می‌اندیشیم که چگونه می‌توان این آثار را برای مخاطب جوان ساده‌تر کرد. مثلاً به این نکته فکر می‌کنیم که برخی از کتاب‌ها ممکن است به پاورقی بیشتر، مقدمه تفصیلی‌تر و در عین حال شرح برخی کلمات دشوار داخل متن نیاز داشته باشند که سعی می‌کنیم در بازنگری کتاب آنها را به متن بیفزاییم.

از آنجایی که ما با یک مجموعه واحد طرفیم، به نظر می‌رسد که باید اساسنامه‌ای واحد برای نگارش کتاب وجود داشته باشد. شما در این عرصه چه کرده‌اید؟ احتمالاً شما نخواستید خیلی در جزئیات طرح‌های پژوهشی دخالت کنید.

آیین‌نامه‌ای که ما برای این کار تهیه کردیم، چند بند مختلف دارد. اول آن که هر یک از کتاب‌ها باید مقدمه‌ای در معرفی شخصیت مورد بحث داشته باشد و در عین حال به شرایط تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی او بپردازد. در این بخش همچنین باید تحولات زندگی، ارتباط این شخصیت با شخصیت‌های معاصر، شاگردان و مسائلی از این دست مطرح شود. ما همچنین پیش‌بینی کرده‌ایم که اگر مولف این توان را داشته باشد که تاثیرات این شخصیت را بر سایر شخصیت‌های تاریخی نشان دهد آن را نیز در کتابش بگنجانند. همچنین پرداختن به ابداعات و نوآوری شخصیت، چاپ‌های مختلف آثار

او و شرح‌هایی که بر این آثار آمده، از دیگر مواردی‌اند که در آیین‌نامه به آنها اشاره شده است. همچنین در آیین‌نامه آمده است که در سطح فهم جوان، آثار نویسنده و شرح آن به طور مختصر آورده شده است که حتی به نظر ما گاهی لازم می‌آمد متن برای ساده شدن بازنویسی شود.

منظورتان متن اصلی آن شخصیت تاریخی است؟

بله. علاوه بر این، ممکن است مولف ما نیز به دلیل نگاه تخصصی‌اش از لغات فنی استفاده کند و این لغات احتیاج به توضیح داشته باشند.

البته در این موارد سعی می‌کنیم از کلمات ساده‌تری استفاده کنیم، اما در جایی که نیاز است، سعی می‌کنیم به ذکر توضیحاتی در پاورقی بپردازیم. غیر از این، ما حجمی تقریبی را برای کار در نظر گرفتیم تا در عین کوتاه بودن، اصل مطلب را بتوان بیان کرد. حجم تقریبی پیشنهادی ما بین ۱۴۰ تا ۱۸۰ صفحه بود. البته در یکی دو مورد تعداد صفحات بیش و کمتر از این تعداد شد، اما به طور کلی روال کار ما رعایت کردن این تعداد صفحات بوده است. ما همچنین در مورد شیوه نگارشی، رسم الخط فرهنگستان زبان فارسی را رعایت کرده‌ایم. البته این حق را نیز به مولف داده‌ایم که در صورت نیاز به رسم الخط خاص، آن را در کتابش به کار گیرد. هر چند هیچ‌گاه در این مجموعه نخواستیم تا با ویراستاری خود، سبک، زبان و لحن نویسنده‌ای را تغییر دهیم. من به طور مشخص همواره با این نوع ویرایش مخالف بوده‌ام و به همین دلیل سعی کرده‌ام به عنوان دبیر مجموعه در عین آن که یکدستی مجموعه حفظ می‌شود، در آن دخالت سلیقه‌ای نکنم.

چرا تعداد صفحات این مجموعه گاهی متفاوت شده‌اند؟

به دلیل تفاوتی که شخصیت‌ها با هم دارند. مثلاً



کار کنم که سابقه طولانی پژوهش در این مسائل را دارم. خیلی از مطالبی که در این کتاب‌ها آمده در ذهن من حک شده و به همین دلیل محتاج دیدن کتاب‌های دیگر نیستم. البته این نکته به این معنا نیست که من به کتاب‌های دیگری که در این عرصه منتشر شده‌اند رجوع نمی‌کنم، اما از آنجایی که بسیاری از این مطالب را درس داده‌ام، به آنها تسلط کافی دارم.

در کتاب «نقد روان جامی» شما چند سرفصل را در بخش زندگی‌نامه او مشخص کرده‌اید که از جمله آنها می‌توان به «جامی؛ تنها شاعر بزرگ پارسی‌گوی قرن» و «سفرهای جامی» و «شوخی طبعی جامی» اشاره کرد. این تقسیم‌بندی چگونه

منوچهر دانش‌پژوه:
جامی شاعری تقلیدگر نیست

دکتر منوچهر دانش‌پژوه - محقق و مدرس دانشگاه - در دو کتابی که به تازگی در مجموعه «اندیشمندان ایران و اسلام» منتشر کرده، به زندگی و آثار سعدی و جامی پرداخته است. وی که پیش از این آثاری چون «شرح غزل‌های سعدی»، «بررسی سفرنامه‌های دوره صفوی»، «فرهنگ اصطلاحات عرفانی» و «دانشنامه ایران‌زمین» را منتشر کرده بود، کتابی درباره عطار نیشابوری را نیز در دست چاپ دارد.

چرا این دو شخصیت ادبی را برای تحقیق انتخاب کردید؟

این دو کتاب بخشی از یک پروژه بزرگ است که در معرفی شخصیت‌ها و مشاهیر فرهنگی ایران توسط موسسه همشهری منتشر می‌شود. در نتیجه با توجه به کاری که من روی این دو شخصیت انجام داده بودم، این دو پژوهش به من سپرده شد. بنده پیش از این چند کتاب درباره سعدی و دیگر ادیبان ادبیات فارسی منتشر کرده‌ام.

نوشتن این کتاب‌ها چقدر زمان برده است؟

ممکن است زمانی که برای نوشتن این دو مجلد کتاب و جلد دیگری که به زودی منتشر می‌شود، چندان زیاد نباشد. مثلاً ممکن است برای هر کتاب، زمانی حدود سه الی چهار ماه صرف کرده باشم، اما من به آن علت توانسته‌ام این آثار را در این مدت

جمشیدنژاد بیان کرد ارجحیت شخصیت عقلی بر جسمانی

غلامرضا جمشیدنژاد یکی دیگر از پژوهشگران مجموعه «اندیشمندان ایران و اسلام» است. او در کتاب خود به زندگی و آثار فارابی پرداخته است. جمشیدنژاد که عضو دایرةالمعارف بزرگ اسلامی نیز هست، تصحیح کتاب «التعریف بطبقات الامم» (و ترجمه این اثر با عنوان تاریخ جهانی علوم) و تالیف کتاب‌های «نظام‌های اقتصادی صدر اسلام»، «ستاره‌ای در ساحل» و «آفتاب در آینه» را نیز در کارنامه‌اش دارد. وی علاوه بر تحصیلات حوزوی، دارای مدرک کارشناسی ارشد فرهنگ عربی و علوم قرآنی و دکترای تاریخ تمدن نیز هست.

کتاب‌های دیگر این مجموعه با ارائه زندگی‌نامه‌ای از شخصیت‌ها آغاز شده، حال آن‌که شما بخش نخست کتاب خود را به مسائلی چون نهضت فرهنگی جهان اسلام اختصاص داده‌اید. چرا؟

به نظر من بررسی زندگی یک شخصیت را باید در زندگینامه عقلی وی جست و این میسر نمی‌شود، مگر آن‌که بدانیم که محیط پیرامون آن شخصیت چه بوده و او در چه فضایی رشد و نمو کرده است. یعنی ما بیش از آن‌که به دانستن نکاتی درباره زندگی جسمانی فرد نیاز داشته باشیم، به آن نیاز داریم که در مورد تولد عقلی شخصیت مورد نظر بدانیم. این مسائل در مورد شخصیت عظیمی چون فارابی بیشتر مصداق دارد، چراکه بررسی زندگی او، بدون در نظر گرفتن عقلانیت اسلامی اش اصلا میسر نمی‌شود و ما نمی‌توانیم وارد شرح اندیشه‌اش شویم.

یعنی شما باید بستری را فراهم می‌کردید تا بتوانیم زندگی فارابی را بررسی کنیم؟

بله. فارابی معلم ثانی است و به همین دلیل، تا ما معلم اول را نشناسیم، نمی‌توانیم به معلم ثانی بپردازیم. ما باید بدانیم که فارابی مسلمان و ایرانی چه کسی بوده و این میسر نمی‌شود مگر آن‌که فضای زندگی او و بستر رشدش را بشناسیم. ما اگر این مسائل را ندانیم، نخواهیم دانست که چرا او به عنوان معلم ثانی نامیده شده است.

ترجمه آثار پیشینیان در دوره فارابی بسیار آشفته بود، به طوری که در بار سامانیان، که یک مرکز فرهنگی محسوب می‌شد. از فارابی درخواست کرد که به ویرایش و پردازش آثار پیشینیان بپردازد و او هم با یک روش منطقی ویژه به این کار مبادرت کرد و به همین دلیل معلم ثانی نام گرفت.

شما قبل از انتشار این کتاب کاری پژوهشی در مورد فارابی انجام داده بودید؟

پیش از این مقاله‌ای در نشریه رشد جوان در مورد زندگی فارابی نوشته بودم، اما با آن‌که در مورد فارابی پژوهش‌هایی را انجام داده‌ام، کتابی مستقل درباره او منتشر نکرده‌ام. برای نوشتن این کتاب، بار دیگر به آثار خود فارابی رجوع کردم و افزون بر آن از ۴۸ اثر دیگر نیز به طور مستقیم بهره گرفتم. البته به طور غیر مستقیم هم آثاری را مورد استفاده قرار دادم.

انتشار آثاری مثل این مجموعه تا چه اندازه می‌تواند در شناسایی اندیشمندان ایرانی به نسل جوان موثر باشد؟

خیلی زیاد، مشروط بر آن‌که کتاب‌ها با شمارگان کافی منتشر شوند و پخش کتاب نیز درست باشد. متأسفانه مادر حوزه پخش کتاب، خیلی خوب عمل نمی‌کنیم. در واقع برای کتاب‌های چون دایرةالمعارف بزرگ اسلامی تبلیغاتی نکرده‌ایم و پخش این کتاب نیز بسیار بد بوده است. حتی بسیاری از استادان دانشگاه و مدیران فرهنگی نیز از انتشار این کتاب. که اتفاقی مهم در جهان اسلام به شمار می‌آید. باخبر نیستند. این کتاب‌ها اگر به دست مخاطب برسند، حتما موثر خواهند بود. از این رو من پیشنهاد می‌کنم که این کتاب‌ها نشر گیشه‌ای داشته باشند، یعنی مثل مطبوعات، در گیشه عرضه شوند تا مخاطب آنها را بهتر ببیند.

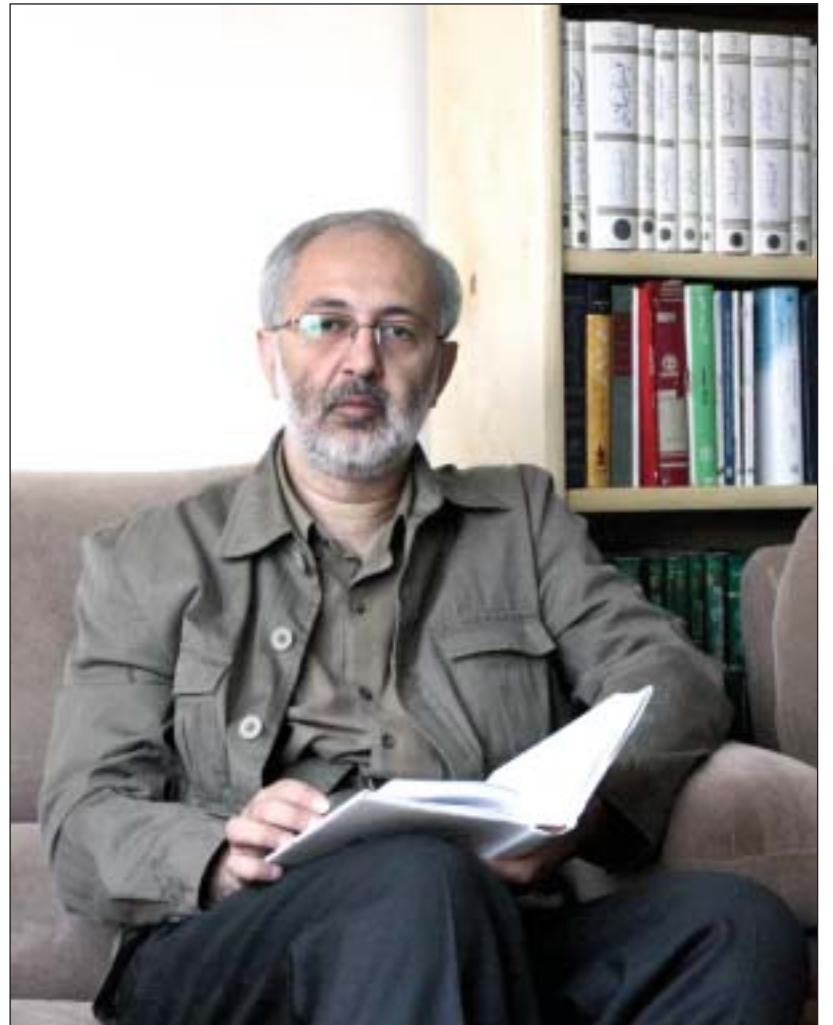
اما هدف ما در این مجموعه نکته‌ای دیگر بود. ما نمی‌خواستیم یک مجموعه مجتهدانه و جدید عرضه کنیم که برای مثال بحث تازه‌ای در مورد حافظ در آن مطرح شود چون ما نمی‌توانستیم تصمیم بگیریم که ۵۰ مولف، ۵۰ اثر تالیفی را در مورد ۵۰ شخصیت تاریخی و فرهنگی بنویسند. این کار از طرفی میسر نمی‌شد چون از آنجایی که در مورد برخی از این شخصیت‌ها کتاب‌ها و رساله‌های بسیار ارزشمندی نوشته شده، کمتر در کتاب‌هایی که منتشر می‌شوند می‌توان نکته تازه‌ای یافت البته نمی‌توان گفت که در آثار منتشر شده در این مجموعه نمی‌توان نکته تازه‌ای را یافت. به عنوان مثال کتابی که جویا جهانبخش در مورد شیخ بهایی نوشته، به طور حتم نکات تازه‌ای را در مورد این شخصیت‌ها مطرح می‌کند. او چندین کتاب تصحیح بسیار عالمانه از آثار شیخ بهایی ارائه داد که توانست جایزه کتاب فصل جمهوری اسلامی را نیز از آن خود کند. پس به طور حتم او نکات تازه‌ای را در کتابش ارائه خواهد کرد. یا به طور حتم آقای جمشیدنژاد نکات بدیعی را در مورد فارابی بیان کرده‌اند. اما از این نکات بدیع در همه کتاب‌ها نیست و ما نمی‌توانستیم مجموعه را از فلان شخصیت محروم کنیم؛ چرا که در مورد او دیگر حرف تازه‌ای ممکن است وجود نداشته باشد. هدف ما این بود که در این موارد، دورنمایی از این شخصیت‌ها را به مخاطب جوان ارائه کنیم.

شما خوانندگان جوان را از جمله مخاطبان اصلی این کتاب دانسته‌اید. برای معرفی این مجموعه به نسل جوان چه کارهایی انجام شده است؟

به طور حتم، انتشارات همشهری برنامه‌هایی برای معرفی این مجموعه خواهد داشت. من تنها آثار پروژه را آماده انتشار کرده‌ام و چاپ آنها به عهده انتشارات همشهری است که جناب متولیان مسئولیت آن را بر عهده دارد. البته من پیشنهادهایی به مجموعه داده‌ام اما کار اصلی به عهده همکاران ما در موسسه همشهری است و تا آنجا که من مطلع شده‌ام این آثار در مطبوعات وابسته به همشهری معرفی می‌شوند. این کتاب‌ها در «کتاب هفته»‌هایی که پنج‌شنبه‌ها منتشر می‌شوند تبلیغ خواهند شد و حتی در مواردی، گزیده‌ای از این کتاب‌ها، در این کتاب هفته‌ها منتشر شده است.

به عنوان آخرین سوال، شما دستاورد این مجموعه را چه می‌دانید؟

به گمان من، ما هرچه در عرصه کتاب و کتابخوانی کار کنیم، جای کار بیشتری در این عرصه وجود دارد؛ چرا که با این کار به سرمایه‌های معنوی و فرهنگی کشور خواهیم افزود. هیچ ملتی با کتاب نخواندن و پژوهش نکردن به جایی نرسیده است و اگر راهی برای پیشرفت کردن می‌توان متصور شد از مسیر کتاب خواندن است. بنابراین تأمی شود باید به این کارها توجه کرد و این مسیری است که با استعانت از نقد مشفقانه می‌توان به مراحل بالاتر رسید. به همین دلیل من انتشار این مجموعه را گام کوچکی در این مسیر می‌دانم.



حجمی که مطالب آنها به خود اختصاص می‌دهند متفاوت خواهند بود. از طرفی، ما محدودیت‌هایی نیز داریم، به عنوان مثال ما، برای نظامی گنجینه‌ای تنها یک کتاب اختصاص داده‌ایم در حالی که می‌دانیم وی آثار متعددی دارد. اگر می‌خواستیم فقط تنها به کتاب‌های «خمس» و وی به طور دقیق بپردازیم، باید چند کتاب تالیف می‌شد اما ما ناچار بودیم به یک کتاب بسنده کنیم.

برخی مولفان و پژوهشگرانی که در مجموعه اندیشمندان ایران و اسلام که همکاری کرده‌اند، پیش از این آثار متعددی در مورد کاری که در این پروژه انجام داده‌اند، منتشر کرده‌اند. با این همه، این پرسش مطرح می‌شود که چه منابعی در اختیار ایشان قرار گرفته تا در کتاب اخیر خود، نکاتی تازه‌تر را به مخاطب عرضه کنند؟

درست است که ابداع یا طرح مسائل تازه در این کتاب‌ها می‌توانست بسیار خوب و ارزشمند تلقی شود،

شخصیتی تنها یک کتاب دارد و به واسطه همان یک کتابش در تاریخ ادبیات و فرهنگ جهانی مانده است. نمونه‌اش حکیم ابوالقاسم فردوسی است. او با همان کتاب «شاهنامه» تاریخ فرهنگ جهانی را تحت تأثیر قرار داده است. او بر تمام فرهنگ و زبان فارسی و در عین حال جهانی تأثیر گذاشته است. بنابراین نوع و جنس مطالبی که به وی اختصاص دارد تفاوت می‌کند و البته ممکن است کمی کوتاه‌تر از بقیه کتاب‌ها نیز باشد.

ما در این مجموعه شخصیت‌های دیگری چون میرعماد و رضا عباسی را نیز داریم که هیچ آثار مکتوبی در عرصه تالیف پدید نیآورده‌اند. در کتاب‌های مرتبط با ایشان سبک و تأثیرات هنری این دو شخصیت مورد بررسی قرار گرفته شده است. تأثیر این دو شخصیت با چهره‌هایی چون شیخ صدوق و ملاصدرا متفاوت است، پس بررسی شخصیت آنها و لحنی که برای آن انتخاب می‌شود و در عین حال

انجام گرفته است؟

هر شاعر و نویسنده‌ای ممکن است در برخی از خصوصیات روحی، روانی و فکری دارای برجستگی‌هایی باشد و به طور حتم، وقتی به زندگی و آثار او پرداخته می‌شود، این مسائل در اولویت اول قرار می‌گیرند. در مورد جامی نیز چنین بود. او را یکی از بزرگ‌ترین شاعران پارسی‌گوی قرن نهم دانسته‌اند و شوخ طبعی اش زبانزد بوده است. من نیز این مسائل را با بیشتر مورد توجه قرار داده‌ام.

اما شما در مورد چهره مطرح تری چون سعدی به این تقسیم‌ها نپرداخته‌اید؟

مردم ما سعدی را خیلی بیشتر می‌شناسند. او را می‌توان به عبارتی پدر زبان فارسی دانست و بسیاری از بزرگان، از جمله خود جامی، شاگرد مکتب سعدی‌اند. به همین دلیل است که معرفی زندگی سعدی نیاز به توضیح خاصی ندارد، اما جامی را هنوز برخی به درستی نمی‌شناسند، درحالی‌که او آثار بسیار مهم و درخوری دارد و آشنایی با آنها از ضروریات به شمار می‌آید. این کتاب‌ها هم اغلب برای آشنایی عامه خوانندگان با قله‌های ادب و فرهنگ فارسی نوشته شده و از همین رو، اشاره به نکات جذاب زندگی جامی، خواننده را ترغیب می‌کند تا بیشتر به دانستن مطالبی درباره او علاقه‌مند شود. از سویی، خواسته‌ام که توضیحات بیشتری در مورد این چهره مطرح ادبیات فارسی ارائه کنم. متأسفانه چهره جامی گاهی به درستی در ادبیات ما شناخته نشده و برخی خواسته‌اند چهره‌اش را مخدوش کنند. مثلاً گفته‌اند که او مضامین شاعران بزرگ را اقتباس می‌کرده است. به گمان من حتی اگر این ادعا درست باشد، نمی‌توان آن را نقیصه برای شاعر دانست. حافظ هم با همه بزرگی اش، بارها از سعدی، خاقانی و خواجهی کرمانی اقتباس کرده و نشانه‌هایش هم موجودند؛ این

مساله‌ای طبیعی است. هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند که همه چیز را می‌داند یا می‌داندسته است. اما نکته‌ای که اهمیت دارد، استنباط درست مسائل است. اتفاقاً جامی از جمله کسانی است که استنباط درستی از مسائل دارد و صاحب ابتکار هم هست. لحن و بیان او خاص خودش است و این نشان از دانش فراوانش دارد.

شما کتاب دیگری در این مجموعه دارید که به عطار نیشابوری اختصاص دارد. در این مورد بگویید.

آن کتاب نیز به زندگی و آثار عطار اختصاص دارد، به علاوه آن‌که مفهوم «هفت شهر عشق» را به طور اخص در آن بررسی کرده‌ام. در این کتاب به طور توامان به غزل‌ها و مثنوی‌های عطار پرداخته‌ام. به ویژه به مثنوی‌های او بیشتر توجه کرده‌ام، چراکه شهرت عطار به واسطه این بخش از شعرهایش است.

کتاب‌هایی از این دست را تا چه اندازه برای معرفی شخصیت‌های فرهنگی ما موثر می‌دانید؟

همه مردم نمی‌توانند به طور تخصصی به مطالعه مسائل ادبی بپردازند، چون نه فرصت آن را دارند که یک دیوان هزار صفحه‌ای را بخوانند و نه می‌توانند به تحلیل و فهم کامل این آثار نائل آیند. اما این کتاب‌های مختصر، که توسط کارشناسان خبره تهیه شده، کار را بسیار آسان می‌کند؛ چراکه حجم اندک آنها سبب می‌شود تا بتوان آنها را ساده‌تر خواند و از سویی تسلط مولفان سبب شده تا نکات ضروری در کتاب عنوان شود. این کتاب حتی می‌تواند برای دانشجویان ادبیات هم مفید باشد. این مجموعه به طور فشرده، بخش مهمی از فرهنگ و تاریخ ایران را پیش روی مخاطب خواهد گذاشت؛ فقط امیدوارم اطلاع‌رسانی کافی برای معرفی آن انجام شود.

وضعیت کتاب و کتابخوانی در مراکز بهزیستی

اینجا، یار مهربان از همه مهربان تر است

آنها علاوه بر قصه گویی برای کودکان، قدرت بیان بچه ها را هم تقویت می کنند.

ساخت کتاب های تصویری، بخش دیگری از فعالیت های کودکان این مرکز است. آنان با کشیدن اشکال مختلف، داستان های خود را تعریف می کنند و با همکاری مربیان کانون ها، مهارت های زندگی را برای حفظ ارتباط اجتماعی می آموزند.

فرصتی برای حضور

کودکان و نوجوانان این مرکز خلاصه ای از هر کتابی را که مطالعه می کنند، در یک برگه کاغذ می نویسند و آن را به مربیان مرکز می دهند تا دقت قدرت استدلال خود را از مطالب کتاب نشان دهند و در قبال آن جایزه دریافت کنند. جایزه این کار هم خوردن یک شب شام با مربی، گردش در پارک یا حق خرید شخصی است. افراد این خانه علاوه بر خواندن کتاب، ملزم به نوشتن هستند، نظیر نوشتن نامه به خدا، نوشتن نامه به کودکی در فلسطین یا دیگر کشورها.

رمان و کتاب های تخیلی پر مخاطب هستند

حیاط سرسبز و ساکت مرکز بهزیستی شهید ترکمانی با گل های زیبا و درهم پیچیده اش، مسیری زیبا برای عبور و رسیدن به دنیای زیبای بچه های خانه بهزیستی ساخته است. فاطمه رزاقی، مددکار امور شبه خانواده، راهنمای ما می شود تا به این خانه سری بزنیم و با دنیای کتابی که بچه ها برای خودشان ساخته اند، آشنا شویم. این خانه در حیاط مرکز بهزیستی، پشت ساختمان اداری واقع شده و مسیر کوتاه و کم عرضش، دیوار ساختمان را از دیوار حیاط جدا کرده و هر مخاطبی را به سوی در کرم رنگی هدایت می کند. سمانه، سارا و پرستو در خانه اند و بقیه دختران برای دیدن نمایش به سالن تئاتر رفته اند. این خانه درست شبیه یک خانه واقعی است. با این تفاوت که کتابخانه بزرگ تری دارد. یک میز و چند صندلی آن داخل اتاق مطالعه بچه هاست.

رزاقی کتابخانه را نشان می دهد؛ جایی که کتاب های چیده شده بر حسب سلیقه بچه ها تقسیم بندی شده اند و خبری از فهرست و عنوان بندی کتاب ها نیست. سارا دختری شاد و پرنشاط است. او می گوید: «این کتابخانه قبلا خیلی شلوغ بود اما ما با کمک مسؤولان کتابخانه را مرتب کردیم. الان هر یک از قفسه ها را به طور مجزا چیده ایم و هر یک از بچه ها مسؤول یک قفسه است. نام مسؤول را هم با حروف درشت به کنار قفسه چسبانده ایم.»

اینجا بچه های برای خواندن کتاب آزادانه و هر وقت تمایل داشته باشند، می توانند کتاب مورد علاقه خود را از کتابخانه انتخاب و مطالعه کنند و حتی آن را برای کوچک ترها بخوانند. سارا می گوید: «من به خواندن کتاب های تخیلی علاقه مندم و بیشتر اوقات کتاب می خوانم البته خیلی از شب ها هم یکی از مربیان بچه ها را دور هم جمع می کند و برای ما کتاب داستانی «قصه های خوب برای بچه های خوب» را می خواند. گاهی وقت ها هم ما برای بچه های کوچک تر کتاب های قصه می خوانیم.»

اگرچه کودکان این مرکز برای انتخاب و خواندن کتاب ها مشکلات چندانی ندارند، اما مراکز هم وجود دارند که به دلیل کمبود امکانات، کتابخانه تعریف شده ای ندارند و مجبورند تنها از آنچه در اختیار دارند، استفاده کنند. در حالی که بسیاری از خیرین می توانند در کنار کمک های نقدی خود با همکاری و کارشناسی مدیران این مجموعه ها، به این مراکز کتاب هدیه دهند تا از کاستی ها و مشکلات این مراکز در این زمینه کاسته شود و کودکان تحت پوشش این مراکز از دنیای زیبا و پند آموز کتاب بازمانند.



بچه های فاقد سرپرست به خواندن کتاب هایی تمایل دارند که به آنان پیام مثبت و مهارت زندگی را آموزش می دهد. بیشتر این افراد به ادبیات داستانی و کتاب های رمان علاقه مندند. در کنار این نیازسنجی، برگزاری جشنواره ها و مسابقات عامل دیگری برای تشویق این افراد به خواندن و مطالعه کتاب است.»

کتابخانه ای در شبه خانواده

مرکز بهزیستی شهید ترکمانی سال ۱۳۵۲ ساخته شد و بعد از انقلاب اسلامی مددجویانی را که درگیر مسائل آسیب شناسی بودند سرپرستی می کرد تا این که از سال ۱۳۷۹ با گسترش کلاتشهر تهران، این مرکز به شیرخوارگاه قسمت غرب و جنوب غرب تهران تبدیل شد تا علاوه بر پوشش ۱۸۱ خانواده مددجو، به عنوان خانه کودکان بی سرپرست و بدسرپرست هم مطرح شود. این مرکز، حکم خانه کودکان را دارد و ساختار آن مانند محیط یک خانه تعریف شده است. نرگس طالبی مسؤول این مرکز بهزیستی، متولد سال ۱۳۴۲ و فارغ التحصیل رشته روان شناسی تربیتی در مقطع کارشناسی ارشد است. او همچنین به تدریس در دانشگاه پیام نور اشتغال دارد.

طالبی در زمینه تعریف یک خانه، برای کودکان بهزیستی، به پرورش و ایجاد محیط فرهنگی برای رشد و بالندگی آنها معتقد است و می گوید: «یکی از راه های ایجاد فضا برای پیوند کودکان با محیط بیرون، ساخت کتابخانه و توجه آنها به موضوع کتاب است. به همین دلیل زمانی که مسؤول این مرکز شدم، در بخش شبه خانواده یک کتابخانه افتتاح کردم.»

طالبی می افزاید: «بیشترین کتاب های خریداری شده با موضوعات مذهبی، علمی، تاریخی و آموزشی بودند تا کودکان و نوجوانان علاوه بر علاقه مند شدن به مطالعه و کتاب، با مهارت های زندگی اجتماعی نیز آشنا شوند.»

وقتی کودکان هم نظر می دهند

گزینش کتاب ها تنها برعهده مسؤولان مرکز نیست و در کنار آنها کودکان مرکز هم در انتخاب کتاب ها نقشی پررنگ دارند. مسؤول مرکز بهزیستی شهید ترکمانی با اشاره به این موضوع توضیح می دهد: «از بچه ها خواسته ایم عضو کتابخانه مدارس شوند و اگر آنجا کتابی را مورد علاقه خودشان یافتند، به ما گزارش دهند تا برای آنها تهیه کنیم. یکی از این موارد، پیشنهاد خرید شرح حال بزرگان ایران بود که توسط بچه ها ارائه شد.» به گفته طالبی، مربیان مرکز برای کودکان از یک سالگی به بعد داستان می خوانند.

شبهانه روزی تهیه کردیم. موضوع این کتاب ها نیز مباحث قرآنی و تکنولوژی آموزشی بودند که به صورت تصویری و نوشتاری و در عین حال ساده و جذاب در اختیار قرار گرفت.» تهیه کتاب ها بر حسب سن و گروه های مختلف متفاوت از یکدیگر تعریف شده است. الوند در این باره می گوید: «برای کودکان زیر ۶ سال کتابچه های بزرگی که در آن سوره های کوچک قرآن در یک پاراگراف و نقاشی مصور رنگی و بزرگ کشیده شده تهیه شده است. همچنین برای کودکان شش تا ۱۲ سال، ادبیات قرآنی در نظر گرفته شده که داستان زندگی امامان (ع) و پیامبران و مباحث علمی نظیر ستاره شناسی، گیاه شناسی و زندگی جانوران و حیوانات را دربر می گیرد. البته در سال ۱۳۸۷ هم نزدیک به ۱۴۳ عنوان کتاب برای تمامی مراکز بهزیستی و گروه های سنی آماده و به تعداد ۱۲ هزار جلد کتاب در حوزه های ادبیات ملی و فرهنگ مذهبی توزیع شد.» سرپرست امور شبه خانواده بهزیستی کل کشور در توضیح بیشتر می افزاید: «برای غنی شدن فرهنگ کتابخوانی هر دو جنبه را در نظر گرفتیم و داستان هایی از شاهنامه، گلستان و بوستان سعدی، مثنوی معنوی و ادبیات مذهبی را به مراکز فرستادیم که هدف آنها گسترش دانش کودکان و نوجوانان در حوزه های ادبی و دینی است.»

انتخاب جدید در نمایشگاه کتاب

سال ۱۳۸۸ در نمایشگاه بین المللی کتاب تهران فرصتی برای انتخاب کتاب های مورد نیاز افراد تحت پوشش بهزیستی فراهم شد تا در این ویرترین بین المللی کتاب با دقت بیشتری انتخاب شوند. این تنوع و گوناگونی باعث شد ۱۴ هزار جلد کتاب تهیه و در مراکز بهزیستی توزیع شوند. الوند با اشاره به این موضوع توضیح می دهد: «هدف اصلی ما توانمندسازی افراد تحت سرپرست است تا از این طریق یک قدم به جلو بردارند.»

دفتر امور شبه خانواده بهزیستی، تخصصی ترین ارگان تعلیم و تربیت کودکان بی سرپرست در کشور است که مباحث مراقبتی و حمایتی را در زمینه توانمندسازی افراد در مراحل مختلف زندگی برعهده دارد و از آنجا که بحث کلان تعلیم و تربیت به موضوع کتاب پیوند خورده، برنامه آن برای استان ها بیان شده است. الوند در این باره می گوید: «در کنار منابع اطلاعاتی که برای استان ها تهیه می شود مسؤولان آنها را مکلف کرده ایم که برای مراکز خود کتاب های مفید و جامع تامین کنند و همان گونه که به غذا و سلامت جسمی آنان اهمیت می دهند، برای تهیه کتاب به عنوان غذای معنوی و روحی نیز ارزش قائل شوند.»

کتاب ها با کارشناسی انتخاب می شوند

کتاب های خریداری شده توسط دفتر شبه خانواده انتخاب می شوند و در اختیار مراکز قرار می گیرند اما در این انتخاب کارشناسان و فرزندان تحت پوشش هم تاثیر گذارند. حمید رضا الوند در این باره می گوید: «کتاب هایی که انتخاب می کنیم، برحسب تجربه های حاصل از ۳۰ استان است که طبق بازدید از خانه ها و نشست کارشناسان در استان ها انتخاب شده اند و کارشناسان و مسؤولان با توجه به نیاز فرزندان دست به انتخاب آنها می زنند. همچنین این کتاب ها توسط جدول توزیع بر حسب تعداد خانه ها و افراد مستقر در آن توزیع می شوند.»

در کنار کارشناسی ها و نیازسنجی های صورت گرفته برای تهیه کتاب ها، باید به خواسته های کودکان و نوجوانان تحت سرپرست نیز توجه شود. الوند در این باره می گوید: «بررسی ها نشان می دهد

توجه به فرهنگ کتابخوانی و گسترش آن در مراکز بهزیستی کشور فرصتی را فراهم کرده تا اعضای این مراکز به معنای واقعی کتاب ها را بررسی و خواندن و مطالعه را به عنوان امری ضروری تلقی کنند. در چنین وضعیتی هر مرکز بهزیستی با توجه به توان خود، گوشه ای از هر خانه (یکی از تقسیم بندی های موجود در مراکز بهزیستی) را به این امر اختصاص داده است و با ساخت کتابخانه ای کوچک در کنار استفاده از کتابخانه های عمومی، مهارت زندگی را به کودکان و نوجوانان حاضر در این مراکز آموزش می دهد و فرصت بروز توانمندی ها و هدایت آنها را فراهم می آورد. این بستر برای کودکانی آماده شده که به نوعی، سرپرست خود را از دست داده اند تا به دنیای امروز پیوند بخورند و مهارت آموزی را از کتاب ها بیاموزند.

دفتر امور شبه خانواده سازمان بهزیستی کل کشور، یکی از دفاتر چهارگانه بهزیستی است که ماموریت تامین و مراقبت شبهانه روزی از کودکانی که سرپرست قانونی خود را به صورت موقت یا دائم از دست داده اند، برعهده دارد. اکنون ۲۱ هزار نفر از این فرزندان تحت سرپرستی بهزیستی کشورند و دفتر امور شبه خانواده مانند یک خانواده، تمام خدمات مورد نیاز را برای آنان فراهم می آورد. حمیدرضا الوند، سرپرست امور شبه خانواده بهزیستی کل کشور است. او سازمان بهزیستی را با دو سیاست درباره این افراد معرفی می کند و می گوید: «محوری ترین این سیاست ها ساماندهی و مراقبت از بچه هادر خانواده های مناسب، جایگزین و خانواده های امین و همچنین ساماندهی مراکز شبهانه روزی یا همان خانه کودک و نوجوانان این مرکز است. اکنون یازده هزار و پانصد نفر از این فرزندان در خانواده های جایگزین و مناسب زیر نظر دفتر شبه خانواده و ۹ هزار نفر هم در مراکز شبهانه روزی نگهداری می شوند.»

الوند درباره کودکانی که در مراکز بهزیستی نگهداری می شوند، می گوید: «ما آنها را به سه دسته تقسیم کرده ایم. دسته اول نوزادان تا شش سال که تفکیک جنسی ندارند. دسته دوم افراد شش تا ۱۲ سال که تفکیک جنسی می شوند و دسته سوم را افراد ۱۲ سال به بالا تشکیل می دهد.»

موضوع کتاب و کتابخوانی یکی از مباحث مهم مطرح شده در شیوه نامه اداره فرهنگ و تربیت است که به تناسب استان ها با هم تفاوت دارند. الوند با اشاره به این موضوع توضیح می دهد: «هر استان براساس پتانسیل و شرایط اقلیمی و بومی به صورت یکسان باید در این زمینه فعالیت کند و ما برای آن که فعالیت فرهنگی را گسترده تر کنیم، آن را از بحث اوقات فراغت خارج کردیم. در این شیوه نامه، مباحث دیگری نیز برای استان ها نظیر شیوه آشنایی با ارزش های انقلاب، آشنایی با ارزش های دفاع مقدس، مبانی فرهنگی انقلاب، داستان و تربیت بومی فرزندان، حرفه آموزشی، نوشتن روزنامه دیواری، آموزش مهارت زندگی و تشکیل کانون های فرهنگی مطرح شده است.»

شیوه نامه برای تمام مراکز

ایجاد کتابخانه و گسترش فرهنگ کتابخوانی یکی از برنامه های اصلی این شیوه نامه بوده و مراکز بهزیستی از سه سال پیش تاکنون برنامه های بسیاری را در این زمینه انجام داده اند. الوند با اشاره به این موضوع می گوید: «طی سه سال گذشته از محل اعتبارات ملی و ستادی در راستای تامین مبانی کتابخوانی در کل کشور اقدام و در سال ۱۳۸۶ از منابع متمرکز ستادی هفت هزار جلد کتاب مطالعاتی برای ۴۷۰ مرکز



مهدی آذریزدی: نویسنده‌ای که قصه‌های قرآنی را ساده و روان بازنویسی کرد

راوی قصه‌های ماندگار



آذریزدی، نویسنده پیشکسوت ادبیات کودک نوجوان و خادم القرآن، با دستمایه قرار دادن قصه‌های قرآنی امکان ارتباط با فرهنگ و پیشینه‌ای را که جامعه نیازمند درک و تجدید آن بود، فراهم آورد.

اسدالله شعبانی، نویسنده و شاعر کودک در این باره می‌گوید: «ساده‌نویسی در زبان آذریزدی سبب شد کودکان با قرآن و مفاهیم دینی انس بگیرند و آشنا شوند. او کودکان را به تکاپو و ادبیت و طعم شیرین قصه‌ها به آنان چشاند. او با ساده‌نویسی آثار کهن بستری را برای آشناسازی کودکان با قصه‌های قرآن و گذشته تاریخی فراهم آورد و این کار در آن زمان که چندان بهایی به ادبیات کودک داده نمی‌شد، بی‌نظیر بود.»

بسیاری از نویسندگان ادبیات کودک و نوجوان که خود از متاثران آذریزدی بوده‌اند، معتقدند مرحوم مهدی آذریزدی در ادبیات کودک و نوجوان چهره‌ای تاثیرگذار بود و توانست راهی را پیش پای نویسندگان این عرصه باز کند.

امیرحسین فردی مدیر مسوول نشریه کیهان بچه‌ها معتقد است در دورانی که نویسندگان و روشنفکران در صدد محو هویت ایرانی و اسلامی ما بودند، شخصیتی مانند آذریزدی با بازگشت به ریشه‌های دینی و ملی، انگشت روی متونی که قالب داستان داشت، گذاشت و آثاری به نوجوانان و حتی بزرگسالان ارائه داد که در جایگاه خود، کارهای بسیار ارزشمندی است.

وی در ادامه چنین اظهار می‌کند: «خوبی عملکرد آذریزدی در این است که این نویسنده در دوران فراوانی این آثار، دست به بازنویسی‌شان زد. در حقیقت شرایط و ظرف زمانی، نوعی ارزش افزوده به کار او داد که سبب ماندگاری نام او شده است.»

قصه‌های قرآنی برای بچه‌های خوب

آنچه در کشورمان به نام ادبیات کودکان و نوجوانان به سبک جدید خوانده می‌شود، سابقه‌ای چندین طولانی ندارد. این نوع نوشتن را مهدی آذریزدی به سامان رساند. او با ارزیابی و نقد فضای آن روز جامعه در عرصه نشر کتاب‌های کودکان، کار خود را آغاز و اصولی را بازنمایی کرد که بر اساس آنها می‌توان به وضع مطلوب نزدیک شد. آذریزدی جریان به نام «بازنویسی و بازآفرینی ادبیات کهن» را در زمینه ادبیات کودک و نوجوان به وجود آورد که لازمه ادبیات غنی و محکم فارسی است.

مهدی آذریزدی ۲۳ عنوان کتاب برای کودکان و نوجوانان نوشت؛ کتاب‌هایی که هر یک ورودی‌های مناسب و زیبایی‌اند به کتاب‌های قدیمی و کهن؛ کتاب‌هایی نظیر قصه‌های کلیله و دمنه، قصه‌های مرزبان‌نامه، قصه‌های سندبادنامه و قابوسنامه، قصه‌های مثنوی معنوی، قصه‌های قرآن، قصه‌های شیخ عطار، قصه‌های گلستان و ملستان و قصه‌های چهارده معصوم (ع) که به ترتیب عنوان جلد‌های اول تا هشتم مجموعه «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» را تشکیل می‌دهند. هوشنگ مرادی کرمانی نویسنده مجموعه «قصه‌های مجید» معتقد است: «آذریزدی یکی از بهترین برداشته‌ها، اقتباس‌ها و ساده‌نویسی‌هایی را که برای کودکان و نوجوانان لازم بود، انجام داد و در این حوزه جزو نخستین‌ها محسوب می‌شود.

دلشان می‌خواست نکته‌ای به استاد آذریزدی بگویند. همه منتظر شنیدن بودند. پیرمرد کمی خودش را جابه‌جا کرد و شوری در دلش افتاد. آقا با همان لبخند همیشگی گفتند: «حال که ایشان را می‌بینم، می‌گویم که من خودم از جهت رسیدگی به فرزندانم، بخش‌هایی را مدیون این مرد و کتاب او می‌دانم... دوره‌ای بود که فرزندان من به دوران بلوغ رسیده بودند و در دوره طاغوت که فضا برای نوجوانان و جوانان گمراه‌کننده بود، کتاب ایشان (قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب) کمک بزرگی به من کرد... این کتاب را بسیار خوب دیدم و جلد‌های اول تا ششم این کتاب را برای فرزندان خود تهیه کردم و به همه کسانی هم که فرزندان هم سن فرزندان من داشتند، این کتاب را توصیه کردم... ایشان در یک برهه از زمان، خلاء زنجیره فرهنگی کشور را پر کردند. این کتاب یک فرصت بسیار بزرگ بود و اطمینان دارم که خداوند اجر شما را خواهد داد.»

قصه‌های قرآن

میراث ارزشمند پیرمرد قصه‌گو

آذریزدی وقتی کلیله و دمنه را خواند، مثنوی معنوی را مرور کرد و داستان‌های قرآنی را در عمق وجودش حل کرد، تصمیم گرفت بنویسد و نوشت، اما از آنجا که صداقت و دنیای شیرین - که البته به مذاق او چندان هم شیرین نبود - همواره در روحيات وی مشاهده می‌شد، تصمیم گرفت مخاطبان اصلی او کودکان باشند.

آذریزدی پس از این که نخستین کتابش را با فراز و نشیب‌های بسیار به چاپ رساند، از عکس‌العمل مردم به ویژه نوجوانان از این کتاب هراس داشت و می‌ترسید مبادا کم‌سوادی‌اش در این کتاب خودنمایی کرده باشد و مورد تمسخر مردم قرار گیرد.

خودش می‌گفت: «پس از چاپ اولین کتابم تا یک هفته از خانه بیرون نیامدم چون می‌ترسیدم دیگران بگویند این مزخرفات را آن مرد نوشته است.»

شاید او هرگز گمان نمی‌کرد که نوشته‌هایش آنچنان در دل و جان کودکان و نوجوانان ایران زمین بنشینند که برای کتاب‌های بعدی این نویسنده نوظهور روز شماری کنند.

او در اعماق وجودش می‌دانست که «آنچه از دل برآید، لاجرم بر دل نشیند» اما نیاز به اعتماد به نفس داشت و برخورد مردم با نخستین کتاب او، این اعتماد را در دل کوچکش ایجاد کرد.

مهدی آذریزدی ۲۳ عنوان

کتاب برای کودکان و

نوجوانان نوشت؛ کتاب‌هایی

که هر یک ورودی‌های مناسب

و زیبایی‌اند به کتاب‌های

قدیمی و کهن؛ کتاب‌هایی

نظیر قصه‌های کلیله و دمنه،

قصه‌های مرزبان‌نامه و ...

با قصه‌های پیرمرد بزرگ شدیم، پیرمردی که می‌دانست چطور به زبان ما بنویسد و چگونه بنویسد که کلمه به کلمه کتاب‌هایش در دل بچه‌ها جا خوش کنند. ما بچه‌ها، بزرگ و بزرگ‌تر که شدیم کنج دل کودکی‌مان هر یک، چندین و چند داستان از کتاب‌های «قصه‌های خوب، برای بچه‌های خوب» را از بر بودیم.

مهدی آذریزدی برای ما نه فقط راوی قصه‌های کهن، که پدر بزرگ قصه‌گوی داستان‌ها بود. او حتی با چنان جذابیتی قصه‌های قرآنی را می‌نوشت که انگار برای نخستین بار است که آنها را می‌خوانیم و می‌شنویم.

حالا بعضی وقت‌ها که قرآن را باز می‌کنیم و به داستان‌هایش می‌رسیم، یاد او دوباره برایمان زنده می‌شود. انگار خدا به قلم پیرمرد توانی داده بود برای روایت درست و شیرین کتابش. او ۵۰ سال کنج‌خانه محقرش در یزد گوشه‌نشینی پیشه کرد و نوشت و نوشت و شب و روز ما را سرشار از کلمات دلنشینش کرد.

نوشتن از کسی که روزگاری برای چند نسل از بچه‌های این سرزمین قلم زده و دود چراغ خورده، کار چندان ساده‌ای نیست. مهدی آذریزدی دین بزرگی به گردن ما دارد. او با زبان شیرین، ساده و روان، بچه‌ها را با قصه‌های قرآنی آشنا و جذابیت آنها را طوری حفظ کرد که هنوز بسیاری از کودکان این سرزمین قصه‌های زیادی از کتاب آسمانی را در ذهن دارند. پیرمرد قصه‌گوی ما، پند مولانا را آویزه گوشش کرده بود که «چون که با کودک سروکارت فتاد/ پس زبان کودکی باید گشاد» و همیشه سعی می‌کرد فراموش نکند که برای چه کسی می‌نویسد و چگونه باید بنویسد.

در دورانی که ترجمه آثار نویسندگان غرب برای کودکان و نوجوانان، یگانه منبع مطالعه به شمار می‌آمد، آذریزدی با ساده‌نویسی قصه‌های منظوم سخن‌سرایان بلندآوازه این مرز و بوم و معرفی فرهنگ ملی، نقش بزرگی در پاسداری از هویت این سرزمین ایفا کرد. پشتکار و علاقه او به بازنویسی قصه‌های قرآنی و مدد گرفتنش از حضرت حق، آدمی را به یاد این بیت از خواجه شیراز می‌اندازد که: «هر چه کردم همه از دولت قرآن کردم»

سادگی و صداقت

رمز موفقیت قصه‌های آذریزدی

آذریزدی از نخستین کسانی بود که به کار ساده‌نویسی و بازنویسی آثار کهن برای کودکان و نوجوانان روی آورد. او به دلیل حرص و ولعی که در کودکی خود نسبت به کتاب داشت، به خوبی این نیاز مهم کودکان را درک کرد و در پی رفع آن برآمد.

آثار آذریزدی به دلیل سادگی و صداقتی که در کلام نویسنده‌اش نهفته بود، در روزگاری که برای کودکان کتابی چاپ نمی‌شد، توانست با استقبال مناسب مخاطبان روبه‌رو شود و حتی در دوره‌های پس از آن نیز با کودکان زمان‌های متفاوت ارتباط برقرار کند و کودکی‌های پدران و مادران امروز و فردا را شکل دهد.

بی‌دلیل نیست که در دیدار نخبگان یزد با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ایشان زبان به تعریف از مهدی آذریزدی و آثارش می‌گشایند. رهبر معظم انقلاب که چشمشان در این دیدار به پیرمرد افتاد، گفتند که

مجموعه قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب آذریزدی یکی از بهترین کتاب‌ها برای نوجوانان است و من خواندن آثار او را به همه پیشنهاد می‌کنم.»

وی در ادامه می‌گوید: «او زمانی به بازنویسی قصه‌های قرآنی پرداخت که هنوز توجه به این قصه‌ها رواج نداشت و او به دلیل علاقه‌ای که به نوجوانان داشت، به این عرصه پا گذاشت.»

سیدعلی کاشفی خوانساری نویسنده دیگری است که آذریزدی را از بزرگ‌ترین قصه‌نویسان ادبیات کودک و نوجوان می‌داند و می‌گوید: «آذریزدی در شرایطی که بازنویسی قصه‌های پادشاهان رواج داشت و هیچ‌کس به فکر قصه‌های قرآنی نبود، بر اساس یک باور شخصی، قلبی و در نهایت امانت‌داری و رعایت قواعد تاریخ‌نگاری دینی، این اثر را فراهم آورد و همین باعث اقبال عمومی جامعه به او شد.»

محسن هجری نویسنده کودک و نوجوان نیز با بیان این مطلب که آذریزدی الگوی بسیاری از نویسندگان کودک و نوجوان است، می‌گوید: «استاد آذریزدی زمانی شروع به بازآفرینی کرد که کار کردن روی قصه‌های قرآن و متون ادبی چندان رواج نداشت و او توانست دری تازه را به روی بازنویسی این قصه‌ها باز کند. آثار آذریزدی می‌تواند چراغ راهی برای افرادی باشد که می‌خواهند برای کودک و نوجوان بنویسند؛ این که به سادگی حرفشان را بزنند و به منابع ملی، بومی و دینی کشور خود آگاه باشند.»

هجری در ادامه می‌گوید: «کار ادبی توام با خلاقیت است، هر کاری شناسنامه خاص خود را دارد؛ ما منابع فراوانی داریم که در خلق ادبی و در ارتباط با مخاطب کمکمان می‌کنند و آذریزدی راه استفاده از این خلاقیت را به بسیاری نشان داد.»

قصه‌های قرآن در عمق و جان کلام آذریزدی

برخی آدم‌ها به دنیا می‌آیند که نویسنده شوند و تمام زندگی‌شان را وقف ادبیات کنند. بدون شک مهدی آذریزدی یکی از همین آدم‌هاست. او تا آخرین لحظات عمرش با کلمات زیست و در میان کتاب‌ها نفس کشید. آذریزدی از میان ما رفت اما هنوز چهره ساده و روستایی‌اش در یاد خیلی‌ها باقی مانده است.

او زندگی ساده‌ای داشت و این سادگی به داستان‌هایش هم سرایت کرده بود. هنوز چهره‌اش را می‌توان از پشت آن عینک بزرگ دسته‌سیاه و در خانه محقرش در کوچه پس‌کوچه‌های یزد به یاد آورد. پیرمردی نشسته روی تشکچه و محصور در میان کتاب‌هایی که از سر و کول چهار دیواری تنگش بالا می‌روند.

آذریزدی توانست به دیگران بگوید که با ساده‌نویسی هم می‌توان کار بزرگی در ادبیات انجام داد. او از نخستین کسانی بود که ادبیات کودک را بنیان نهاد و توانست بر همه آثار پس از خود در این زمینه تاثیر بگذارد.

یک قرن ترجمان کلام وحی در یک کتاب

نوع ترجمه هاست. دو ترجمه دیگری ترجمه محمود یاسری و دیگری ترجمه هیاتی از علمای افغانستان است.

اما درباره ترجمه های مفهومی، چنان که در کتاب هم آورده شده، نخستین ترجمه ای که سعی در فرارفتن از روش ترجمه تحت اللفظی داشت اما کاملاً موفق نشد، ترجمه بصیر الملک شیبانی است. از این رو باید گفت که دو ترجمه عبدالحسین آیتی و مهدی الهی قمشه ای، آغازگران عصر ترجمه روان و نسبتاً آزاد قرآن است.

بر اساس دو ویژگی دقت و روانی متن که پیش تر درباره آن بحث شد می توان تقسیم بندی اجمالی ای از بررسی خرمشاهی از ترجمه های دیگر داشت. گرچه به دلیل زیاد بودن عوامل سنجش این ترجمه ها، این تقسیم بندی دقیق نیست و صرفاً برای به دست دادن تصویری اجمالی از بررسی ایشان به کار می آید.

ترجمه های دقیق ولی سخت خوان: در بین این گونه ترجمه ها می توان ترجمه هایی را دید که سخت خوانی شان گاه بر اساس تسلط اندک مترجم زبان فارسی، گاه بر اساس ادبیانه بودن متن فارسی و گاه بر اساس اشکالات ویرایشی کتاب است و از این میان می توان به ترجمه های زین العابدین رهنما، مکارم شیرازی، مشکینی، طاهری قزوینی، بهرام پور و حلبی اشاره کرد.

ترجمه های با دقت کمتر ولی خوشخوان: ترجمه هایی از این دست ترجمه هایی اند که یا به دلیل رویکرد آزادشان به ترجمه یا به دلیل اشتباهات ترجمه ای از نظر خرمشاهی از دقت کمتری برخوردارند، اما در عین حال همگی شان روان و خوشخوانند و از این میان می توان ترجمه های شاهین، بهبودی، پورجوادی، کویان پور، طاهره صفارزاده. که به دو زبان فارسی و انگلیسی است. ارفع، تهرانی و ترجمه گروهی شامل پنج تن از فضلاء حوزه قم را نام برد.

ترجمه های دقیق و خوشخوان: در این گروه با ترجمه هایی روبه رویم که از نگاه خرمشاهی قابل دفاع ترین ترجمه هایند و از این میان می توان به ترجمه های پاینده، فیض الاسلام، عبدالمحمد آیتی، آل آقا، جلال الدین فارسی، مجتبی، فولادوند، خرمشاهی، خرم دل، انصاری، برزی، انصاریان، موسوی گرماردی، استادولی، حداد عادل و خواجهی اشاره کرد.

ترجمه های با دقت کمتر و سخت خوان: از نظر خرمشاهی ترجمه ابوالقاسم امامی دارای این ویژگی هاست.



سخن لغو به کلام خداوند داده ایم. به نظر می رسد صرفاً با دادن این پاسخ که ویژگی های هنری هر زبان مخصوص به خود اوست و قابل ترجمه به زبان دیگر نیست، نمی توان به این پرسش پاسخ داد، چرا که در برگردان بیشتر متون ادبی، این تلاش به عنوان عرف ترجمه، امری سزاوار و درست می نماید. اما درباره ترجمه ای که در آن از الفاظ کوچک و بزرگ و عرفی استفاده شده است نیز این پرسش پیش می آید که مگر هدف ما از ترجمه قرآن، قابل فهم کردن آن نیست؟ در این صورت چه اشکالی پیش می آید اگر واژه ای کوچک بازاری را لحاظ معنایی رستار از واژه ای معمول و استاندارد باشد؟

این پرسش ها گرچه بیشترشان قابل مناقشه و بحث های فراوانند اما از آنجا که به عنوان امری از پیش پذیرفته شده در کتاب در نظر گرفته شده بودند به نظر می رسد برای دقیق تر شدن ترجمه های قرآن به آنها باید توجه کرد تا بتوان دآوری منصفانه تری نسبت به همه ترجمه ها داشت، چرا که ممکن است مبنای نگاه مترجمان به ترجمه قرآن کاملاً با نگاه نگارنده کتاب متفاوت باشد و در این صورت نمی توان با مبنای نگارنده، کار ایشان را ارزیابی کرد.

ترجمه های تحت اللفظی و مفهومی

در این کتاب پنج ترجمه از ۳۹ ترجمه، ترجمه های تحت اللفظی اند که از میان آنها ترجمه های دهلوی، محمد کاظم معزی و ترجمه انجام شده توسط یک مترجم افغان به کوشش خانم پوررنجبر از بهترین این

برای نمونه به نظر می رسد اگر متن ترجمه معنایی ما نتواند معنای متن اصلی را به طور کامل به مخاطب برساند، این پرسش پیش می آید که آیا جداسازی ترجمه و تفسیر از هم، باقیمانده نگاه تحت اللفظی به ترجمه نیست؟ چرا که اگر اصل، انتقال معنای قرآن به خواننده به طور کامل و درست است و باید برای این کار افزوده هایی به ترجمه اضافه کرد که در ظاهر لفظ نیست ولی در معنای آن هست، چه ضرورتی دارد که این دو بخش از هم جدا شوند؟ به نظر می آید که این حساسیت نسبت به جداسازی ترجمه از تفسیر، بازمانده نگاهی است که خرمشاهی خود سعی در نفی آن در طول کتاب به عنوان نگاهی ابتدایی به ترجمه دارد.

نکته دیگری که در ترجمه برای نگارنده اصل است و در بحث دقت ترجمه قرار می گیرد، هماهنگ سازی میان ترجمه های ارائه شده از یک واژه در سراسر قرآن است. بر این اساس نگارنده با پذیرفتن معیاری که در علوم بسیار کاربرد دارد، سعی می کند دقتی بیشتر به ترجمه قرآن بدهد در حالی که به نظر می رسد این روش در متونی که مانند قرآن ویژگی های ادبی و بلاغی بسیار پیچیده دارند باعث از بین رفتن روح ادبی قرآن و نیز مکانیکی کردن مفاهیم می شود. در واقع در این نوع نگاه به ترجمه، یک واژه به خودی خود و به طور مستقل از بافتی که در آن قرار دارد مورد بررسی قرار می گیرد در حالی که در متون ادبی، معنای واژگان باید با در نظر گرفتن بافتی که واژه در آن به کار رفته تعیین شود نه این که از پیش برای یک واژه، معنایی معین کنیم سپس هر جا که به کار رفته باشد، به صورت مکانیکی، معادل آن را جایگزین سازیم.

در مورد ویژگی روان و سلیس بودن ترجمه نیز می توان مشاهده کرد که وی این امر را یک ارزش تلقی کرده که البته نیز چنین است، اما از سوی دیگر به مشکلاتی برخورد می کنیم. نخست، درباره ترجمه هایی اند که علاوه بر ترجمه معنای قرآن، سعی در نشان دادن ویژگی های هنری و زیباشناسانه قرآن هم دارند و دیگر درباره ترجمه ای است که در آن از واژه های کوچک و خیابان و عرفی برای ترجمه استفاده شده است. در مورد اول، پرسش این است که با توجه به این که متن قرآن دارای ویژگی های هنری است، چه اشکالی دارد که مترجم سعی در برگرداندن این ویژگی ها به زبان ترجمه داشته باشد؟ و همچنین آیا این زیبایی جملات قرآن، تأثیری در قرار گرفتن معنای آن در جان شنوندگانش دارد یا خیر؟ اگر تأثیر دارد که باید تلاش کرد این کار انجام شود و اگر ندارد که نسبت

موسسه فرهنگی ترجمان وحی که مرکز ترجمه قرآن به زبان های خارجی است، اسامی کتاب «بررسی ترجمه های امروزی فارسی قرآن کریم» را به قلم بهاء الدین خرمشاهی منتشر کرده است. این اثر حاصل طرح پنج ساله پژوهشی در همین موسسه است که در آن مهم ترین ترجمه های فارسی قرآن در صد سال گذشته بررسی می شوند. البته یکی دو ترجمه از این بازه زمانی خارج اند که شرح آن می آید. خرمشاهی با تقسیم ترجمه های قرآن به تحت اللفظی و غیرتحت اللفظی یا معنایی با محدود کردن خود به یکصد ساله اخیر، عملاً به جز پنج مورد خود را محدود به ترجمه های معنایی کرده است. در واقع این ترجمه ها ترجمه هایی اند که در آن، زبان روزمره یا زبان مرسوم بیشتر مدنظر بوده و سعی بر آن است تا مفاهیم قرآنی به زبانی همه فهم برگردانده شود تا همگان بتوانند از آن استفاده کنند. بر اساس این رویکرد، هدف از ترجمه قرآن، عامه فهم کردن آن است و در راستای برآوردن این هدف سعی می شود با استفاده از زبانی ساده تر و روان تر، مفاهیم قرآن منتقل شوند. در ترجمه های تحت اللفظی اساس این است که نظم کلام مبدا یعنی زبان عربی که کلام خداوند بر اساس نظم آن به پیامبر منتقل شده است، از بین نرود و تنها با نشان دادن معنای واژه های عربی به فارسی در زیر آنها، کار را برای خواننده غیر عربی دان آسان کنند.

نظری کوتاه بر مبانی نقادانه کتاب

مبنای کار خرمشاهی در بررسی ترجمه ها غیر از عامل پیش گفته، یکی دقت ترجمه ها در برگردان متن عربی به فارسی و دیگری روان، سلیس و مفهوم بودن ترجمه است. در واقع می توان دید که وی با تأکید بسیار بر این دو ویژگی، می کوشد تا میان ترجمه های بحث شده در کتاب به مقایسه ای ارزشی دست بزند. اما این دو ویژگی، و ویژگی های دیگری را به عنوان زیرمجموعه دربردارند که آنها نیز در این ارزشیابی تأثیرگذارند. به عنوان نمونه، می توان از جد کردن متن ترجمه از تفسیر به نحوی آشکار یاد کرد که به نظر نگارنده یکی از اصول ترجمه درست قرآن است چرا که با این کار معنای کامل ترجمه نخست به صورت جداگانه به خواننده منتقل می شود و از سوی دیگر خواننده درمی یابد که جملات دیگری که در لابه لای این ترجمه ها در برانته به وی منتقل می شوند از اصل قرآن نیست و افزوده مترجم برای کامل و روان تر شدن متن فارسی است. در مرحله نخست، این جداسازی بسیار پسندیده به نظر می آید اما در خلال کار، برخی اشکالات نیز پدید می آیند.

یادداشت

سیدعلی علوی نیا



نگاهی تاریخی

به ترجمه های فارسی قرآن کریم

بهاء الدین خرمشاهی، قرآن پژوه و مترجم قرآن، در آخرین اثر قرآنی خود به بررسی ۳۹ ترجمه فارسی از قرآن پرداخته است. وی در این اثر گرچه بازه زمانی دو بیست و پنج سال گذشته را در نظر گرفته اما تأکید او بیشتر بر ترجمه های انجام شده در یک صد سال گذشته است. همان طور که وی در کتاب خود به آن اشاره کرده است، سنت ترجمه قرآن کریم به دو گونه کلی تقسیم می شود؛ یکی ترجمه تحت اللفظی و دیگری ترجمه مفهومی. وی بر این باور است که پیدایش ترجمه های مفهومی که از اختصاصات دوران معاصر است، یک تکامل فرخنده تاریخی در ترجمه قرآن است. در این گونه از ترجمه دیگر سعی بر آن نیست تا واژه های ترجمه یک به یک متناظر با واژه های زبان اصلی

باشند، بلکه نکته ای که بیشتر بر آن تأکید می شود، رساندن معنای مورد نظر از هر جمله قرآن به خواننده است.

ترجمه های قرآن در این کتاب بر پایه شش سرفصل کلی مورد بررسی قرار می گیرند که عبارتند از:

۱. درباره مترجم: پژوهشگر محترم در این بخش با دادن اطلاعاتی زندگی نامه ای درباره مترجم به توصیف و بررسی ویژگی ها و توانایی های خاص هر مترجم می پردازد و خواننده را با پیش زمینه های ذهنی او آشنا می کند.
۲. درباره ترجمه: در این بخش بیشتر سعی بر آن بوده تا نظرات مترجم درباره ترجمه اش بیان و نشان داده شود که معیارهای وی در ترجمه چه بوده است. البته در صورت نبود چنین اطلاعاتی، نگارنده خود این کار را انجام داده است.
۳. چاپ ها و ویرایش ها: اطلاعاتی است درباره دفعات چاپ کتاب و ویرایش های گوناگون آن.
۴. نقدها و بررسی ها: شامل مجموعه مطالبی که تاکنون درباره هر ترجمه نگاشته و به صورت فهرست وار آورده شده است.
۵. سخن آخر: در این بخش که مخصوص برخی ترجمه هاست،

می توان با نظر نهایی نگارنده درباره هر ترجمه آشنا شد. ۶. نمونه ترجمه: این بخش که با درایت و خوش سلیقگی به این کتاب اضافه شده دربرگیرنده ترجمه چند آیه ثابت (آیه الکرسی و آیه نور) در هر ترجمه است که امکان مقایسه میان ترجمه ها را برای خواننده فراهم می سازد.

از نکات قابل توجه دیگر این کتاب، توجه به نقدهای محمدرضا انصاری درباره اکثریت قریب به اتفاق ترجمه های ذکر شده در کتاب است. در کل می توان گفت که این کتاب فرصت خوبی را برای مطالعات تاریخی و تطبیقی درباره ترجمه های فارسی قرآن فراهم می کند که تا پیش از این ممکن نبود. خرمشاهی در این اثر نشان داده است که در هر ترجمه از قرآن چه یافته که آن را متمایز از سایر ترجمه ها می کند. وی ترجمه های موجود از کلام وحی را به دو گروه تحت اللفظی و غیرتحت اللفظی، یا معنایی تقسیم کرده است. سپس با در نظر گرفتن ترجمه هایی که در صدساله اخیر از قرآن انجام شده اند، سراغ آن دسته از ترجمه هایی رفته که زبان روزمره و مرسوم را برای برگردان قرآن معیار گرفته اند. ترجمه هایی که مفاهیم قرآنی را به زبانی همه فهم برگردانده اند تا کلام وحی برای همگان قابل درک شود.

اسطوره‌های ایرانی و سرنوشت ناگزیر

ناشی از خداوند دانسته شده است و در گرایش دیگر قهرمانان شاهنامه هنگامی که با سرنوشتی رودرو می‌شوند که تقدیر برای آنان رقم زده است، به خداوند شکایت می‌برند. این موضوع نقش مهم خداوند در تقدیر باوری منظومه های حماسی را نشان می‌دهد و آن گونه که نویسنده باور دارد، نشان از نوعی نظم اخلاقی است.

فردوسی بارها از خداوند در مقام حاکم سرنوشت یاد می‌کند. اوست که زندگانی می‌بخشد و نیک و بد روزگار را رقم می‌زند. در نگاه او، سرنوشت نه نیرویی مستقل، بلکه تجلی فرمانروایی پروردگار بر جهان است. آنچه نشان که رینگر نشان می‌دهد، این بن‌مایه فکری هم ریشه در باورهای زرتشتی دارد و هم اعتقادات اسلامی. نویسنده از سویی دیگر می‌گوید که مقوله ارتباط خداوند با تقدیر، در «ویس و رامین» جندان تفاوتی با شاهنامه ندارد. در این منظومه، حکم یزدان و گردش گردون به یک اندازه نماینده حکم تقدیر تلقی شده‌اند. از همین رو شخصیت‌های داستان هم از یزدان «بخت بلند» می‌طلبند و هم از بخت سیاه در نظر خداوند می‌نالند. رینگر می‌نویسد که سراینده «ویس و رامین» نیز همانند فردوسی ترجیح می‌دهد که برای نامیدن خداوند از اصطلاحات کلی استفاده کند و موضعی بینابینی میان اندیشه‌های دو گانه - که منبع الهام او بوده‌اند - بیابد. به همین سبب به ندرت از اصطلاحات خاص برای نامیدن خداوند استفاده می‌کند.

موضع آدمی در قبال سرنوشت «فصل ششم و پایانی کتاب «تقدیر باوری در منظومه های حماسی فارسی» است. در این فصل مهم ترین آموزه شاهنامه و «ویس و رامین» تن دادن به تقدیر و سرنوشت دانسته شده است. اما از آنجا که تقدیر تجلی اراده خداوند است تسلیم نباید با در ماندگی همراه باشد بلکه باید ضربه تقدیر را با شکیبایی و اعتماد به خداوند تحمل کرد و در برابر سرنوشت نباید گستاخ بود چرا که آدمی به سزای خود می‌رسد. در «ویس و رامین» نیز موضع آدمی در قبال سرنوشت، همان است که در شاهنامه دیده می‌شود. کتاب پایه‌ای «تقدیر باوری در منظومه های حماسی» بدین گونه به پایان می‌رسد. این کتاب نیم قرن پیش (در سال ۱۹۵۴ میلادی) تالیف شده اما هنوز هم تازگی و اهمیت خود را از دست نداده است چرا که همانگونه که مترجم یادآوری می‌کند؛ هیچ اثر تحقیقی مستقلی را نمی‌شناسیم که به موضوع تقدیر باوری در منظومه های حماسی پرداخته باشد. از سوی دیگر مترجم باز با شگفتی تأکیدی کند که درباره این موضوع حتی یک مقاله جدی در زبان فارسی وجود ندارد.

مترجم کتاب توضیحات ضروری را به متن افزوده است. این توضیحات عبارتند از ارجاع به ترجمه های فارسی کتاب‌هایی که مولف به آنها استناد کرده است. از همین رو خواننده فارسی زبان می‌تواند اشاره های نویسنده را به سادگی در متن های ارجاعی کتاب بیابد.



قدر نیز برمی‌خوریم اما در منظومه «ویس و رامین» دامنه به کارگیری واژه قضا گسترده تر از شاهنامه است به گونه‌ای که در این منظومه، عشق نیز مسأله‌ای دانسته شده که با قضا پیوند دارد. از همین رو، ناکامی عشاق به رفتار سنگدلانه تقدیر نسبت داده شده است. رینگر یادآور می‌شود که هر چند موضوع قضا و قدر در ادبیات و باور اعراب ریشه‌ای استوار دارد، اما توجه فردوسی و گرگانی (سراینده ویس و رامین) به قضا و قدر برگرفته از اندیشه های عرب نیست و سرچشمه‌ای ایرانی دارد چرا که در متن های پهلوی به تقدیر و قضا و قدر آسمانی بارها پرداخته شده است و به ویژه در بندش نمونه‌های فراوانی از این مفهوم به دست می‌آید. بحث درباره نقش مهم خداوند در تقدیر باوری، موضوع فصل پنجم کتاب رینگر است. او در این فصل به دو گرایش فکری در شاهنامه اشاره می‌کند که در یکی از این گرایش‌های نیک و بدی هر دو

اوستایی و پهلوی، به این نتیجه می‌رسد که ایزد زروان (زمان) نه تنها نقشی برجسته و عمده در ذهن ایرانیان داشته است، بلکه اندیشه سرنوشت باوری و ناگزیری آدمی در برابر تقدیر، به همین ایزد باز می‌گردد. از سوی دیگر، نویسنده در همین فصل ابتدایی، به شباهت های ایزدان «کاله» در ادبیات هند و «کرونوس» در یونان با «زروان» ایرانی می‌پردازد و آن را باوری مشترک در اندیشه های هندی، ایرانی و یونانی می‌داند. فصل دوم «سرنوشت و آسمان: اختربینی» نام دارد که در آن پیوند ستاره‌شماری و اختربینی با سرنوشت آدمی واکاوی شده است. رینگر با آوردن نمونه های فراوان، نشان می‌دهد که چگونه اختربینان می‌توانستند سرنوشت شخصیت های شاهنامه و رویدادهای پیش رو را پیش بینی کنند. «بخت به منزله قسمت آدمی» عنوان فصل سوم کتاب «تقدیر باوری در منظومه های حماسی فارسی» است. نویسنده در این بخش به اصطلاح «بخت» در متون پهلوی می‌پردازد و آن را در دو واژه «بخته» و «بغویخته» نمایان تر می‌بیند. مسأله پیش گویی آینده با بخت نیز موضوع دیگری است. نویسنده استدلال می‌کند که باور ذهنی شخصیت های شاهنامه چنین است که بدبختی و نگون بختی نشانه پشت کردن بخت به آدمی است و کاهیایی و سرفرازی در گروهی روی آوردن بخت به انسان‌ها، به همین دلیل است که برای نمونه بوذرجمهری هواره از بخت بیدار و مهر سپهر در کارها، یاد می‌کند. در فصل چهارم با نام «وام واژه های عربی، تلفیق اصطلاحات متعدد»، نویسنده به واژه هایی چون فضا و قدر می‌پردازد و نشان می‌دهد که این اصطلاح عربی چه کاربرد گسترده‌ای در منظومه «ویس و رامین» دارد. از آن سو رینگر به این نکته با اهمیت می‌پردازد که چگونه اصطلاحاتی مانند قضا و قدر، بخت و زمانه با روزگار و فلک معنای مشترکی یافته و به جای هم به کار رفته‌اند. این مسأله رانیز یادآوری می‌شود که تمامی اصطلاحات مربوط به تقدیر در شاهنامه، ایرانی است. اگر چه در چند جا به دو اصطلاح قضا و

«تقدیر باوری در منظومه های حماسی فارسی (شاهنامه و ویس و رامین)» اثر هلمر رینگر و با ترجمه ابوالفضل خطیبی به کوشش انتشارات هرمس منتشر شده است. این کتاب یگانه پژوهش جدی درباره موضوع مهم تقدیر باوری در منظومه های حماسی ایران است. هلمر رینگر دانشمند سوئدی، در این کتاب دو منظومه مهم حماسی - تغزلی زبان و ادب فارسی، یعنی شاهنامه و ویس و رامین را اساس پژوهش خود قرار داده است. آن گونه که شاهنامه شناسان می‌گویند، مسأله تقدیر در کتابی مانند شاهنامه چیزی جز پژواک کردار آدمی نیست. با این که فردوسی بارها به ناتوانی انسان در فهم بازی های زندگی اشاره می‌کند و آدمی را در برابر نیروی شگفت سرنوشت گرفتار می‌بیند، اما بر این نکته نیز تأکید می‌کند که سرنوشت و تقدیر، از قاعده‌ای خردپذیر پیروی می‌کند و ارتباطی ناگسسته با رفتارهای آدمی دارد. پهلوانانی که از منش انسانی دور می‌شوند و هنجارهای زندگی را می‌شکنند، از سرپنجه تقدیر شوم رهایی ندارند.

برای نمونه، شوربختی پهلوانان زشت رفتاری مانند افراسیاب، پیش از آن که ریشه در تقدیر و سرنوشت او داشته باشد، نتیجه هنجار شکنی‌ها و بداندیشی‌هایش است. حتی پهلوان نیک اندیش و راستی جویی مانند سیاوش نیز، هنگامی که پناه به ناهلی مانند افراسیاب می‌برد، در مقابل تقدیر ناتوان و چاره‌ناپذیر می‌ماند. پس خطا و لغزش آدمی با تقدیر قرین و همراه است. با این همه همواره سایه تقدیر بر انسان های شاهنامه سنگینی می‌کند و هیچ رویدادی نیست که به دور از بازی های سرنوشت باشد. از آن رو که آدمی همواره در آستانه لغزش است و اشتباه و خطا رهاش نمی‌کند.

به همین دلیل است که در شاهنامه بر بی‌اعتباری جهان و اغتمام فرصت تأکید می‌شود اما این تنها شاهنامه نیست که تقدیر باوری و ناگزیری سرنوشت را پررنگ و فراگیر نشان می‌دهد. همه آثار حماسی آکنده از چنین مفهومی‌اند. اما در شاهنامه بیش از هر اثر حماسی دیگر، تقدیر و سرنوشت، رنگی از خردپذیری و قاعده‌مندی می‌گیرد. همین موضوع، دستمایه هلمر رینگر؛ استاد اوپسلائی سوئد، در تحریر کتاب «تقدیر باوری در منظومه های حماسی فارسی (شاهنامه و ویس و رامین)» بوده است. رینگر خاورشناسی است که زندگی علمی خود را با تحقیق درباره ادیان، ترجمه و تفسیر متون مقدس می‌گذراند. به ویژه، او به موضوع تقدیر و پیشینه آن در آثار ادبی دلبستگی فراوان دارد. کتاب او دنباله مطالعاتش درباره تقدیر باوری است که اکنون با ترجمه ابوالفضل خطیبی در اختیار دستاران این گونه مباحث قرار گرفته است.

رینگر در فصل نخست کتابش، با تکیه بر دو منظومه «شاهنامه» و «ویس و رامین» به مسأله زمان در باور ایرانیان می‌پردازد و ریشه آن را در کیش زروانی روزگار ساسانیان جست و جو می‌کند. او با تکیه بر ادبیات

تقدیر و اسطوره‌ها

«تقدیر باوری در منظومه های حماسی فارسی (شاهنامه و ویس و رامین)» اثر هلمر رینگر و با ترجمه ابوالفضل خطیبی یگانه پژوهش جدی درباره موضوع مهم تقدیر باوری در منظومه های حماسی ایران است. رینگر دانشمند سوئدی که پژوهش های بسیاری در باب موضوع تقدیر باوری در ادیان منتشر کرده، در این کتاب دو منظومه مهم حماسی، تغزلی زبان و ادب فارسی، یعنی شاهنامه و ویس و رامین را اساس پژوهش خود قرار داده است. او همه بیت های این دو منظومه را که به نوعی به موضوع بخت و تقدیر ربط دارند استخراج کرده، با یکدیگر سنجیده و سرچشمه های آن را معین کرده است. نویسنده بر آن است که ریشه های تقدیر باوری در این دو منظومه را نه در اعتقادات دوره اسلامی، که در برخی اندیشه های ایرانیان باستان به ویژه مکتب زروانی که در متون پهلوی بازمانده از آن دوره بازتاب یافته است، جست و جو کند. رینگر در هر فصل پس از بررسی، تجزیه و تحلیل واژه هایی که بر تقدیر دلالت دارند از جمله بخت، زمانه، روزگار، سپهر، گردون و ریشه یابی آنها در متون پهلوی، نتایج بررسی های خود را با بن مایه های همسان در اندیشه های هندی، یونانی و بین النهرینی سنجیده است. این کتاب ۲۰۰ صفحه‌ای با شمارگان ۳۰۰۰ نسخه و با قیمت ۳۵۰۰ تومان توسط انتشارات هرمس روانه بازار کتاب ایران شده است.

درس «تفسیر فقهی و ادبی متن عهد قدیم» بر عهده او گذاشته شد و تا هنگام بازنشستگی در سال ۱۹۸۳ به تدریس آن اشتغال داشت.

هلمر رینگر به تحقیق در تاریخ ادیان و ترجمه و تفسیر متون مقدس علاقه بسیار داشت و طی نیم قرن زندگی علمی خود، آثار بسیاری در این زمینه‌ها به زبان سوئدی، آلمانی و انگلیسی نوشت. او در آغاز فعالیت های تحقیقاتی خود به موضوع تقدیر و تقدیر باوری دلبستگی ویژه‌ای یافت که کتاب «مطالعاتی درباره تقدیر باوری در میان اعراب» و کتابی که ترجمه فارسی آن با نام «تقدیر باوری در منظومه های حماسی فارسی (شاهنامه و ویس و رامین)» منتشر شد، حاصل آن دوران است. در هفتم تا نهم دسامبر ۱۹۶۴ نیز همایشی با عنوان «باورهای جبری در ادیان، فرهنگ فولکلور و ادبیات» در اوپو برگزار شد که رینگر در آن مشارکت فعال داشت و مجموعه مقاله های ارائه شده به این همایش

هلمر رینگر؛ جوینده کلمه و خرد

پروفیسور هلمر رینگر در سال ۱۹۱۷ در سوئد به دنیا آمد. در دانشگاه معروف اوپسلا که خاورشناسان بزرگی چون گئو ویدن گرن و ساموئل نیبرگ از آنجا برخاستند در رشته الهیات به تحصیل پرداخت و در سال ۱۹۴۷ در همین دانشگاه از پایان نامه دکتری خود با عنوان کلمه و خرد دفاع کرد و به درجه دکتری نائل آمد.

این رساله که در همان سال در لوند به چاپ رسید کرسی تدریس در رشته تاریخ و روان شناسی دین در دانشگاه اوپسلا را نصیب او کرد. طی دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ در فرهنگستان اوپو در مقام استاد تاریخ دین به تدریس پرداخت. در سال ۱۹۶۵، در دانشگاه اوپسلا

به کوشش وی در سال ۱۹۶۷ در استکهلم به چاپ رسید.

از دیگر فعالیت های علمی رینگر تالیف کتاب های درسی است که از آن میان می‌توان کتاب «دین از گذشته تا حال» را نام برد که آن را با همکاری او که استروم تالیف کرد (۱۹۵۷). این کتاب تاکنون بیش از ۱۰ بار تجدید چاپ شده است.

یکی دیگر از کتاب های معروفی که رینگر در تالیف آن مشارکت داشت، کتاب «فرهنگ الهیات عهد قدیم» بود که در فاصله سال های ۱۹۹۹-۱۹۷۰ در ده جلد انتشار یافت. این کتاب که به زبان های انگلیسی و اسپانیایی نیز ترجمه شده، تاکنون بارها به چاپ رسیده است.

هلمر رینگر، در سال های اخیر به تحقیق در ادیان رایج در ژاپن و شبه جزیره کره علاقه مند شده و با همکاری دانشمندان ژاپنی و کره ای کتاب هایی در این زمینه تالیف کرده است.



ترجمه قرآن برای کودکان و نوجوانان در گفت و گو با چند نویسنده و مترجم

جرعه جرعه قرآن برای مخاطبان خاص

ترجمه قرآن کاری بسیار دشوار و حتی ناشدنی است؛ چرا که هیچ ترجمه‌ای نمی‌تواند پیام الهی و کلام خداوند مهربان و بلند مرتبه را آن گونه که باید و شاید به مخاطبان منتقل کند. اما از آنجا که همه خوانندگان با زبان عربی و ظرایف و دقایق آن آشنا نیستند، چاره‌ای جز ترجمه این کتاب آسمانی به دیگر زبان‌ها باقی نمی‌ماند. اما چگونه می‌توان این کلام مقدس و جاودانه را به فارسی روان و برای کودکان و نوجوانان ترجمه کرد و آیا چنین کاری درخور، شایسته و ممکن است؟ در ادامه این مطلب چند چهره فرهنگی به این پرسش پاسخ داده‌اند.

معنای قرآن را به کودکان بیاموزیم



جعفر ابراهیمی (شاهد) نویسنده کودک و نوجوان است. «آمده‌ام دوست بدارم»، «خورشیدی اینجاست»، «خورشیدی آنجا»، «آب مثل سلام» و ... شعرهای او برای کودکان و «ماجراهای جوری جورتان»، «گلدره و گلنجان» و ... از جمله داستان‌های کودکان او هستند. «آواز پوپک»، «آسمان ابری نیست» و ... مجموعه شعرهای او برای نوجوانان و «یک سنگ و یک دوست»، «در سوگ سهراب»، «در کوچه‌های خیس»، «شب‌های بی فانوس و همزاد» قصه‌ها و داستان‌ها او برای نوجوانان هستند.

آیا شما به ترجمه لفظ به لفظ قرآن معتقدید؟ بله، بهتر است که به ترجمه لفظ به لفظ قرآن پرداخت و توضیحات را در زیر نویس یا حواشی صفحه گنجانند. من نیز در ترجمه جزء سی ام قرآن چنین کرده‌ام. با این وصف می‌توان قرآن را لفظ به لفظ برای نوجوانان ترجمه کرد؟ لزومی به ترجمه همه آنچه در قرآن مطرح شده وجود ندارد چون ارتباطی به دنیای نوجوانان ندارد و این گروه سنی آن را درک نمی‌کند به همین خاطر بهتر است مترجمان تنها قسمت‌هایی از قرآن را که برای نوجوانان قابل فهم باشد، انتخاب و ترجمه کنند و در اختیار این گروه سنی بگذارند. درباره کودکان، وضعیت چگونه است؟ به نظر می‌رسد ترجمه قرآن برای این گروه سنی دشوارتر است.

ترجمه کل قرآن برای کودکان ضرورتی ندارد



مصطفی رحماندوست، شاعر و نویسنده کودک و نوجوان از کسانی است که به ترجمه قرآن برای نوجوانان پرداخته و جزء‌های اول و سی ام قرآن را برای این گروه سنی به فارسی برگردانده است.

ترجمه قرآن برای کودکان و نوجوانان چه ضرورتی دارد؟ خداوند، قرآن کریم را بر سینه پیامبر خود فرودستاد و همه انسان‌های مومن و خداپرست را به خواندن و عمل به آن فراخوانده و تشویق کرده است، بدون آن که هیچ محدودیت سنی برای مخاطبان این کلام الهی در نظر بگیرد، بنابراین، همان گونه که بزرگسالان می‌توانند از خواندن این کتاب مقدس لذت ببرند، کودکان و نوجوانان هم می‌توانند قرآن بخوانند و به اندازه دانش و بینش خود، معانی بلند و عمیق نهفته در آن را دریابند. اما ترجمه قرآن برای کودکان کار بسیار دشواری است، چون کودکان معانی مندرج در آیات این کتاب آسمانی را درک نمی‌کنند...

اصلاً ترجمه کل قرآن برای کودکان ضرورتی ندارد چون از یک سو به سن تکلیف نرسیده‌اند و از سوی دیگر معانی و مفاهیم تمام آیات را درک نمی‌کنند. اما شما معتقدید که همه گروه‌های سنی می‌توانند از خواندن این کتاب بیاموزند. برای کودکان می‌توان گزینه‌ای از آیات و سوره‌های قرآنی را ترجمه و منتشر کرد. اصلاً ضرورتی وجود ندارد که همه قرآن را برای بچه‌ها ترجمه کنیم. شاید داستان‌های قرآن را بتوان با زبانی ساده و روان برای بچه‌ها ترجمه کرد. بعضی بر این باورند که ترجمه کتاب‌های مقدس باعث تنزل و پایین آمدن سطح این گونه کتاب‌ها می‌شوند... تا چه اندازه با نظر این افراد موافقت؟ قرآن بر پیامبر «نازل» شده تا درخور درک و فهم مخاطبان باشد. ترجمه قرآن به هر زبان دیگری، کار بسیار دشوار و حتی ناشدنی است، زیرا هیچ ترجمه‌ای نمی‌تواند بیان‌کننده پیام الهی باشد. اما همه خوانندگان قرآن عرب‌زبان نیستند و چاره‌ای جز ترجمه قرآن به زبان‌های دیگر باقی نمی‌ماند. به عبارت دیگر بهتر است که قرآن را از ریشه «قرآ» و کتابی برای خواندن بدانیم و آن را به زبانی شیوا و روان ترجمه کنیم. شما در ترجمه قرآن برای نوجوانان از چه روشی بهره برده‌اید؟ ترجمه «لفظ به لفظ» یا «زبان به زبان»؟ هر یک از مترجمان با دید و روش خاصی به ترجمه این کتاب آسمانی

کودکان متشابهات را درک نمی‌کنند



تاکون آثار بسیاری درباره دین، مفاهیم و شخصیت‌های دینی از محمود حکیمی، نویسنده، مترجم و پژوهشگر برای گروه سنی نوجوان منتشر شده است که از آن جمله می‌توان به «سیره و شخصیت حضرت محمد (ص)»، «زندگانی حضرت زینب (س)»، «داستان‌هایی از زندگی امام سجاد (ع)» و ... اشاره کرد. درباره ترجمه قرآن برای کودکان و نوجوانان با وی به گفت و گو نشستیم که در ادامه می‌خوانید.

نه تنها کودکان که همه انسان‌ها در جست و جوی کمالند و هیچ کتابی به خوبی قرآن، مسیر رسیدن به کمال را نشان نداده. پس چگونه است که بسیاری معتقدند ترجمه قرآن برای بچه‌ها ضروری نیست؟ کارشناسان علوم قرآنی، آیات الهی را به محک‌ها و متشابهات تقسیم می‌کنند و معتقدند که همه افراد نمی‌توانند متشابهات را دریابند و معنا و مفهوم آن را درک کنند، از این رو سست که قرآن را دارای بطن‌های گوناگون دانسته‌اند و بر این باورند که اگرچه همه افراد به قدر فهم و دانش خود می‌توانند از کلام الهی بهره ببرند اما تنها تعداد کمی می‌توانند لایه‌ها را یکی پس از دیگری، بشکافند و به مغز و باطن آن دست پیدا کنند و این همان کاری است که از عهده و توان کودکان و درک و فهم آنان، خارج است. اما بسیاری از بزرگسالان هم قادر به درک معانی بلند قرآن نیستند و وجود تفاسیر گوناگون به همین خاطر است. دانشمندان اسلام تا قرن چهارم هجری، مخالف با ترجمه قرآن بودند و

پرداخته‌اند، من نیز کوشیده‌ام تا ساده‌ترین و امروزی‌ترین واژه‌ها را انتخاب کنم و برخلاف بعضی که به ترجمه لفظ به لفظ قرآن معتقدند. زیرا ترتیب الفاظ این کتاب الهی را مقدس می‌دانند. به ترجمه زبان به زبان پرداخته‌ام تا خوانندگان برگردان فارسی آیات برای نوجوانان آسان و خوشایند و براساس واژگان پایه این گروه سنی باشد. به این خاطر است که واژه‌هایی را به ترجمه خود اضافه و با رنگ متفاوت منتشر کرده‌اید؟

در این کار سعی شده آیات الهی با استفاده از معتبرترین تفسیرها و ترجمه‌های قرآن به زبان فارسی سالم و ساده و قابل فهم برای نوجوانان ترجمه شود. به همین خاطر، ناچار از افزودن تعابیر و کلمه‌هایی تفسیرگونه بر ترجمه کلمه به کلمه قرآن شده‌ام. متن ترجمه با دو نوع از حروف چاپی منتشر شده است. کلمه‌هایی که با حروف سیاه چاپ شده ترجمه مطابق با اصل آیه‌هاست. اگر این کلمه‌ها را پشت سر هم بخوانید باز هم جمله‌های کامل و سالمی را خوانده‌اید. جمله‌ها یا کلمه‌هایی هم لابه‌لای کلمات اول با رنگ آبی به چاپ رسیده است که در واقع این عبارت‌ها برای فهم بهتر و ساده‌تر معنی آیه‌ها آمده است. چرا جزء سی ام قرآن را برای ترجمه انتخاب کردید؟ کوتاهی سوره‌ها عامل این انتخاب بود؟

به باور من، این جزء یکی از دشوارترین بخش‌های قرآن برای ترجمه است. اگرچه سوره‌ها کوتاه‌ترند اما معانی عمیقی دارند و مترجم ناچار است بسیاری موارد را برای خواننده خود، به ویژه مخاطب نوجوان توضیح بدهد، البته من جزء اول قرآن را هم برای نوجوانان ترجمه کرده‌ام؛ ترجمه‌ای که آسان‌تر از سی امین جزء بود.

جزء‌های دیگر قرآن را برای نوجوانان ترجمه نمی‌کنید؟ در حال حاضر خیر اما به زودی یک مجموعه ۱۰ با عنوان «ترانه‌های نیایش» جلدی از من منتشر می‌شود که در این مجموعه به موضوعات مختلفی که دغدغه ذهنی خردسالان است پرداخته‌ام. برای مثال از زبان بچه‌ای گفته‌ام که دست عروسکش شکسته و حالا از خدا می‌خواهد تا مادرش هر چه زودتر برگردد و دست عروسکش را به حالت اول برگرداند. انتشار چنین مجموعه‌هایی تا چه اندازه بیانگر نگاه بزرگسالان به دنیای کودکان است؟

من به خردسالان دعا کردن را یاد نداده‌ام؛ همه تلاش من این بوده که نگاه کردن را به آنها بیاموزم و چشمانشان را به دنیایی متفاوت بگشایم؛ دنیایی که در آن یک بی‌نهایت مطلق وجود دارد و می‌تواند کودکان را از تنهایی نجات دهد.

فکر می‌کردند نمی‌توانند کلام خداوند را که به زبان عربی است، به زبان دیگری برگردانند و سال‌ها طول کشید تا این طرز تفکر تعدیل شد و کسانی که هم با زبان قرآن آشنا بودند و هم زبان مقصد را به خوبی می‌شناختند، به برگردان این کتاب مقدس روی آوردند. اما ترجمه قرآن برای کودکان کاری به مراتب دشوارتر از ترجمه برای بزرگسالان است چرا که این گروه سنی دارای واژگان محدودتری نسبت به بزرگسالان است و نمی‌تواند همه آیات الهی را دریابد، اگرچه تمام بزرگسالان هم نمی‌توانند همه آیات و سوره‌ها را درک کنند و به جرأت می‌توان گفت که خود اعراب نیز از درک جنبه‌های گوناگون این کلام آسمانی ناتوان بوده و ظرایف، استعاره‌ها و آرایه‌های ادبی مندرج در این کتاب را در نمی‌یابند، همان گونه که هر فارسی‌زبانی، به دقایق زبان خود پی نمی‌برد.

درباره آموزش قرآن به کودکان نیز چنین شرایط و محدودیت‌هایی وجود دارد؟

بعضی بر این باورند که خواندن قرآن و عمل به دستورات آن تا پیش از رسیدن به بلوغ بر هیچ کس واجب نیست. بنابراین بهتر است که به جای آموزش روخوانی قرآن به کودکان، آنها را با داستان‌ها و مفاهیم این کتاب آسمانی آشنا کنیم اما گروه دیگری معتقدند که حتی کودکان پیش از دبستان هم می‌توانند زبان قرآن را بیاموزند، از این رو به آموزش زبان عربی به این گروه سنی پرداخته‌اند. رسول بزرگوار اسلام (ص) از پدران و مادران خواسته تا سوره «یس» را که ریحانه قرآن است، به کودکان خود آموزش دهند، بنابراین و با توجه به این حدیث، درمی‌یابیم که همه آیات را نمی‌توان به این گروه سنی آموزش داد و باید به استخراج بخش‌هایی از قرآن و ترجمه آن برای بچه‌ها پرداخت که برایشان شیرین و قابل فهم و درک باشد.



همه ما حکایت «بخشش، جایز نیست او را بکشید» و «بخشش جایز نیست، او را بکشید» را شنیده و با خود گفته ایم: عجب! این نشانه‌ها تنها صورت ظاهر نیستند و به نقطه و ویرگول و خط تیره خلاصه نمی‌شوند و چه بسا این نشانه‌ها بتوانند جان بی‌گناهی را از مرگ نجات دهند. اما با وجود رشد صنعت نشر و انتشار کتاب‌های فراوان در زمینه‌های گوناگون، ویرایش و ویراستاری به جایگاه شایسته خود دست نیافته است و این ضعف در حوزه کودک و نوجوان، بیشتر به چشم می‌آید. هنوز ویراستاران ما به حق و حقوق خود پی نبرده و به آن دست نیافته‌اند. بسیاری از ناشران هم ضرورت وجود ویرایش و ویراستاری را به درستی درک نکرده‌اند. در ادامه مطلب گفت‌وگوهای کوتاهی با چند ویراستار و نویسنده ادبیات کودک و نوجوان خواهد آمد.

ویراستاری در ادبیات کودک و نوجوان در گفت‌وگو با چند نویسنده و ویراستار

دشواری ساده نویسی برای کودکان

ویراستاری

فقط روان کردن متن نیست

محمد رضا شمس از نویسندگان پرکار کودک و نوجوان است که تاکنون بیش از ۴۰ اثر برای این گروه سنی منتشر کرده که از آن میان می‌توان به «خاب و پسر»، «دیوانه و چاه»، «دختر خل و چل»، «خاله لک‌لک»، «عروسی»، «قصه بهار»، «قصه پلی که بود و دیگر نیست»، «بادکنک و اسب آبی»... اشاره کرد؛ نویسنده‌ای که فکر می‌کند در ایران، عنوان سرویستار حرفه‌ای به معنای واقعی کلمه وجود ندارد.



چرا شما معتقدید که ویراستاری حرفه‌ای در ایران وجود ندارد؟

در همه کشورها سرویستاری وجود دارد که با همه سبک‌ها و گونه‌های نوشتاری آشناست و همواره در کنار نویسنده و حتی در جایگاهی بالاتر از او قرار دارد تا کاستی‌های نوشته‌ها را برطرف کند. اما در ایران، سرویستار به معنی حقیقی کلمه وجود ندارد و بعضی ویراستاران هم آن گونه که باید و شاید با اصول ویرایش آشنا نیستند. در حقیقت کار ویراستاران تا حدی شبیه تصویرگران است، چون آنها هم باید به کندوکاو در متن بپردازند و آنچه را که در دل نوشته گم شده، پیدا کنند.

ویرایش کتاب‌های ترجمه به چه صورت است و نویسنده تا چه اندازه باید با سبک هر نویسنده آشنا باشد؟

ویراستاری که با ادبیات و زبان‌های دیگر آشنا نباشد، نمی‌تواند به ویرایش کتاب‌های ترجمه بپردازد. برای نمونه، کسی که رولد دال و بازی‌های زبانی‌اش را نمی‌شناسد چطور می‌تواند به ویرایش ترجمه آثار این نویسنده بپردازد؟! از این روست که کتابی چون «شازده کوچولو» بارها ترجمه می‌شود و باز هم می‌توان کاستی‌های بسیاری را در آن یافت. در صورتی که کسی که آگروپری و زبان و ظرافت‌های زبانی‌اش را بشناسد، می‌تواند گمشده‌های متن را دریابد و آشکار کند.

پس شما به ویرایش محتوا هم معتقدید؟

بله. ویراستار خوب کسی است که علاوه بر شناخت زبان معیار، سبک نویسنده را هم بشناسد و چیزی بر متن بیفزاید، نه این که تنها به روان و یکدست کردن متن بپردازد. از سوی دیگر، ویراستار کسی است که می‌تواند از بیرون به متن نگاه کند و این یکی از خوبی‌های کار ویرایش است، چراکه نویسنده به سختی می‌تواند خود را از متن جدا کند و از بیرون به آن بنگرد.

ضرورت ویراستاران تخصصی

شهرام رجب‌زاده، نویسنده و ویراستار کودک و نوجوان است؛ کسی که به ویرایش گونه‌های مختلف نوشتاری پرداخته است، از شعر گرفته تا داستان، نمایشنامه و کتاب‌های عامی چه در حوزه تالیف چه ترجمه. «فیل در خانه تاریک»، «گرگم و گله می‌برم»، «مسلسل چی‌ها»، «امیل و سه پسر دوقلو»، «دایره‌المعارف کوچک جانوران»... از جمله کتاب‌هایی‌اند که رجب‌زاده ویرایش کرده است.

وضعیت ویراستاری آثار ادبیات کودک و نوجوان را چگونه می‌بینید؟

به نظر من هنوز ویرایش در سرزمین ما، به لحاظ کیفی، آنچنان که باید و شاید رشد نکرده است. اگرچه در سال‌های اخیر، ناشران به اهمیت ویرایش و وجود ویراستاری پی برده‌اند اما ناشران فکر می‌کنند که ویرایش در روان و یکدست کردن متن خلاصه می‌شود به همین دلیل نشانه‌های سجاوندی و پاراگراف‌بندی را رعایت می‌کنند، بدون آن که زبان به کار رفته در هر اثر را با گروه سنی مخاطبان تطبیق دهند.

و رسیدن به این مرحله نیازمند تخصصی شدن ویرایش است؟

امروز همه چیز به سمت تخصصی شدن می‌رود از جمله ویراستاری به همین دلیل ویراستاران باید دانش خود را در یک یا چند زمینه افزایش دهند و تنها به یکسان کردن متن نپردازند.

دشواری ویراستاری آثار کودکان

دکتر قدمعلی سرامی، شاعر، نویسنده و پژوهشگر ادبیات کودک و نوجوان است که «صاف و ساده مثل آب»، «سیم‌غ و آفتاب»، «قالیچه سلیمون»، «پنج مقاله درباره ادبیات کودک»... از جمله اشعار، داستان‌ها و پژوهش‌های او در حوزه کودک و نوجوانند. از او درباره ویراستاری کتاب‌های کودک و نوجوان می‌پرسیم.



ضرورت ویراستاری آثار حوزه کودک و نوجوان تا چه اندازه است؟

ویراستاری کتاب‌های کودک و نوجوان، یکی از واجبات است چراکه بعضی نویسندگان این گروه سنی از دانش و تجربه کمتری برخوردارند و همین مساله ضرورت ویراستاری برای کودک و نوجوان را موجب می‌شود.

ساده‌انگاری ادبیات کودک تا چه اندازه موجب ویرایش نادرست کتاب‌های کودک یا عدم ویرایش آن می‌شود؟

هنوز برخی، ادبیات کودک و نوجوان را جدی نگرفته‌اند و آن را بسیار ساده تصور می‌کنند. هر کس فکر می‌کند با اندک دانشی می‌تواند برای کودکان بنویسد و کتاب ترجمه کند در صورتی که این گونه از ادبیات به معنای واقعی کلمه، سهل و ممتنع به نظر می‌رسد. به این معنی که نویسندگان و شاعران کودک و نوجوان باید با زبان و دنیای ذهنی این گروه سنی آشنا باشند و نیاز و خواسته‌شان را بشناسند و اینجاست که وجود ویراستاری که با دایره لغات کودکان و روحیه آنان آشنا باشد، ضروری به نظر می‌رسد.

آشنایی با زبان معیار تا چه اندازه به کار ویراستاران کودک و نوجوان می‌آید؟

شناخت زبان معیار و آشنا بودن با دایره لغات کودکان و نوجوانان یکی از ضروریات است. ویراستار کودک و نوجوان باید از واژگانی ساده و قابل فهم استفاده کند و به معنی کردن واژه‌های دشواری بپردازد که شاعر یا نویسنده در متن خود و به قصد آموزش، آن را به کار برده است. از سوی دیگر، هر قدر کودکان کوچک‌تر باشند، دایره واژگانی آنها محدودتر است و نوشتن برای آنها دشوارتر، اگرچه کار برای نوجوانان هم دشواری‌های خاص خود را دارد چراکه شاعر، نویسنده و ویراستار باید با زبان مخفی و ویژه‌ای هم که در سال‌های اخیر شکل گرفته و رواج یافته، آشنا باشد.

شناخت کتاب‌های درسی تا چه اندازه به کار ویراستاران می‌آید؟

این شناخت بسیار لازم و ضروری است چراکه کودکان زبان‌گفتاری - شنیداری رادر خانه و زبان نوشتاری - شنیداری رادر مدرسه می‌آموزند و لازم است که ویراستاران با دقت به مطالعه کتاب‌های درسی بپردازند تا با این زبان و دایره لغات کودک و نوجوان آشنا شوند اگرچه امروز تنها کتاب‌های درسی در آموزش واژگان تازه به بچه‌ها موثر نیستند و نمی‌توان تاثیر صداوسیما و اینترنت بر آنها نادیده گرفت.

اهمیت توجه به کتاب‌های درسی

فرهنگ گستر از جمله ناشرانی است که در زمینه کودک و نوجوان فعالیت می‌کند و تاکنون کتاب‌های بسیاری را برای این گروه سنی منتشر کرده است. با محسن مهرآبادی، مدیر انتشارات فرهنگ گستر درباره اهمیت ویرایش و نقش ویراستار به گفت‌وگو نشستیم.

به نظر می‌رسد هر کدام از ناشران، رسم‌الخط خاص خود را دارند، بدون این که پیرو مرکز نشر یا جهاد دانشگاهی باشند. درست است؟

شاید به این خاطر که هیچ کدام از این نهادها - نه فرهنگستان، نه مرکز نشر و نه جهاد - از الگوی واحدی پیروی نمی‌کنند، ضمن این که در ارتباط با کودکان و نوجوانان، کتاب‌های درسی از اهمیت بیشتری برخوردارند.

این توجه به این خاطر است که کتاب‌های درسی، جدی‌ترین کتاب‌هایی هستند که کودکان با آن سروکار دارند؟

نخستین و جدی‌ترین کتاب‌هایی که کودکان با آن روبه‌رو می‌شوند کتاب‌های درسی است، پس ما ناگزیریم که به ویرایش این گونه کتاب‌ها توجه کنیم. از سوی دیگر زمانی که کتاب‌های ما از روش ویرایش آموزش و پرورش پیروی کند می‌تواند به عنوان کتاب مکمل در مدارس معرفی شود.

شما به عنوان ناشر به ویرایش محتوای مطالب می‌پردازید یا تنها به یکسان کردن رسم‌الخط بسنده می‌کنید؟

ناشران به هیچ عنوان نمی‌توانند به ویرایش محتوایی آثار بپردازند، حتی در یکسان کردن رسم‌الخط و ساده نویسی هم باید ارتباط خوبی بین ویراستار و نویسنده وجود داشته باشد.

ویراستاران شما تا چه اندازه با سبک نویسنده‌های مختلف آشنا هستند؟

ترجیح بر این است که نویسندگان خود ویراستاری برای آثارشان معرفی کنند که با روحیه و سبک نگارش آنها آشناست. شاید سبک نویسنده این باشد که جای فعل و فاعل را عوض کند و لغات را درهم بریزد و این با یکسان و روان کردن جور در نمی‌آید.

ویراستاران به نویسندگان کم‌تجربه کمک می‌کنند

حسین فتاحی یکی دیگر از نویسندگان و ویراستاران کتاب کودک و نوجوان است که به تخصصی شدن و ویرایش کتاب‌های کودک و نوجوان باور دارد و فکر می‌کند ویرایش کتاب‌های این گروه سنی، مهم‌تر و ضروری‌تر از بزرگسالان است. از جمله آثار او می‌توان به «تکه‌ای از آسمان» و «زندانی قلعه هفت حصار» اشاره کرد.



چرا در باور شما، ویرایش برای کودکان ضروری‌تر از ویرایش کتاب‌های حوزه بزرگسال است؟

دایره واژگانی کودکان و درک و فهم آنها محدودتر از بزرگسالان است به همین دلیل ویراستاران باید از کلمات ساده و قابل فهم برای بچه‌ها استفاده

کنند. از سوی دیگر نویسندگان خلاق و توانا که کودکان و زبان و دنیای آنان را می‌شناسند، می‌توانند از واژه‌های کودکانه استفاده کنند و اثری خواندنی بیافرینند اما بعضی فکر می‌کنند ساده‌ترین کار، نوشتن برای بچه‌هاست از این رو، کارشان باید ویرایش شود، آن هم نه یک ویرایش ظاهری...

ویراستاران تا چه اندازه مجازند به ویرایش نوشته نویسندگان تازه‌کار بپردازند؟

ویراستاران خوب می‌توانند به کمک نویسندگان کم‌تجربه بیایند و حتی ساختار نوشته آنها را تغییر دهند و فصلی را کم یا اضافه کنند. البته همه این کارها باید با نظر نویسنده باشد. به عبارتی، ارتباط دوسویه نویسنده و ویراستار ضروری است.

و رسیدن به این مرحله چگونه میسر می‌شود؟

رسیدن به این مرحله نیازمند نگاه تخصصی به ویرایش و برآورده کردن نیاز مالی ویراستاران است.



علی هادیلو

«روشنفکری و روشن اندیشی در ایران» و «طالقانی از نگاهی دیگر» عنوان دو کتاب اسدالله بادامچیان اند که به تازگی از سوی انتشارات اندیشه ناب روانه بازار کتاب شده اند. بادامچیان در کتاب اول کوشیده است تا با نقد روشنفکری در ایران، به مبانی و خاستگاه فکری این جریان بپردازد. او با طرح دو واژه روشنفکری و روشن اندیشی، روشنفکرانی چون میرزا ملکم خان، تقی زاده، کسروی، فریدون آدمیت و... را در طیف روشنفکران خیانت پیشه دسته بندی می کند و در مقابل این دسته، از چهره هایی چون آیت الله طالقانی، شهید بهشتی، شهید رجایی، شهید مطهری و سید جمال الدین اسدآبادی به عنوان روشن اندیشان مستقل نام می برد که تحول فکری عظیمی در ایران پدید آوردند. بادامچیان، همچنین در کتاب «طالقانی از نگاهی دیگر» به ویژگی های آیت الله طالقانی از نگاه همفکران و دوستان او پرداخته است. در گفت و گویی دو ساعته با این نماینده مجلس شورای اسلامی در دفتر انتشارات اندیشه ناب، این دو کتاب را بررسی کرده ایم.

نویسنده «طالقانی از نگاهی دیگر»:

روشنفکر، در تعریف خود نیز سردرگم است

این سردرگمی به فقدان تئوری در روشنفکران برمی گردد یا به عدم مقبولیت آنها در میان مردم؟

برای پاسخ به این سوال باید تعاریف روشنفکران را بررسی کنیم. جلال آل احمد در تعریف روشنفکری می نویسد: «روشنفکر ترجمه کلمه منور الفکر دوران مشروطه است که آن هم از لغت فرانسوی «ecailles» یعنی روشن شدگان اقتباس شده و تقلیدی از پیشوایان اجتماعی قرن ۱۸ فرانسه است که قرن خود را قرن روشنایی نامیدند. بالاخره، مفهوم روشنفکر در جامعه ما یعنی کسی که در نظر و عمل به اسم برداشت علمی، اغلب برداشت استعماری دارد و در بند تن و شکم و تعصب نیست. لذا، متشروع که در بند تعبد است و نظامی که اطاعت کورکورانه دارد، روشنفکر نمی تواند باشند.» بنابراین می بینیم که خود روشنفکران هم نتوانسته اند تعریف درستی ارائه کنند، چرا که روشنفکران انسان هایی سردرگم اند. این مطلب را من نمی گویم بلکه خود روشنفکران به آن اذعان دارند. جوهر لعل نهرودر باره این سردرگمی سخنی می گوید که زیباترین تعریف از محصول روشنفکری است. او می گوید: «من آمیزه شگفت و کم نظیری میان شرق و غرب شده ام، هر دو جا صاحب مکان و هیچ جا در خانه، تصور من از زندگی، احیانا به آنچه که بینش غربی گفته می شود، شباهت دارد لیکن از طرف دیگر هند نیز با من از جهات بی شماری پیوندش ناگسستنی است در اعماق روح من، در بخشی از ضمیر باطن من، تذکارات قومیت، به وسیله صدها نسل از برهمنان، جایگزین و نقش پذیر شده است. من نه از زیر سلطه میراث گذشته و نه از پنجه نیروی سحر آمیز آنچه در غرب کسب کرده ام، می توانم خود را رهایی بخشم، آنها هر دو جزئی از من هستند و هر چند هم که مرا در شرق و غرب نیرو می دهند، لیکن در من تولید احساس تنهایی، نه فقط تنهایی در فعالیت عمومی، بلکه همچنان در زندگانی خصوصی من می نمایند. من در غرب بیگانه ای بیش نیستم و هیچ گاه نخواهم توانست جزئی از آن به شمار روم، ولی در وطن خود نیز، گاه خویشتر را به صورت یک مطرود و نفی شده احساس می کنم.» صمد بهرنگی نیز در تعریفی از روشنفکر به همین سردرگمی روشنفکران در جامعه مذهبی و ناگزیر بودن آنها در پیروی از برخی آداب مذهبی اشاره می کند. یعنی روشنفکری، به جای اینکه از روشنفکر، انسانی مستقل بسازد، فردی غرب زده می سازد که حتی در زندگی خصوصی خود دچار تناقض های گوناگونی است و هیچ آرامشی نیز ندارد.

ابهام در این واژه به نبود تعریف علمی از روشنفکری که دربرگیرنده ماهیت، اصول، روابط، ضوابط و برندهای این جریان باشد، برمی گردد. حتی خود روشنفکران در طول دو قرن نتوانستند تعریف درستی از روشنفکری عرضه کنند. اینکه آیا یک روحانی که درباره یک امر قدسی صحبت می کند یا توده های مردم، می توانند روشنفکر باشند؟ هیچ پاسخ روشنی ندارد چون طبق تعریف روشنفکران، روشنفکر فردی تحصیل کرده به حساب می آید که فرهنگ غرب را حفظ است. دکتر شریعتی تمثیل خوبی در این رابطه آورده و می گوید: «روشنفکرها در داخل برج عاج نشسته و از مردم فاصله گرفته اند و حتی خود را تافته جدا بافته می دانند.» اما یک دلیل دیگر که چرا تعریفی علمی از روشنفکری ارائه نشده، این است که آنها نخواستند، چون می دانستند اگر تعریفی از خود عرضه کنند، در میان مردم رسوا می شوند. تعاریفی هم که وجود دارد، تنها سردرگمی روشنفکران را نشان می دهد.



شهید رجایی، شهید مطهری، شهید بهشتی و آیت الله طالقانی که در حیات خود تحول فکری بزرگی آفریدند، مشخص می شود.

ابهامی که اغلب در تعریف روشنفکری وجود دارد، ناشی از چیست؟

ابهام در این واژه به نبود تعریف علمی از روشنفکری که دربرگیرنده ماهیت، اصول، روابط، ضوابط و برندهای این جریان باشد، برمی گردد. حتی خود روشنفکران در طول دو قرن نتوانستند تعریف درستی از روشنفکری عرضه کنند. اینکه آیا یک روحانی که درباره یک امر قدسی صحبت می کند یا توده های مردم، می توانند روشنفکر باشند؟ هیچ پاسخ روشنی ندارد چون طبق تعریف روشنفکران، روشنفکر فردی تحصیل کرده به حساب می آید که فرهنگ غرب را حفظ است. دکتر شریعتی تمثیل خوبی در این رابطه آورده و می گوید: «روشنفکرها در داخل برج عاج نشسته و از مردم فاصله گرفته اند و حتی خود را تافته جدا بافته می دانند.» اما یک دلیل دیگر که چرا تعریفی علمی از روشنفکری ارائه نشده، این است که آنها نخواستند، چون می دانستند اگر تعریفی از خود عرضه کنند، در میان مردم رسوا می شوند. تعاریفی هم که وجود دارد، تنها سردرگمی روشنفکران را نشان می دهد.

در نهضت امام خمینی (ره) نیز جریان روشنفکری نقشی نداشت. پس جریان روشنفکری نتوانست حکومت ایجاد کند. اگر روشنفکری نتوانسته تحولی ایجاد کند، پس چه نقشی دارد؟

روشنفکری دینی مفهومی است که به صاحب نظران دینی که به دنبال بازخوانی تازه از دین و تطبیق آن با نیازهای امروزی اند، اطلاق می شود، اما شما روشنفکری مذهبی را نیز رد می کنید. آیا روشنفکری با دینی بودن منافات دارد؟

اگر چه جریان روشنفکری انتلکتوئل فرانسوی ضد دینی و به این نتیجه رسیده بود که دین یک رابطه شخصی با خداست و به اجتماع کاری ندارد، اما این برداشت برای غربی ها خیلی مفید بود، چرا که آنها را از سلطه کلیسای قرون وسطی نجات داد، اما آیا روشنفکری با فرهنگ ما سازگار نیست و یک پدیده وارداتی است؟ مثلا می توان روشنفکری را با روشن

این جریان در خدمت مردم و انقلاب است یا در تقابل با آن؟ اگر این جریان یک پدیده نجسب و غیر مرتبط با نظام اسلامی است، که سرانجام آن را دور می اندازد، پس باید تحقیقات دامنه داری در شناخت این جریان صورت بگیرد تا در دهه سوم انقلاب اسلامی، نسل جوان که با تحصیلات دانشگاهی و حوزوی بالا، نسلی فرهیخته و صاحب اندیشه شده است، با این جریان آشنا شود. بر همین اساس بود که دید وسیع علمی و چارچوب دار، درباره جریان روشنفکری یک بحث روشنگرانه داشته باشم و در عین حال تحقیق بلندی نباشد تا توده مردم و تحصیل کرده ها وقتی برای مطالعه آن نداشته باشند. در این کتاب، روشنفکری و روشن اندیشی که واژه هایی مترادف اند به گونه ای تعریف شده اند که در تقابل با یکدیگر قرار گرفته اند. چه مولفه هایی این دو واژه را از یکدیگر جدا می کند؟

در این کتاب دو واژه روشنفکری برگرفته از انتلکتوئل فرانسوی و روشنفکری به معنای واقعی کلمه از هم جدا شده اند. این امر از یک سو برای روشن کردن جریان روشنفکری در ایران اعم از چپی یا لیبرالیست ها و از سوی دیگر، بها دادن به روشن اندیشان مستقل اسلامی صورت گرفته است. یعنی در یک طرف، یک جریان وارداتی که اسم خودش را روشنفکر گذاشته است، قرار دارد و در مقابل آن، طیف روشن اندیشان قرار دارند. این تقابل، تفاوت روشنفکر واقعی را با این جریان وارداتی غربی مشخص می کند و خط بطلانی است بر گفته های کسانی که ادعا می کنند، اندیشه روشن برای بازگشت به اسلام راستین سید جمال الدین اسدآبادی. که تحول عمیقی در دنیای آن روز ایجاد کرد. برخاسته از روشنفکری غربی است. بنابراین در این کتاب، تفاوت روشنفکران انتلکتوئل مثل ملکم خان، تقی زاده، سید ضیاء الدین طباطبایی، فریدون آدمیت، فتحعلی آخوندزاده، احمد کسروی و عبدالکریم سروش با روشن اندیشانی چون سید جمال الدین، شیخ فضل الله نوری، شهید مدرس،

روشنفکری، مانند واژه توده، معنایی دو وجهی دارد و همانطور که توده در تفکر لیبرالیستی و امپریالیستی به معنای گروهی بی سرو پا و بی سواد و در تفکر مارکسیستی موتور محرکه انقلاب تلقی می شود، روشنفکری نیز گاه به معنای فردی آگاه و متفکر و گاه به معنای فردی بی دین و غرب زده معرفی می شود. این برداشت دوگانه ناشی از چیست؟

ابتدا برای روشن شدن این موضوع باید به هدفم از تالیف این کتاب اشاره کنم. جریان روشنفکری در کشور ما جریانی تاثیر گذار است که البته از بطن مردم و ملت نجوشیده است بلکه جریانی وارداتی است که از غرب به ایران وارد شده و کسانی هم که سعی در گسترش آن داشتند و دارند، اعتراف می کنند که از کلمه «انتلکتوئل» فرانسوی گرفته شده و معنای روشن شدن می دهد. این واژه همان «منور الفکر» دوره مشروطه است که بعدها به فارسی «روشنفکر» خوانده شد، اما در غرب به معنای منورالفکر و روشنفکر نیست بلکه به معنای تجدید نظر کننده (آن هم تجدید نظری که از روشنایی برمی خیزد) است. این جریان فراز و نشیب عجیبی داشته است. اینکه آیا روشنفکری در ایران یک نیاز است یا پدیده وارداتی در جهت اهداف استعماری غرب؟ سوال بسیار مهمی است. آیا روشنفکران، خادم ایرانی قلمداد می شوند یا خائن؟ مرحوم آل احمد در پاسخ به این پرسش ها کتاب «در خدمت و خیانت روشنفکران» نوشت: روشنفکرها هم خدمت کردند و هم خیانت. اصلا چرا چنین تلقی ای از این جریان شکل گرفته است؟ و آیا این جریان توانست با جلب اعتماد مردم، جامعه سازی کند؟ همانطور که تجربه نشان داده آنها در این هدف نیز ناکام بودند. در نهضت تنباکو، رهبری قیام رارو حائیان به عهده داشتند و روشنفکران درباری در این ماجرا عاقد و حامی امتیاز تنباکو بودند اما انقلاب مشروطه برخاسته از نهضت عدالت خواهانه ملت ایران بود و روشنفکران در آن نقشی نداشتند. این جریان در مشروطه سه دسته اند، یک دسته روشنفکران غربگرا بودند که دیدگاه های غرب را مطرح می کردند، یک دسته روشنفکران چپ گرا بودند که آرمان شان تحقق حکومت کمونیستی بود و دسته دیگر نیز مدعی بودند که عضو یک جریان ایرانی و ملی اصیل هستند. در جریان نهضت جنگل هم، روشنفکران اعم از چپ و غرب گرا جز خیانت کاری نکردند. در جریان ملی شدن صنعت نفت نیز آیت الله کاشانی رهبر نهضت بود و بعد دکتر مصدق اضافه و مدعی شد که پیشوای ملی است. در قیام ۳۰ تیر، کاشانی مردم را به قیام دعوت کرد و نهضت با مجاهدت او پیروز شد، اما یاران مصدق او را منزوی کردند. حتی زمانی که شب ۲۸ مرداد نامه ای به مصدق نوشت، مصدق پاسخ روشنفکرانه داد که متکی به پشتیبانی ملت است اما در عمل هیچ کاری هم نکرد و در نهایت شکست خورد. در نهضت امام خمینی (ره) نیز جریان روشنفکری نقشی نداشت. پس جریان روشنفکری نتوانست حکومت ایجاد کند. اگر روشنفکری نتوانسته تحولی ایجاد کند، پس چه نقشی دارد؟ آیا امروز که جمهوری اسلامی ثبات یافته و یک نظام ولایی است، جریان روشنفکری جایگاهی در ایران دارد؟ اگر جایگاهی دارد، آیا دیدگاه

دینی و روشن اندیش است، سمبل روشنفکری نشان دهند. بنده در این کتاب در پی روشن ساختن ابعاد این تحریف تاریخی و نشان دادن چهره واقعی طالقانی هستم. درباره محبوبیت طالقانی هم باید بگویم که عوامل مختلفی دارد؛ یک علتش این بود که ایشان سیاست همراهی با همه را داشت و از آغاز نهضت ملی شدن صنعت نفت هم با کاشانی، هم با مصدق و هم با فداییان اسلام ارتباط داشت اما با آنکه برخی روحانیان مصدقی شدند او مصدقی نشد، ولی با او همکاری داشت. در کنار آن با فداییان اسلام نیز همراه بود. در حالی که فداییان با کاشانی و مصدق همراه نبودند. حتی طالقانی بعد از کودتای ۲۸ مرداد اعضای فداییان اسلام را در خانه اش پنهان کرد. پس او شخصی جامع نگر بود که هر سه جبهه به او احترام می گذاشتند، بعد هم که نهضت امام شروع شد، طالقانی همراه امام در نهضت بود. در این نهضت نیز گروه های مختلفی با آنکه با نهضت همراه نبودند، اما با طالقانی همکاری می کردند، عامل دیگری که طالقانی را در کانون توجه قرار می داد، این بود این گروه ها به طالقانی نیاز داشتند، به عنوان مثال جبهه ملی و نهضت آزادی با آنکه اعتقادی به طالقانی نداشتند و هر یک رهبران خود را داشتند اما برای دنبال کردن فعالیت خود به یک روحانی نیاز داشتند و آیت الله طالقانی به دلیل موقعیت مناسب و شخصیتی که داشت، بهترین فرد برای آنها بود.

روشنفکری را غرب زده می خوانند، اما وقتی می خواست تحلیل جامعه شناسانه کند، تحلیل هایش در چارچوب تفکرات غربی بود. حتی او در تحلیلش از قیام حضرت امام (ره) به عنوان فقیه و نایب امام زمان (عج) که برای خدا قیام کرده بود، برداشتی چپی داشت و امام خمینی (ره) را نوعی مدافع بورژوازی ملی یعنی سرمایه داری ملی می دانست که برای حمایت از منافع این سرمایه داران ملی در مقابل انحصارهای بین المللی به پا خاسته است و قیام اصلی ایشان هم در همین حمایت از سرمایه داران علیه کاپیتولاسیون آمریکایی است. شریعتی نیز با آنکه رنسانس رایک دروغ بزرگ می خواند و تحلیل زیبایی از این قضیه داشت، اما تحلیلش، تحلیل سوسیالیستی بود. یا در کتاب «حسین وارث آدم» او خیلی خوب شروع کرد اما در ادامه مطلبی گفت که همان مانیفست مارکس است که به شکل اسلامی بیان شده است. اما با همه اینها، این دو چهره برجسته در شکست بت روشنفکری جایگاه والایی دارند اما اشتباهاتی نیز داشتند که نسل جوان ما نباید گرفتار این اشتباه ها شود.

همانطور که در کتاب «طالقانی از نگاهی دیگر» آمده، آیت الله طالقانی حلقه اتصال جریان های مختلفی بود. چه ویژگی هایی موجب نزدیکی این طیف ها به ایشان می شد؟

از مشکلاتی که در هر کشوری وجود دارد، تحریف چهره های اسطوره ای آن است. امروزه یکی از مصداق های تهاجم فرهنگی غرب، تحریف اسطوره های کشورهای دیگر است. آنها با تحریف اسطوره های کشورهای دیگر در پی رسیدن به مقاصد سیاسی خودند. در کشور ما نیز شخصیت های برجسته ای چون امام خمینی (ره)، شهید رجایی، شهید مطهری و آیت الله طالقانی اسطوره های تاریخ ساز این انقلابند. در چند سال گذشته، برخی از روزنامه های روشنفکری با تحریف چهره این اسطوره ها در پی رسیدن به مطامع گروهی خود بوده اند. آنها می کوشند تا طالقانی را که شخصیتی

باشند؛ طبقه ای از اشخاص که از لحاظ خون و رنگ هندی، ولی از جهت ذوق، عقیده، اخلاق، هوش و فکر انگلیسی باشند.» این شیوه قبل از انقلاب در ایران پیاده شد و جوانان ایرانی را به خودباختگی در برابر جوانان غربی مبتلا کرد و می خواست هویت ملی انسانی و مذهبی را از بین ببرد به طوری که هنرمندان غربی الگوی مردان و هنرپیشه های زن غربی، الگوی زنان ایرانی بودند. جلال آل احمد درباره این وضعیت می گوید: «روشنفکر در ایران کسی است که در نظر و عمل به اسم برداشت علمی، اغلب برداشت استعماری دارد یعنی از علم و دموکراسی و آزاد اندیشی در محیطی حرف می زند که علم جدید در آن هنوز پا نگرفته است و مردم بومی «دموس اش» را نمی شناسد تا ایشان را لایق دموکراسی بدانند و آزاد اندیشی را هم نه در قبال حکومت هابلکه فقط در قبال بنیادهای سنتی (مذهب، زبان، تاریخ، اخلاق و آداب) اعمال می کند، چون به کار انداختن آزاد اندیشی در قبال حکومت و بنیادهای استعماری و نیمه استعماری اش (به دلیل وجود سانسور) دشوار است و از همین جا، کسروی شدن ها و بعد تکفیر روحانیت و بعد بی اثر ماندن روشنفکر در اجتماع برمی خیزد.» پس این جریان با آنکه ده درصد خدمت کرد اما در عوض انسان هایی پدید آورد که به قول دکتر شریعتی، انسانی الینه شده و به گفته شهید مطهری استعجاب (یعنی مثل خرگوشی که در برابر شیر، ترس و رعب او را از بین برده است) بود.

در این کتاب از دیدگاه های جلال آل احمد و دکتر شریعتی در نقد روشنفکری استفاده شده است، اما درباره جایگاه آنها در میان روشنفکران صحبت نشده. پس اگر این دو، روشنفکر نیستند به چه طیفی تعلق دارند؟

بزرگ ترین آسیب روشنفکری برای روشنفکرانی که می خواستند مستقل باشند، این بود که به دلیل رسوب تفکرات غربی در ذهن آنها، نتوانستند از چنبره این تفکرات خارج شوند، مثلاً آل احمد

اندیشی کسی مانند طالقانی همخوان دانست؟ طالقانی معتقد بود که دین اسلام اداره کننده خانواده، محله، شهر، اجتماع و حتی جهان است، در حالی که روشنفکری انتلکتوئل یک روشنفکری محدود، بسته، غیردینی و غیر ملی است. پس چیزی به نام روشنفکری ایرانی و حتی دینی وجود ندارد. جریان روشنفکری، برخاسته از دین و فرهنگ ایرانی نیست و اگر از باب تساهل و تسامح به برخی از افراد، روشنفکر دینی گفته شده، به این دلیل است که در میان آنها انسان های خوبی هم پیدا می شوند. بنابراین روشنفکر دینی نداریم و نباید این جریان با روشن اندیشی خلط شود. در این کتاب کوشش کرده ام که میان این دو مرزی ایجاد کنم.

روشنفکری در ایران با آنکه متأثر از غرب بود، اما از طرف کسانی مطرح شد که در پی جستجوی پاسخ به این سوال بودند که چرا تمدن اسلامی با همه عظمتش از کاروان علم و دانش عقب ماند، در حالی که غرب پس از دوره طولانی رخوت و عقب ماندگی به پیشرفت رسید. اما این تلاش برای ایجاد تحول توانست به نتیجه درستی برسد؟ چرا این تلاش به ثمر نرسید؟

روشنفکری در گذشته تاثیر گذار بود و با همه خیانتی که داشت، خدمتی اگر چه اندک هم داشت. اما باید ببینیم که نتیجه روشنفکری چیست تا در یابیم که روشنفکری چه دستاوردی داشته است؟ ژان پل سارتر فرانسوی می نویسد: «نخبگان اروپا به ساختن و پرداختن بومیان نخبه دست یازیدند، جوانان را برگزیدند و داغ اصول فرهنگ و تمدن غربی را بر پیشانی آنها زدند و دهانشان را از حرف های گنده خمیر مانند و دندان چسب، پر کردند و پس از یک اقامت کوتاه در متروپل (مرکزیت استعمارگر) قلب شده روانه وطنشان نمودند.» این سخن سارتر در اظهارات لرد مک ولای انگلیسی به خوبی مشهود است. او می گوید: «ما باید حداکثر کوشش خود را به کار ببریم تا طبقه ای به وجود آید که بین ما و میلیون ها افرادی که بر آنها حکومت می کنیم مترجم

تصحیح

در شماره قبل کتاب هفته در گفت و گویی که از دکتر محمد صنعتی با تیتیر «پشت کردن به زندگی کفران نعمت است» به چاپ رسید برخی اغلاط تایپی تصحیح نشده بودند از جمله؛ بیکن به اشتباه بیکنسن، سیسرو، سیرو و مقاله «فراسوی اصل لذت» مقاله «فرانسوی اهل لذت» آمده بود که به این وسیله اصلاح می شود.

کتاب هفته

پست جواب قبول

هزینه پستی براساس قرارداد شماره ۹۵ - ۱۳۱۸۹ پرداخت شده است

خانه کتاب ایران
نشریه کتاب هفته
صندوق پستی: ۳۱۳ - ۱۳۱۴۵

نظرسنجی از خوانندگان

محل چسباندن لبه کاغذ

کتاب هفته، با هدف رسیدن به انتظارات و کسب رضایت هر چه بیشتر شما مخاطبان و خوانندگان گرامی نیازمند آگاهی از نظرات شماست. لطفاً، پس از تکمیل فرم نظرسنجی پشت صفحه، برگه را از نشریه جدا کرده و پس از تا کردن از محل نقطه چین، لبه های آن را بچسبانید و بدون تمبر در صندوق پستی ببندازید.



باسمه تعالی

فراخوان دهمین دوره جایزه کتاب فصل

دیرینه خانه جایزه کتاب فصل به منظور حمایت از کتاب های برتر و تشویق محققان، مؤلفان، مترجمان و مصححان متعهد و شایسته کشور و برای ارتقای فرهنگ و دانش و پیشبرد فرهنگ کتابخوانی در کشور، دهمین دوره جایزه کتاب فصل (تابستان ۱۳۸۸) را برگزار می کند. از ناشران، مؤلفان، مترجمان و مصححان محترم دعوت می شود آثار خود را که برای نخستین بار در تابستان ۱۳۸۸ منتشر شده است، به دبیرخانه این جایزه ارسال نمایند.

مهلت ارسال آثار: پانزدهم مهر ماه ۱۳۸۸

نشانی دبیرخانه: خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان برادران مظفر و فلسطين جنوبی، شماره ۹۵۹۰، مؤسسه خانه کتاب، طبقه ۲-۱، دبیرخانه جایزه کتاب فصل

تلفن: ۹۹۴۹۲۱۹ | فکس: ۶۶۴۶۲۱۸



کتابداران و ضرورتی به نام آموزش اطلاع رسانی

شما کتابداران و همکارانتان از خدماتی که در این کتابخانه دیجیتال ارائه می شود، بهره مند شوید.

دکتر رکنی استفاده از خدمات الکترونیکی در کتابخانه ها را از مباحث مرتبط با توسعه عنوان کرد و در این باره گفت: «به نظر من در عصر حاضر که درباره توسعه صحبت می شود، توسعه نیروهای انسانی از جایگاه ویژه ای برخوردار است. در توسعه انسانی نیز اطلاع رسانی و آشنایی با مسائل روز دنیا حرف اول را می زند که کتابخانه ها باید برای آن اهمیت خاصی قائل باشند. کتابخانه ها در ایران برای ورود به چنین مبحثی ابتدا کامپیوتر را وارد مجموعه هایشان کرده و سپس به ایجاد ارتباط اینترنتی با کاربران خود پرداخته اند. شاید این کار به عنوان زیرساختی برای اقدامات گسترده تر ارزشمند باشد، اما کافی نیست. مرحله دوم بحث های خدمات الکترونیکی است که کتابداران می توانند در کتابخانه های خود ارائه دهند. البته رسیدن به این مرحله هم اصلا سخت نیست و با وجود فناوری های نوین اطلاعاتی، بسیار سریع فراهم خواهد شد. خوب است بدانیم دنیا از این دو مرحله عبور کرده و وارد بحث های اقتصادی شده است. آنها امروز فکر می کنند چگونه می توان با استفاده از IT به ارزش افزوده برای توسعه اقتصادی دسترسی یافت.»

وی در پایان افزود: «امیدوارم شما که همه از اعضای اطلاع رسانی و IT در کتابخانه هایید، با یکدیگر به داد و ستد اطلاعاتی و الکترونیکی با کمک پورتال های اینترنتی دسترسی یابید و به این وسیله اهمیت استفاده از فناوری های نوین اطلاعاتی را به مسوولان خود نیز یادآوری کنید.»

گسترش فرهنگ اطلاع رسانی در وزارت جهاد کشاورزی

در ادامه این جلسه، دکتر محسن حاجی زین العابدینی، معاون تحقیق و توسعه مرکز اطلاعات و مدارک علمی کشاورزی، با اشاره به آغاز کار شورای سیاستگذاری اطلاع رسانی و فناوری اطلاعات سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی در نیمه دوم سال گذشته، گفت: «این شورا با هدف گسترش فرهنگ اطلاع رسانی در وزارت جهاد کشاورزی با آموزش علمی به کارکنان واحدهای تابعه سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی شروع به کار کرده است که امروز شاهد برگزاری هشتمین جلسه آنیم. در چنین جلساتی، اعضای شورا برای رسیدن به این هدف مهم، درباره برنامه ها و فعالیت های اطلاع رسانی و فناوری اطلاعات در یک شکل متمرکز برای سازمان، هم اندیشی می کنند.»

وی این شورا را شامل دو کارگروه دانست و افزود: «اطلاع رسانی و فناوری اطلاعات از کارگروه های شورای سیاستگذاری اطلاع رسانی و فناوری اطلاعات که در هر یک از آنها یک نماینده از هر موسسه تابعه وزارت جهاد کشاورزی فعالیت می کند. این نمایندگان در جلساتی با موضوع های مشخص به تبادل نظر پرداخته و در انتهای جلسه دستاوردهای آنان مکتوب می شود.»



سیاستگذاری اطلاع رسانی و فناوری اطلاعات با موضوع بررسی سیاست های آموزش اطلاع رسانی و فناوری اطلاعات در موسسه آموزش عالی علمی - کاربردی وزارت جهاد کشاورزی پیرو چنین ضرورتی برگزار شد.

رقابت شدید میان

کشورهای توسعه یافته

دکتر حسن رکنی معاون آموزشی و دانشجویی این موسسه از رقابتی که کشورها در ارائه خدمات الکترونیکی با یکدیگر دارند، سخن گفت و اظهار داشت: «در رده بندی کشورها بر اساس خدمات الکترونیکی که به شهروندان ارائه می دهند، سوئد رتبه اول، دانمارک رتبه دوم، نروژ رتبه سوم و آمریکا رتبه چهارم را دارد. تفاوت این کشورها در رتبه هایشان با یکدیگر شاید تنها یک صدم درصد باشد. چنین روندی نشان می دهد که رقابت شدیدی میان کشورهای توسعه یافته در استفاده از فناوری اطلاعات و ارائه خدمات الکترونیکی وجود دارد. متأسفانه ایران در بین ۵۰ کشور اول وجود ندارد و این مساله ضرورت بحث درباره آموزش موضوع های اطلاع رسانی و فناوری اطلاعات را بازگو می کند.»

وی که در جمع اعضای شورای سیاستگذاری اطلاع رسانی و فناوری اطلاعات و متخصصان علوم کتابداری و اطلاع رسانی سخن می گفت افزود: «باید درباره اهمیت جایگاه استفاده از «IT» فناوری اطلاعات در امور کتابداری و اطلاع رسانی با اعضای هیات علمی خود صحبت کنید و از مسوولان و معاونان مربوطه در سازمان هایتان بخواهید که امکانات لازم را برای استفاده از فناوری های نوین اطلاعاتی در اختیار شما قرار دهند.»

دکتر رکنی همچنین از ایجاد کتابخانه دیجیتال در سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی پیرو ارائه خدمات الکترونیکی به کاربران خبر داد و به حاضران گفت: «طبق آخرین اطلاعات، سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی، کتابخانه دیجیتالی را فعال کرده است که ۷/۵ میلیارد تومان ارزش مالی دارد. چنین هزینه گزافی در سیستم نرم افزار کتابخانه سازمان پرداخت شده است تا

آنها، به شیوه سنتی و با سرعت بسیار پایین به کاربران خدمات ارائه می دهند. وجود چنین مشکلاتی تشکیل جلسات آموزش اطلاع رسانی با شیوه نوین را برای کتابداران ضرورتی ساخته است که این روزها در گوشه و کنار شاهد برگزاری آنهایم. در این راستا، هشتمین جلسه شورای

ارائه خدمات الکترونیکی از خصوصیات بارز دولت ها در شهرهای الکترونیکی است و کشورها برای ایجاد چنین شهرهایی با یکدیگر رقابت می کنند. کارشناسان معتقدند امروزه که فناوری اطلاعات جایگاه ویژه ای یافته است، شهروندان باید بتوانند بدون اتلاف وقت، از منزل یا محل کار خود بدون مراجعه فیزیکی، فعالیت های روزمره بانکی و اداری خود را انجام دهند.

یکی دیگر از خدماتی که در شهرهای الکترونیکی به شهروندان ارائه می شود، اطلاع رسانی با کمک فناوری اطلاعات و ارتباطات در کتابخانه های عمومی و تخصصی است. پیرو توسعه شهرهای الکترونیک و ورود کامپیوتر به کتابخانه ها، اطلاع رسانی در آنها با تغییرات جدی روبه رو شده است. این تغییرات امور کتابخانه ای شامل رده بندی، سازماندهی و امانت منابع اطلاعاتی را تحت تاثیر قرار داده و کتابداران را با شیوه های نوین اطلاع رسانی مواجه ساخته است، اما برخلاف روند رو به رشد خدمات اطلاعاتی الکترونیکی، فرهنگ استفاده از این خدمات و منابع الکترونیکی کتابخانه ها در ایران جا نیفتاده است. همچنان در دانشگاه ها و مراکز علمی - تخصصی شاهد کتابخانه هایی هستیم که با وجود کامپیوتر در

خواننده گرامی
با سلام
با دریافت نظرات شما در فرم زیر، بی تردید بر کیفیت نشریه خواهیم افزود. کتاب هفته را از برکت نظرات و پیشنهادات خود بهره مند کنید.

ردیف	عنوان	وضعیت			
		ضعیف	متوسط	خوب	عالی
		۵	۱۰	۱۵	۲۰
۱	شیوایی مطالب				
۲	جدید بودن مطالب				
۳	پرمحتوا بودن مقالات				
۴	نحوه اطلاع رسانی در مورد کتاب های جدید				
۵	نحوه اطلاع رسانی در حوزه کتاب				
۶	کیفیت طراحی و صفحه آرایی				
۷	کیفیت چاپ				
۸	قیمت				
۹	در دسترس بودن				

چنانچه شاهد برخی کمبودها در این رابطه بوده اید، لطفا موارد آن را بیان کنید:

نکات مثبت و ویژه ای که در این رابطه مورد توجه شما قرار گرفته و مایل به حفظ و تداوم آن هستید را بیان کنید:

سایر موارد:

تکمیل کننده:

تاریخ: امضاء:

«درآمدی بر فلسفه و ادبیات» اثر اوله مارتین اسکیلز

تقابل تاریخی فلسفه و ادبیات در یک کتاب



متن و «درآمدی بر تحلیل ساختاری روایت‌ها» و «درجه صفر نوشتار» و «عناصر نشانه‌شناسی» و «نقد و حقیقت» رولان بارت، «پیش درآمدی بر نظریه ادبی» تری ایگلتن، «تاریخ نقد جدید» و «نظریه ادبیات» رنه ولک، «پیش درآمدی بر مطالعه نظریه ادبی» و «درآمدی بر پژوهش نظریه ادبی» راجر وبستر، «درآمدی تاریخی بر نظریه ادبی از افلاطون تا بارت» و «فلسفه ساختارگرایی و پساساختارگرایی» ریچارد هارلند، «راهنمایی نظریه ادبی معاصر» و «نظریه ادبی و نقد عملی» امان سلدن، «مبانی نظریه ادبی» یوهانس ویلم برتنس و «نظریه ادبی» جانان کالر، تنها شماری از کتاب‌هایی‌اند که طی دو هفته گذشته در ایران منتشر شده‌اند و بنا به دگرگونی‌های بنیانی در رهیافت‌های ادبی نیم قرن گذشته، همگی ناچار از پرداختن به آرای فلاسفه از افلاطون تا متأخرترین آنها بوده‌اند. اما این که بحث محوری یک استاد فلسفه در نزدیک به ۳۰۰ صفحه، تنها بررسی رابطه فلسفه و ادبیات باشد، برای نشر ایران اتفاق تازه‌ای است.

آنچه باز هم این کتاب راز سایر آثار مشابه متمایز می‌کند تحصیلات فلسفی نویسنده و استادی او در این رشته است. این امر به کتاب صبغه‌ای اصولاً فلسفی بخشیده. در جای جای استدلال‌های ظریف نویسنده، تساهلی عمیق که برآمده از تعلق خاطر فلسفی به حقیقت است، مشخص است؛ تعلق خاطر که با این باور تغذیه می‌شود که هیچ کس هرگز نمی‌تواند در مواجهه با چنین تقابلی‌هایی رای به برحق بودن یک طرف، حتی به گونه‌ای نسبی بدهد. او با آگاهی از همین امر است که در جایی از صبغه ادبی بسیاری از آثار افلاطون سخن می‌گوید و تأکید می‌کند که افلاطون از اربابان همان گونه‌های ادبی بوده که خود سخن از طرد آنها از مدینه فاضله‌اش رانده است و در جای دیگر به آثاری چون «خاطرات اغواگر» سورن کرکه گور، «چنین گفت زرتشت» نیچه و «اعترافات» سن آگوستین اشاره می‌کند که به قول خودش، در قالب شیوه‌های صناعی متنوع و با سبک‌هایی متفاوت از قاموس نوشتارهای فلسفی نوشته شده‌اند. مارتین اسکیلز (نویسنده) که نوشته‌های ادبی فیلسوفان آگزیستانسیالیست فرانسه چون آلبر کامو و سارتر را مصداق عبور از مرزهای فلسفی می‌داند، سوی مقابل ماجرا را نیز گوشزد می‌کند. یعنی آنجا که نویسنده‌ای چون آپریس مرداک انگلیسی، فیلسوفی برجسته نیز هست و تأکید می‌کند: «تلاش برخی فیلسوفان برای تبیین برخی از مسائل مهم فلسفی به نوشتن رمان انجامیده است؛ چرا که

تقابل دو جزئی، مفهومی بود که نخستین بار توسط ساختارگرایان معرفی شد و سپس دریدا آن را وام گرفت و از رهگذرش به نقد اندیشه متافیزیکی غرب پرداخت. دریدا از تقابلی‌هایی چون «خوب/بد»، «زشت/زیبا»، «راست/فرب» و به ویژه از دو تقابلی «حضور/غیاب» و «نوشتار/گفتار» یاد می‌کند و تأکید دارد که برتری دادن یکی از این دو سوی تقابلی به سوی دیگر، کاملاً اختیاری و قراردادی است و می‌توان با وارونه کردن چنین برتری‌هایی یعنی با رجحان دادن سوی دیگر به این سو، نشان داد که چنین تقابلی‌هایی اصولاً بنیانی سست دارند و با واژگون ساختن این ساختارهای سلسله مراتبی که قرن‌ها تفکر غرب را بر مبنای خود شکل داده‌اند، به نگاه و بصیرت‌هایی تازه درباره زبان و زندگی دست یافت.

«درآمدی بر فلسفه و ادبیات» دست روی یکی از همین تقابلی‌های دو جزئی گذارده است. این کتاب در سال جاری با ترجمه مرتضی نادری دره شوری از سوی نشر اختران منتشر شده است.

نویسنده، اوله مارتین اسکیلز، استاد ارشد گروه فلسفه دانشگاه برگن در نروژ است. وی درباره تقابلی دو جزئی «فلسفه/ادبیات» بحث می‌کند و با تشریح آرای فلاسفه و دست‌اندرکاران ادبی، نگاهی گسترده به هر دو سوی این تقابلی دارد. وی موارد بهره‌گیری هر یک از دست‌اندرکاران این دو حوزه را از فنون و راهبردهای دست‌اندرکاران حوزه مقابل به بحث می‌گذارد و در این راستا، چون بسیاری از نویسندگان دیگر، کتاب‌های نقد و نظریه ادبی، که این کتاب را نیز به نوعی می‌توان متعلق به همین دسته آثار دانست، از بررسی آثار افلاطون آغاز می‌کند. تأکید او در این بحث بر رساله فایدروس است که به شکلی هوشمندانه انتخاب شده؛ چرا که در این رساله افلاطون ماجرای رویارویی سقراط را به عنوان نماینده حوزه فلسفه با فایدروس به عنوان نماینده فنون بلاغت سوسفطایی؛ یا به عنوان نماینده ادبیات آن روزگار، روایت می‌کند. نویسنده در ادامه به دو رساله دیگر افلاطون؛ ایون و جمهوری می‌پردازد و سپس از نظرات ارسطو در این باره سخن می‌گوید. فصل‌های بعد به مباحثی چون تعریف ادبیات و ضرورت تعریف آن، نظریه‌های برون‌گرا و درون‌گرا در ادبیات، شباهت‌های خانوادگی در گونه‌های مختلف ادبی و لزوم شناسایی این وجوه شباهت، نظریه استین هائوگوم اولسن، بارت و مرگ مولف، هرمنوتیک و تفسیر، نظرات گادامر، ماهیت تفسیر، پاره‌های نظریات ویتگنشتاین و کواین و نیز پاره‌ای نظرات مارتانو سبام و استنلی کاول اختصاص دارد. واضح است که این حجم مطالب برای یک کتاب شاید کمی زیاد به نظر برسد ولی باید دید آیا خواننده ایرانی در مواجهه با چنین متنی و پس از غور و بررسی کافی، می‌تواند به آن میزان روشنی از بحث که مورد نظر نویسنده است دست یابد یا خیر؟

ذکر این نکته لازم است که مبحث اصلی مدنظر نویسنده در «درآمدی بر فلسفه و ادبیات» به طور خاص تاکنون به بحث محوری آثاری که در ایران منتشر شده‌اند، تبدیل نشده بود. این کتاب نخستین اثری است که با تفصیلی موشکافانه دو سوی این تقابلی دو جزئی را بررسی می‌کند و دیدگاهی نسبتاً جامع درباره آرای متخصصان هر دو حوزه درباره آن ارائه می‌دهد. بنابراین، «درآمدی بر فلسفه و ادبیات» صرفاً از همین نظر، کتابی درخور است. شکی نیست که رابطه بین فلسفه و ادبیات و چگونگی تأثیرپذیری‌های فلسفه از آثار ادبی و بالعکس، در کتاب‌های بسیاری بررسی شده. آثاری چون «الذت



نگاهی به آثار فارسی حوزه نظریه ادبی

نزدیک به دو دهه است که انتشار کتاب‌هایی (عموماً ترجمه) در حوزه نقد و نظریه ادبی در ایران شدت گرفته است. دو دهه پیش، یعنی اواخر دهه ۶۰ خورشیدی، مقارن بود با دوران شعری ساده و تصویرگرا که کمتر در بین تولیداتش نشانی از شاهکار و اثر بزرگ به چشم می‌خورد؛ ولی در حوزه داستان، در دهه ۶۰ آثاری پدید آمدند که هنوز از بهترین‌های داستان معاصر ما محسوب می‌شوند. البته قصد این نوشته، تنها نگاهی است به مهم‌ترین آثاری که در حوزه نظریه ادبی در طول دو دهه گذشته منتشر شده‌اند. ولی باید توجه داشت که ریشه‌های اجتماعی، سیاسی و ادبی که به ایجاد اشتیاقی در جامعه ادبی کشور برای مطالعه تئوری‌های مدرن منجر شد، خود موضوع مطالعه و تحقیقی مستقل می‌تواند باشد.

شاید مهم‌ترین اثری که طی این مدت در حوزه نظریه ادبی منتشر شده، مجموعه عظیم «تاریخ نقد جدید» رنه ولک با ترجمه سعید ارباب شیرانی باشد. این مجموعه که مجلدات آن طی بازه‌ای بیشتر از ده سال و به تدریج منتشر شد، کل تاریخ نقد ادبی مدرن را دربرمی‌گیرد. ولک خود از بزرگ‌ترین استادان نقد و نظریه ادبی در آمریکا بود که در سال ۱۹۹۵ در دنیا رفت. نویسنده در این کتاب در تشریح تاریخ نقد، زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی موثر در شکل‌گیری هر یک از مکاتب را نیز بررسی می‌کند.

کتاب دیگر، «پیش درآمدی بر نظریه ادبی» ترنس فرانسیس ایگلتن (معروف به تری ایگلتن) انگلیسی با ترجمه عباس مخبر است. این کتاب از این حیث که ایگلتن یکی از بزرگ‌ترین نظریه‌پردازان ادبی و نیز جامعه‌شناسی بنام است، جایگاه خاصی را بین همه کتاب‌های این حوزه به خود اختصاص داد.

ریچارد هارلند، امان سلدن، جانان کالر، ایرناریما مکاریک و یوهانس ویلم برتنس چند تن دیگر از نویسندگانی‌اند که آثارشان در حوزه نقد و نظریه ادبی در ایران با اقبال مواجه شده‌اند. هارلند با دو کتاب شناخته می‌شود؛ نخست «درآمدی تاریخی بر نظریه ادبی» با ترجمه گروه ترجمه شیراز زیر نظر شاپور جورکش و دیگری، «ابر ساختارگرایی: فلسفه ساختارگرایی و پساساختارگرایی» با ترجمه فرزانه سجودی. از سلدن نیز دو کتاب «راهنمای نظریه ادبی معاصر» و «نظریه ادبی و نقد عملی» به ویژه شایسته توجهند. «دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر» تألیف ایرناریما مکاریک با ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی، دیگر کتابی است که در این حوزه به چاپ رسیده البته تعداد این کتاب‌ها بسیار بیشتر از اینهاست.

تب نظریه‌ای از اوایل دهه هفتاد، جامعه ادبی ایران را فراگرفت. اگرچه شاید این تب دوران سوزان خود را در دهه هفتاد پشت سر گذاشت و شاید اثرات نه‌چندان خوشایندی در روند آثار تولیدی شعر و داستان داشت، ولی تأثیری که کتاب‌های منتشر شده این حوزه پس از بیست سال بر جریان‌های ادبی کشور گذاشته‌اند، هرگز انکارشدنی نیست. این روزها کتاب‌های مهم‌تر و مشهورتری در حوزه نظریه ادبی به فارسی ترجمه می‌شوند و ترجمه‌ها نیز علی‌العموم دقیق‌ترند. ادبیات ایران با اتکا به این نظریه‌ها می‌تواند خود را با تحولات ادبی جهان همراه کند یا حتی در صورت احساس نیاز، به قامت منتقد پاره‌ای جریان‌ات، حضور خود را اعلام دارد ولی این همه، تنها در صورتی ممکن است که انتشار این قبیل کتاب‌ها همچنان ادامه داشته باشد.

ادبیات داستانی برخلاف سبک بی‌روح متون فلسفی این امکان را به آنها (فیلسوفان) می‌دهد که به جزئیات و واقعیات زندگی‌های ما و آنچه فلسفه می‌بایست با آن در ارتباط باشد، بپردازند.»

مارتین اسکیلز به این باور موریس ویتز اشاره دارد که «فلسفه و ادبیات می‌توانند یکدیگر را غنا ببخشند.» به نوشته نویسنده، «او (موریس ویتز) نشان می‌دهد که چگونه ادبیات به نحوی زیبایی‌شناختی فلسفه را جذب می‌کند و از خود عبور می‌دهد و چگونه مضامین فلسفی در وحدت ساختاری آثاری که او بررسی می‌کند سهیم می‌شوند.»

آنچه تأکید بر آن بیش از هر نکته دیگری لازم است این بصیرت نویسنده است که این شیوه‌های نزدیک شدن به مسائل اساسی وجود انسانی است که بحث درباره وجوه تمایز فلسفه و ادبیات را ضرورت می‌بخشد؛ چون در هر حال علایق و مضامین مشترک بین فلسفه و ادبیات پرشمارند. در واقع به باور مارتین اسکیلز، یک رمان نویس بارها درباره همان مسائلی بحث می‌کند که یک فیلسوف سراغ آنها می‌رود، اما راهبرد این دو به موضوع است که به کارشان تفاوتی. شاید ماهوی و شاید ظاهری. می‌بخشد و فلسفه و ادبیات را از هم متمایز می‌سازد. باز جا دارد اشاره‌ای به دریدا داشته باشیم. تمام نظریات این فیلسوف فرانسوی را که سرجمع کنیم، هرگز به یک نظریه ساخته‌وپر داخته فلسفی نمی‌رسیم. آنچه دریدا بیش از هر چیز در پی آن است، ارائه یک راهبرد تازه در قرائت متن است که تا آن روز تجربه نشده بود. شاید اینجا است که فلسفه و ادبیات در کمترین فاصله از هم قرار می‌گیرند.

فلسوفی تمام زندگی حرفه‌ای خود را می‌گذارد تا سرانجام بتواند به قول خودش، «خطای تاریخی فلسفه غرب» را که از نظر او جست و جوی یک مدلول متعالی است اصلاح کند. ولی از این همه، مهم‌ترین نتیجه‌ای که می‌گیرد ارائه راهبردهایی تازه در قرائت متون است؛ یعنی همان موضوعی که از زمان افلاطون و ارسطو و لوتگینوس و هوراس تا فیلیپ سیدنی و درایدن و الکساندر پوپ، هنری جیمز، ماتیو آرنولد، جان کرو و رنسم و روزنبلت و نظریه‌پردازان جدیدتر محرواصلی بحث‌های نظریه ادبی را تشکیل می‌دهد است.

دریدا در مقام یک فیلسوف، کل تاریخ تفکر غرب را به نقد می‌کشد؛ ولی متوقف نمی‌شود و بی‌درنگ از بنیان فلسفی‌اش به راهبردهای قرائت متن نقب می‌زند. مارتین اسکیلز نیز با آگاهی فیلسوفانه‌اش از رابطه درونی فلسفه و ادبیات، هم دیدگاه‌های فلاسفه تحلیلی را درباره ادبیات مطرح می‌کند. که مشخص است اصولاً نظرات دوستانه‌ای نیست. و هم با پیش کشیدن نظریه نه‌ای استین هائوگوم اولسن، یعنی نظریه کشش. گفتار، غایت همدلی خود را با علاقه‌مندان ادبیات نشان می‌دهد؛ نظریه‌ای که محور اصلی آن غرض خواننده از به دست گرفتن و خواندن یک متن ادبی است و از این جهت، در ادامه نظرات نظریه‌پردازانی چون لوتیز روزنبلت و ولفگانگ آیزر که نخستین بار نقد واکنش خواننده را معرفی کردند قرار می‌گیرد. ولی در مجموع ظرفیت‌های تئوریک این کتاب گسترده‌تر از آن است که در مطلبی کوتاه بتوان همه زوایای آن را به بحث گذاشت.

«درآمدی بر فلسفه و ادبیات» توسط نشر اختران با شمارگان ۱۵۰۰ نسخه و با قیمت ۴۴۰۰ ریال روانه بازار کتاب ایران شده است. ترجمه فارسی این اثر که مرتضی نادری دره شوری آن را انجام داده با وجود کتابنامه و نمایه ۲۶۴ صفحه چاپی را دربرمی‌گیرد.



انفجار دوگانه در عرصه ادبیات مکتوب

برخی رویدادها و تحولات، تأثیر شگرفی بر تاریخ بشر گذاشته‌اند. آنچه در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ رخ داد نیز یکی از همین رویدادها بود. رخداد ۱۱ سپتامبر را فارغ از آن که یک حادثه تروریستی از سوی القاعده یا یک واقعه با اطلاع و همکاری نهادهای اطلاعاتی و امنیتی آمریکا بدانیم، باید سرم‌نشاء و سرآغاز فصل نوینی در عرصه‌های مختلف زندگی از جمله تغییر در ادبیات نوشتاری و نتیجه آن در آثار مکتوب بین‌المللی بنامیم.

اگرچه پیش از آن بمب‌گذاری در مرکز تجارت جهانی در سال ۱۹۹۳، انفجار سفارتخانه‌های آمریکا در تانزانیا و کوبا در سال ۱۹۹۸، حمله به برج کویت در عربستان در سال ۱۹۹۶، حمله به ناو نظامی آمریکا در سواحل یمن و ... اقداماتی بودند که در راستای مقابله با نظم حاکم آمریکایی انجام گرفته بودند، با این حال هیچ رخدادی مانند ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، شکنندگی غرور و اقتدار آمریکایی‌ها را به نمایش نگذاشت. در حالی که تمام وقایع فوق از سوی آمریکایی‌ها به شدت محکوم شده و تبلیغات زیادی در راستای بزرگ‌نمایی آنها صورت گرفته بود، اما به واقع رخداد ۱۱ سپتامبر دارای زوایای مختلف و ابعاد گوناگونی بود که تأثیر زیادی بر نظم بین‌المللی داشت.

بر این اساس، می‌توان رخداد ۱۱ سپتامبر را هم‌تراز با وقایع بزرگی چون جنگ جهانی یا فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی دانست؛ حادثه‌ای که اگرچه در ظاهر روند یک جانبه‌گرایی ایالات متحده آمریکا را در نظام بین‌الملل بیش از پیش تسریع کرد اما به واقع بر تمام عرصه‌های مختلف سیاست بین‌الملل تأثیر گذار بود. در حقیقت، همراه با تحولات سریع در عرصه سیاست بین‌الملل، منابع مختلف سعی در تبیین اوضاع پیش آمده و ترسیم زوایای مختلف تحولات فوق کردند. تمام مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تحت تأثیر امنیت و مباحث امنیتی نگرین شده‌اند. در چنین فضایی، نه تنها متون مرتبط و مستقیم با اصل حادثه ۱۱ سپتامبر به وجود آمد، بلکه سایر جنبه‌های ادبی و فکری نیز عملاً تحت تأثیر این رخداد بزرگ قرار گرفتند. در نتیجه، می‌توان چنین عنوان کرد که رخداد ۱۱ سپتامبر به طور مستقیم و غیرمستقیم تأثیر شگرفی بر متون مختلف گذاشت که پس از سال ۲۰۰۱ منتشر شدند، به نحوی که از آن زمان تاکنون کمتر می‌توان کتاب یا مقاله‌ای در حوزه روابط بین‌الملل یافت که در آن هیچ اشاره‌ای به رخداد ۱۱ سپتامبر نشده باشد. در واقع، تمام متونی که در حوزه روابط بین‌الملل پس از سال ۲۰۰۱ منتشر شده‌اند، به طور مستقیم و غیرمستقیم با این رخداد بزرگ دست به گریبان بوده‌اند.

بی‌شک چنین تحول مهمی در عرصه روابط بین‌الملل - که به آغاز دو جنگ در افغانستان و عراق انجامید و مبارزه با تروریسم را به مسأله‌ای اساسی در روابط بین‌الملل مبدل کرد - تأثیرات مهمی نیز در میان اندیشمندان و نویسندگان حوزه‌های مختلف بر جای گذاشته است. این تأثیرات را می‌توان در تعداد و محتوای کتاب‌ها، مقالات و مجلات مختلفی مشاهده کرد که مستقیم و غیرمستقیم در ارتباط با رخداد ۱۱ سپتامبر منتشر شده‌اند.

شاید بتوان در یک تقسیم‌بندی محتوایی، کتاب‌ها، مقالات و مجلاتی را که درباره ۱۱ سپتامبر منتشر شده‌اند، به سه دسته تقسیم کرد:

۱- کتاب‌ها، مقالات و مجلاتی که چرایی و چگونگی وقوع رخداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را مدنظر قرار داده‌اند و اغلب در حوزه‌های سیاسی و امنیتی

مورد توجه قرار گرفته‌اند.

۲- کتاب‌ها، مقالات و مجلاتی که به ابعاد و پیامدهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی رخداد ۱۱ سپتامبر پرداخته‌اند و به ویژه آغاز جنگ با طالبان در افغانستان و سرنگونی صدام حسین در عراق را مدنظر داشته‌اند. در این زمینه، گسترش گفتمان «مبارزه با تروریسم» که یکی از برجسته‌ترین پیامدهای ۱۱ سپتامبر بود را می‌توان مهم‌ترین محور این کتاب‌ها، مقالات و مجلات تلقی کرد.

۳- کتاب‌ها، مقالات و مجلاتی که در حواشی رخداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به چاپ رسیده‌اند که شامل اشعار، خاطرات، روایت‌ها و داستان‌های مختلف می‌شوند. این آثار اغلب به حوزه‌های عمومی و اجتماعی تعلق دارند و برخلاف دو دسته نخست که به طور مستقیم به حوزه‌های سیاسی و امنیتی مرتبط می‌شدند، شامل حوزه‌های فراگیرتری اند. در این باره می‌توان به کتاب «ادبیات بعد از ۱۱ سپتامبر» که توسط جمعی از نویسندگان در جولای ۲۰۰۸ منتشر شد اشاره کرد. مایکل روتبرگ طی مقاله‌ای در این کتاب با عنوان «نگاه به ترور احساس هنر» به بررسی حوزه عمومی و خصوصی ادبیات پرداخته است. رابرت بروشتین هم در این کتاب تأثیرات ۱۱ سپتامبر را بر دنیای تئاتر بررسی کرده است.

همچنین، در یک تقسیم‌بندی دیگر شاید بتوان متون منتشر شده درباره ۱۱ سپتامبر را به دو دسته تقسیم کرد:

۱- متونی که توسط متخصصان و کارشناسان آمریکایی و غربی به رشته تحریر درآمده‌اند و اغلب ضمن تفتیح رخداد ۱۱ سپتامبر، به حمایت از تصمیم کاخ سفید در مبارزه با تروریسم پرداخته‌اند. این متون سعی داشته‌اند آنچه در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ رخ داد را به طالبان و اسلام‌گرایی افراطی نسبت دهند و برای تهاجم نظامی آمریکا به افغانستان و عراق، زمینه‌سازی کنند. در این چارچوب می‌توان به رشد قابل ملاحظه ادبیات اسلام‌هراسی در آمریکا و اروپا اشاره کرد. طراحی و تدوین فیلم‌هایی مانند «فتنه» توسط گرت ویلدرز در هلند به طور خاص تحت تأثیر حادثه سپتامبر ۲۰۰۱ قرار دارد. ۱۱ سپتامبر و برجسته‌نمایی خشونت‌های برج‌های دوقلو را فروریخت، باعث شد گفت‌وگو فمینیستی و این فرضیه که سیاست بین‌الملل با ورود زنان به بالاترین مقام‌های حکومتی با ثبات تر خواهد بود، بیش از هر زمان دیگری مورد توجه قرار گرفت.

۲- متونی که توسط اشخاص مستقل و اغلب معارض با آمریکا و غرب نگاشته شده‌اند. اگرچه رخداد ۱۱ سپتامبر را محکوم کرده‌اند، اما آنچه اتفاق افتاد را به خود آمریکایی‌ها نسبت داده‌اند. از جمله کتاب‌های موجود در این زمینه می‌توان به کتاب «تیری میسان» نویسنده فرانسوی با عنوان «پنتاگیت»، رسوایی وزارت دفاع» اشاره کرد.

هدف این گروه که اغلب آثارشان در کشورهای مستقل و معارض با آمریکا و غرب مورد توجه قرار گرفته‌اند، این است که آمریکا را راه‌اندازی‌نمایش حمله به خاک خود، درصدد گسترش سلطه و چتر نظامی خود در سراسر جهان برآمده است. در واقع نویسندگان آثار ضمن تأکید بر آسیب‌پذیری آمریکا، معتقدند ایالات متحده رخداد ۱۱ سپتامبر را به چارچوبی برای توجیه سیاست‌های سلطه‌گرایانه خود تبدیل کرده است.

این آثار مکتوب اغلب سعی دارند مهم‌ترین حوزه تأثیرگذاری ۱۱ سپتامبر را حوزه روابط بین‌الملل و مباحث مرتبط با امنیت ملی و جهانی تلقی کنند.



عملیات ۱۱ سپتامبر که سمبل‌های قدرت و ثروت ایالات متحده را هدف قرار داده بود، دست کم دو پیامد جدی در روابط بین‌الملل در پی داشت. نخست آن که این حادثه برداشت سنتی از امنیت را درگرو کرد و نشان داد که قوی‌ترین کشورهای دنیا نیز در این وادی مصونیت ندارند. دوم آن که حوادث فوق در پی آن حمله آمریکا به افغانستان و عراق همگی حکایت از بالارفتن سرعت حرکت به سوی «نظم نوین جهانی» داشتند؛ نظمی که نخستین بار توسط بوش پدر در سخنرانی ۱۱ سپتامبر ۱۹۹۰ در اجلاس مشترک کنگره آمریکا مطرح شده بود، با قرائت یک جانبه‌گرایی نو محافظه‌کاران مستقر در کاخ سفید به شکل دیگری به واقعیت نزدیک می‌شد. در چنین سیستمی، نظامی‌تر شدن دنیا پس از ۱۱ سپتامبر، برجستگی‌های خاصی را برای بازیگران نظام بین‌الملل به دنبال داشت به نحوی که برخی از کشورهای چون ایران، عراق، افغانستان، کره شمالی، سوریه و ... را به عنوان هدف نظامی آمریکا مطرح کرد. این موضوع به خودی خود باعث نظامی‌تر شدن مناطق مختلف جهان شد. این نظامی‌شدن از یک سو به واسطه گسترش پایگاه‌های نظامی آمریکا و متحدان آن برای مبارزه علیه تروریسم صورت گرفت و از سوی دیگر هراس از وقوع جنگ احتمالی در میان کشورهای جهان، باعث توسعه سیاست‌های نظامی شد.

در مجموع آنچه در جهت‌گیری‌های مختلف این آثار مکتوب مشهود است، این نکته است که رخداد ۱۱ سپتامبر نقش مهمی در آمریکایی‌شدن ایفا کرده است. در واقع آمریکایی‌ها از طریق رخداد ۱۱ سپتامبر سعی کرده‌اند ارزش‌ها و دستیابی به منافع را برای کاخ سفید سهل‌تر از گذشته کنند. از نظر نویسندگان و تحلیلگران مرتبط با این نگاه موضوع فوق بیشتر به ضرر کشورهایی تمام‌شده که ارزش‌ها و ساختارهای متفاوت و متمایز با آمریکا را تجربه می‌کنند و توانمندی این کشور را برای تضعیف موقعیت خود می‌یابند.

فارغ از هرگونه بحث و جدل درباره میزان صحت و درستی هر یک از تحلیل‌ها و تقسیم‌بندی‌های فوق، باید در نظر داشت که اکثر کتاب‌هایی که در ایران درباره ۱۱ سپتامبر منتشر شده‌اند، از یک سو بیشتر ابعاد و پیامدهای رخداد را در نظر داشته‌اند و از سوی دیگر، تحت تأثیر این نگاه بوده‌اند که ۱۱ سپتامبر توطئه‌ای طراحی شده از سوی آمریکایی‌ها

بوده یا اگر چنین نبوده، باز هم دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی آمریکا در جریان وقوع آن قرار داشته‌اند. در مجموع با نگاهی آسیب‌شناسانه باید توجه داشت که این نگرش تک‌بعدی می‌تواند کارشناسان و پژوهشگران مسائل مرتبط با مسائل ۱۱ سپتامبر را از جامع‌نگری و توسل به باورهای فراگیر بازدارد.

در پایان به برخی از این کتاب‌ها که طی سال‌های گذشته توسط نویسندگان و ناشران مختلف به چاپ رسیده و در دسترس عموم قرار گرفته‌اند، اشاره می‌شود:

• سپتامبر سیاه، محمدرضا رستم‌ن، بررسی وقایع ۱۱ سپتامبر و افغانستان و تحلیل عوامل و علل حمله آمریکا و سرانجام واقعه، ناشر: سنا، ۱۳۸۱.

• توطئه ۱۱ سپتامبر، حسن باقری، مرتضی سالمی قمصری و سعید علی شیری، ناشر: نذیر، ۱۳۸۱.

• ۱۱ سپتامبر دروغ بزرگ، تیری میسان، مترجم: فریدون نوبهار، ناشر: نوبهار، فریدون، ۱۳۸۲.

• جهان پس از ۱۱ سپتامبر، امیرمختار کمالی نژاد، ناشر: ذهن آوین، ۱۳۸۳.

• پنتاگیت، رسوایی وزارت دفاع، تیری میسان، ۱۱ سپتامبر، مترجم: فریدون نوبهار، ناشر: نوبهار، فریدون، ۱۳۸۲.

• ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فریب دهشتناک، تیری میسان، سناریوی کاخ سفیدنشینان، مترجم: دنیا مملکت دوست، ناشر: ثمره، ۱۳۸۲.

• استراتژی نظامی آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر و رویارویی اسلام، منوچهر محمدی، ناشر: سروش، ۱۳۸۲.

• جهان پس از ۱۱ سپتامبر، از سقوط برج‌های مرکز تجارت جهانی نیویورک، تاسقوط طالبان و دستگیری صدام، امیرمختار کمالی نژاد، ناشر: ذهن آوین، ۱۳۸۳.

• عملیات روانی، مطالعه موردی حادثه ۱۱ سپتامبر، جنگ آمریکا، افغانستان و جنگ آمریکا، عراق، معاونت فرهنگی ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ناشر: نصایح، ۱۳۸۳.

• مفهوم امنیت پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، دومینک داوید، مترجم: معصومه سیف‌افجه‌ای، ناشر: وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۸۴.

• جهان پس از ۱۱ سپتامبر (استراتژی امپریالیسم در هزاره سوم)، احمد سیف، ناشر: آگه، ۱۳۸۴.

• آمریکای پس از ۱۱ سپتامبر: سیاست داخلی و خارجی (مجموعه مقالات)، محمود یزدان‌فام، ناشر: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۴.

• جدال دو توحش: ۱۱ سپتامبر و ایجاد بی‌نظمی نوین جهانی، ژیلبر آشکار، مترجم: حسن مرتضوی ناشر: اختران، ۱۳۸۴.

• ۱۱ سپتامبر و جهانی شدن، فاطمه شایان، ناشر: مهر قائم، ۱۳۸۵.

• حبیب‌الله فتاحی اردکانی، ناشر: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵.

• محور شرارت (روایت سلطه در جهان پس از ۱۱ سپتامبر)، محمدقدری سعید، عبدالمنعم سعید، افکار و اسرار ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، مترجم: اسماعیل اقبال، ناشر: موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۸۵.

• ۱۱ سپتامبر ... آرمانگدون، نجمه کریمی، فروغ یزدخواستی و صفورا مختاری، ناشر: حدیث راه عشق، ۱۳۸۶.

• سیاست خارجی آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر، ابوذر گوهری مقدم، ناشر: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.

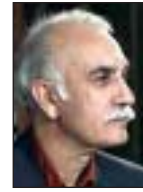
• تحول سیاست دفاعی و امنیتی ایالات متحده پس از ۱۱ سپتامبر، حمید پیشگاه هادیان، ناشر: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۷.



روایت اول شخص

وفادار به دینو بوتزاتی

■ محسن ابراهیم، مترجم



«بارنابوی کوهستان‌ها» نخستین رمان بوتزاتی و «شب‌های سخت» مجموعه داستان‌های کوتاه و بلند او را در دست ترجمه دارم.

از «بارنابوی کوهستان‌ها» می‌توان به عنوان رمانی یاد کرد که حضور نویسنده‌ای با سبک و نگاه ویژه‌ای رایج‌جامعه ادبیات معرفی می‌کند و آغازی بر کتاب‌های دیگر این نویسنده است. ترجمه این کتاب رو به پایان است و احتمالاً تا پایان پاییز توسط نشر مرکز منتشر خواهد شد. ترجمه «شب‌های سخت» نیز در نیمه راه است و به دلیل زیاد بودن تعداد داستان‌ها زمان بیشتری را برای ترجمه می‌طلبد. این کتاب نیز مانند سایر آثار بوتزاتی توسط نشر مرکز منتشر می‌شود.

اکثر نویسندگان و منتقدان ایتالیایی دینو بوتزاتی را بایک مقایسه می‌رنجانند و آن مقایسه آثار او با آثار کافکا است. نگرانی، اضطراب، دلهره، ترس از گذر زمان، عشق‌های نافرجام و انتظار برای واقعه‌ای که باید به وقوع بپیوندد اما رخ نمی‌دهد و قهرمان و شخصیت‌های داستان همیشه در انتظار آن اتفاق هستند، شاید آثار او را بی‌شبهت با آثار کافکا نشان ندهد. اما بوتزاتی نگاهی خاص و تیزبینانه دارد که وقایع روزمره را از دیدگاه فلسفی تجزیه و تحلیل می‌کند. بوتزاتی در سال ۱۹۷۱ درگذشت و بعد از درگذشتش بیش از آن که در وطن خودش معرفی و شناخته شود، در کشورهای دیگر به عنوان نویسنده‌ای توانا و خالق آثار ارزشمند شناخته شد.

در هیچ‌یک از داستان‌های او صرف گذر زمان با یک سرگرمی رویه رو نمی‌شوید، بلکه در کوتاه‌ترین داستان‌هایش معنای عمیق فلسفه نهفته که مابه‌سادگی از کنار آن می‌گذریم اما بوتزاتی به آن پرداخته است. بار فلسفی که آثار او دارد خواننده را چون من، گرفتار نوعی سختگیری در انتخاب داستان‌های دیگر از سایر نویسندگان می‌کند. این ویژگی آثار بوتزاتی است که مفهوم را گاهی در چند خط و گاهی در یک رمان بلند به خواننده منتقل می‌کند. کوتاه‌ترین داستان او هم تا مدت‌ها در ذهن می‌ماند و مخاطب را درگیر آن فضای داستانی می‌کند.

دینو بوتزاتی علاوه بر نویسندگی، خبرنگار، شاعر نمایشنامه‌نویس، نقاش و کوهنورد نیز بود و دستی بر نقد موسیقی و نگارش داستان‌های مصور هم داشت. به دلیل تعلق خاطری که به بوتزاتی دارم، با خود عهد کرده‌ام که جز ترجمه آثار او کار دیگری نکنم و در آینده، تصمیم دارم دومین کتاب او با عنوان «راز جنگل کهن» (۱۹۳۵)، مجموعه داستان بسیار حمیم «تصویر بزرگ» و «یک عشق» آخرین رمان بوتزاتی را ترجمه کنم. پیش‌تر کتاب‌های «صحرای تاتار»، «کولومبوره» و چند داستان دیگر که کتابی ۶۰۰ صفحه‌ای است، «شصت داستان» در ۵۰۰ صفحه و «متاسفیم از...» این نویسنده را ترجمه و توسط نشر مرکز منتشر کرده‌ام.

اندر خم یک کوچه

■ کریم زمانی، مولوی پژوه

آبان امسال حاصل هشت سال کار تحقیقی و پژوهشی‌ام به صورت متمرکز در زمینه ترجمه و تفسیر قرآن کریم توسط انتشارات نامک منتشر و روانه بازار کتاب خواهد شد. این ترجمه با همکاری همسرم که شیفته چنین کارهایی است و پسرم صالح که در زمینه

ادبیات عرب تخصص دارد، انجام گرفته است. عنوان آن «ترجمه روشنگر قرآن کریم» است که به زبان و نثری ساده و مختصر، آیه آیه قرآن را ترجمه و در ذیل آن به توضیحات تفسیری درباره این مفاهیم پرداخته‌ام. این کتاب ۱۳۰۰ صفحه‌ای که در حال حاضر مراحل آماده‌سازی برای انتشار را می‌گذراند در قطع رحلی بزرگ منتشر می‌شود و در تدوین آن به ۲۰ منبع تفسیر قرآن مانند تفسیر تبیان، مجمع البیان، کشاف، ابوالفتوح، قرطبی، صافی و ایاشی مراجعه شده است. همچنین تجدید چاپ دوره هفت جلدی «شرح جامع مثنوی» توسط انتشارات اطلاعات در دست انجام است. جلد نخست این مجموعه به چاپ سی‌ام و آخرین جلد آن که دیرتر از جلد نخست منتشر شده، به چاپ پانزدهم رسیده است. به تازگی نیز چاپ نفیس آن البته با تاخیر منتشر شده است؛ هر چند قرار بود این امر به مناسبت سال مولانا صورت گیرد. اخیراً نیز چاپ ششم «میناگر عشق» که شرح موضوعی مثنوی معنوی است توسط نشر نی منتشر و روانه بازار کتاب شد. اما کاری که این روزها مرا به خود سرگرم کرده و هنوز اندر خم یک کوچه است و به جایی نرسیده، نگارش کتابی با عنوان «شرح دیوان شمس» است که به شرح غزلیات مولانا اختصاص دارد. پنج سال است که روی این کتاب کار می‌کنم و می‌توانم بگویم تنها مقدمات آن انجام شده است. «شرح دیوان شمس» یک کار سنگین تحقیقی است که به این زودی‌ها به پایان نمی‌رسد!

فانتزی پلیسی

■ شبلا انتظاریان، مترجم



آخرین کتابی که از من منتشر شده، اثری از جک گنتوس با عنوان «حفره‌ای در زندگی من» است که در نمایشگاه کتاب امسال ارائه شد. البته چندین کتاب دیگر را همزمان با آن آماده انتشار داشته‌ام که هنوز منتشر نشده و زیر چاپ هستند. از جمله ترجمه دو جلد از مجموعه هشت جلدی «جیمی کوآتر» اثر جو کریک به پایان رسیده که توسط نشر پیدایش منتشر خواهد شد.

این مجموعه فانتزی پلیسی که تاکنون چهار جلد آن ترجمه و منتشر شده برای گروه سنی «د» است و ترجمه سه جلد آن را من انجام داده‌ام. همچنین داستان بلند «زنجیره دروغ» اثر بورلی نایدو از نویسندگان آفریقای جنوبی ادامه کتاب دیگری با عنوان «آن روی حقیقت» است که پیش‌تر توسط ملیحه محمدی ترجمه شده بود. این کتاب توسط نشر چشمه در دست چاپ است و داستانی واقع‌گرایانه دارد که به سرنوشت یک روزنامه‌نگار و فعالیت‌های او در عرصه سیاسی در کشور نیجریه و ماجراهای خانواده‌اش پس از تن دادن به مهاجرت اختصاص دارد.

اما ترجمه کتاب «اگل» نوشته دیوید آلموند نویسنده انگلیسی را به نشر ققنوس سپرده‌ام. این کتاب مانند سایر آثار آلموند در فضای رئالیسم جادویی دنبال می‌شود و به موضوع خلقت و سرشت انسان از گل اختصاص دارد. انتشارات علمی فرهنگی نیز دو کتاب مصور یکی با عنوان «حکیم باشی» نوشته روبرتو پیومینی با تصویرگری پیت گرابلر و «خدا را شکر هشت پانزده» اثر جولیا مارکز و تصویرگری مگی اسمیت را برای گروه سنی «الف» و «ب» به زودی منتشر خواهد کرد.

ترجمه کتاب «فرعون» نوشته جکی فرنج که در سال ۲۰۰۶ نامزد دریافت جایزه اندرسن از کشور استرالیا بوده به پایان رسیده است. ماجراهای این رمان تاریخی که توسط نشر قطره راهی بازار کتاب می‌شود، در مصر و بین‌النهرین باستان اتفاق می‌افتد. همین انتشارات رمان دیگری که برای بزرگسالان با عنوان «آن روز در خشان» ترجمه کرده‌ام را به زودی منتشر می‌کند.

این کتاب‌ها را چند ماه پیش برای انتشار به ناشران سپرده بودم که منتشر نشدند اما فکر می‌کنم همگی آنها این روزها به ترتیب روانه بازار کتاب می‌شوند.

عاشقانه‌های فارسی

■ محمد غلامرضایی، پژوهشگر

این روزها چند کتاب توسط ناشران مختلف در دست انتشار دارم. یکی از آنها کتابی با عنوان «داستان‌های غنایی» است که توسط انتشارات علمی زیر چاپ است. این کتاب بحثی تاریخی و انتقادی درباره داستان‌های عاشقانه منظوم فارسی تا آخر قرن ششم دارد و در آن به روش داستان‌سرایی، زبان داستان‌ها یا برخی بی‌تناسبی‌ها که در این گونه از داستان‌ها آمده، پرداخته شده است.

همچنین برخی از شخصیت‌های این داستان‌ها از لحاظ پیشینه تاریخی و ادبیاتی در بخش دیگری از کتاب بررسی شده‌اند.

می‌توان گفت کتاب کلیاتی درباره ادبیات غنایی است و شش داستان عاشقانه منظوم «زال و رودابه»، «بیژن و منیژه»، «ورقه و گلشاه»، «یوسف و زلیخا»، «ویس و رامین» (منسوب به فردوسی)، «خسرو و شیرین» و «لیلی و مجنون» (نظامی گنجوی) نیز به صورت خلاصه در انتهای کتاب آورده شده است. سال‌ها پیش چاپ نخست این کتاب با عنوانی دیگر توسط انتشارات فردابه منتشر شده بود، اما کتاب حاضر به صورت کامل‌تر و با تجدید نظر در مباحث و مطالب آن منتشر می‌شود.

کتاب دیگری نیز توسط انتشارات دانشگاه شهید بهشتی با عنوان «سبک‌شناسی نثرهای صوفیانه از قرن پنجم تا اوایل قرن هشتم» (کلیات) زیر چاپ است. در این کتاب شیوه‌های نویسندگی متصوفانه و عناصر ویژه داستانی که نویسندگان آن دوره در آثار خود به کار می‌برده‌اند بررسی شده است.

همچنین در مجموعه‌ای که نام‌هایی که توسط مرکز پژوهشی میراث مکتوب منتشر می‌شود، «ارج‌نامه دکتر معین» به تازگی تدوین شده و منتشر خواهد شد.

در این کتاب به زندگی محمد معین، توصیف آثار او و کتاب‌شناسی‌اش پرداخته‌ام و در انتهای کتاب ۱۳ مقاله که سیرین درباره آثار معین نوشته‌اند، آورده شده است.

نثرهای شاعرانه

■ محمود اکرامی‌فر، شاعر



مجموعه نثرهای ادبی‌ام را در ۲۷۴ صفحه و با عنوان «همه خطوط موازی‌اند» توسط نشر تکا زیر چاپ دارم که به زودی منتشر می‌شود.

این کتاب در دو بخش به نام‌های «نیروانا» و «نام‌علی دهان شهر را شیرین می‌کند»، به مباحثی از جمله مباحث اجتماعی، اعتقادی، آیینی و... می‌پردازد. نیمی از متن این اثر ادبی بر آرزوهایم، استعاره و کنایه که بنیابین نثر و شعر است، درباره حضرت علی (ع) و مناسبت‌های مذهبی است و نیمی دیگر نگاهی به زندگی خصوصی‌ام دارد و به نوعی حرف‌های دل و زندگی است.

اما دو کتاب دیگر را به سفارش وزارت ارشاد در دست تالیف دارم که در مجموعه یادنامه‌ها توسط انتشارات تکا منتشر خواهد شد. این دو کتاب یادنامه منوچهر آتشی و مهدی اخوان ثالث است که هر یک در حدود ۲۰۰ صفحه منتشر می‌شوند. پنجاه صفحه از این یادنامه‌ها به‌گرایش شعر این دو شاعر اختصاص دارد و در بخش‌های دیگر کتاب، چند مقاله درباره نقد شعر این شاعران، معرفی ویژگی‌های شعر آنها، خاطرات اطرافیان و نزدیکانشان و حرف‌های نگفته و منتشر نشده درباره آنها یا نقل قول از خودشان آمده است.

برای دستیابی به‌گفته‌ها درباره آتشی و اخوان ثالث، به دوستان صمیمی و برخی از اعضای خانواده آنان مراجعه کرده‌ام.

کار تالیف این یادنامه‌ها هنوز به پایان نرسیده و احتمالاً تا چهار ماه دیگر آن رابه ناشر خواهیم سپرد.

یادداشت

صالح رامسری

ناشر آثار مرادی کرمانی



نویسنده‌ای که خود را تکرار نمی‌کند



هوشسنگ مرادی کرمانی در آستانه ۶۵ سالگی است و من با تبریک سالروز تولدش بسی هیج تملق و چاپلوسی، همانی را از خداوند خواهانم که

همیشه استدعا کرده‌ام: عمر طولانی برای نویسنده‌ای که هر چه بیشتر بزید اثری ارزنده‌تر و جاودانه‌تر را نه تنها به فرهنگ ایرانی بلکه به تمام دنیا هدیه می‌کند.

ساده‌نویسی و ایجاد رابطه صمیمی و تنگاتنگ با مخاطب، برجسته‌ترین ویژگی آثار مرادی کرمانی است. سراغ سوژه‌هایی می‌رود که بارها در زندگی روزمره من و شما اتفاق می‌افتد و شاید بی‌تفاوت از کنارش می‌گذریم. واقعیت‌گرایی و نداشتن شاخ و برگ اضافی در این آثار نیز علاقه‌مندان آثارش را روز به روز بیشتر می‌کند. او نوشته‌هایش را با «سس اضافی» به خورد مخاطب نمی‌دهد. همیشه در نوع نگاه و نگارشش نوعی طنز هست؛ طنزی نه به مفهوم لودگی که برخاسته از فرهنگ دیرینه و نوع نگاه خاص ایرانی.

فقر از دیدگاه او شیرین است، فقری که دستمایه بسیاری از آثار اوست و با تلاش، پایداری و صبوری به سرانجامی دلپذیر می‌رسد. کودکان فقیر قصه‌های او زیرکی دارند که دوچندان دوست‌داشتنی‌شان می‌کند.

دسته‌ای از نویسندگان که آثارشان از قدرت تصویری بالایی برخوردارند داستان‌هایشان به آثار سینمایی ارزنده‌ای بدل شده است. مرادی کرمانی نیز از جمله نویسندگان ایرانی است که آثارش قابلیت برداشت و اقتباس سینمایی را دارند، از جمله «قصه‌های مجید»، «لبخند انار»، «مهمان مامان»، «مرای شیرین» و «خمره» که به آثار سینمایی تبدیل شده‌اند. برای تبدیل داستان‌های او به فیلمنامه، فیلمنامه‌نویس می‌تواند به کل قصه وفادار بماند چراکه آثار او روایت تصویری است که نگاشته شده‌اند.

مرادی کرمانی هیچ‌گاه خودش را تکرار نمی‌کند و همیشه سخنی تازه برای گفتن دارد. زمانی که کتاب «نه‌تر و نه خشک» او منتشر شد خیلی‌ها معتقد بودند که عمر نویسندگی مرادی کرمانی به پایان رسیده اما پس از آن کتاب «شما که غریبه نیستید» روانه بازار شد؛ کتابی که سرمنشأ بسیاری از آثار او بوده است. معتقدم آثار مرادی کرمانی برای سن و قشر خاصی نیست، بر خوردهایی که در نمایشگاه و با افراد مختلف داشته‌ام علاقه‌مندان آثار او را در سنین متفاوتی یافته‌ام.

همیشه گفته‌ام، باز هم می‌گویم: اگر من نباشم و انتشارات معین، ناشر دیگری آثار مرادی کرمانی را منتشر می‌کند. آنان که نبودنشان فقدان می‌شود، امثال مرادی کرمانی‌اند. چنین نویسندگانی را جایگزینی نیست.

در آستانه ۶۵ سالگی هوشسنگ مرادی کرمانی خیر خوشی هم دارم، اینکه آخرین کتاب او با عنوان «نازبالش» در مرحله حروفچینی است که امیدوارم اوایل سال آینده منتشر شود.